



مرکز تحقیقات و نشریات

اصفهان

گامی



الرحمن  
علیه صاب

www.

www.

www.

www.

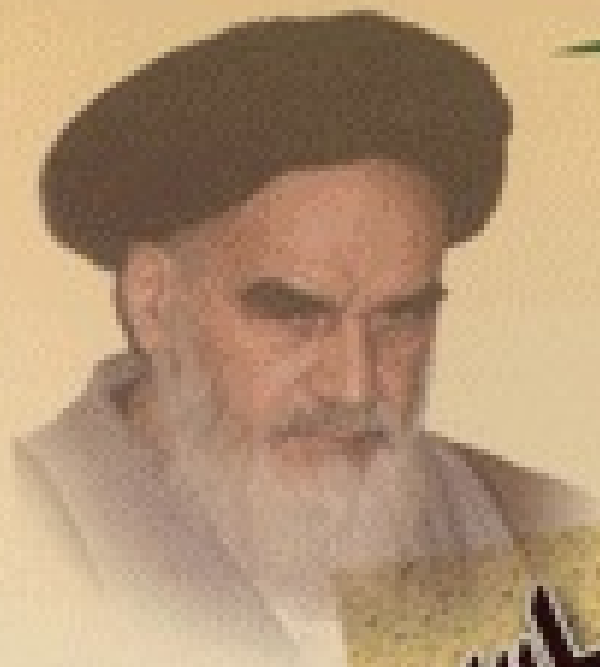
Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



# مشارکت سیاسی

## دیدگاه امام خمینی (ره)



سید علی اسفندی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# مشارکت سیاسی از دیدگاه امام خمینی رحمة الله عليه

نویسنده:

علی اصغر حسینی

ناشر چاپی:

حیب

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۱۰	مشارکت سیاسی از دیدگاه امام خمینی رحمه الله علیه
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۴	مجوز چاپ
۱۵	اشاره
۱۷	فهرست
۲۴	پیشگفتار
۲۸	بخش اول: مباحث تئوریک مشارکت سیاسی
۲۸	اشاره
۳۰	فصل اول: بررسی مفهوم مشارکت سیاسی
۳۰	اشاره
۳۱	۱- تعاریف مشارکت سیاسی
۳۱	اشاره
۳۲	تعاریف رایج مشارکت سیاسی:
۴۳	(۲) مفهوم مشارکت در این نوشتار
۴۵	(۳) مبانی، مشارکت سیاسی و انواع آن
۴۵	اشاره
۴۶	الف - مشارکت به صورت متغیر وابسته
۴۶	اشاره
۴۶	الف - سطح خرد
۴۹	ب - سطح کلان
۵۱	(ب) مشارکت بصورت متغیر مستقل
۵۱	اشاره

۵۱	۱- سطح خرد؛
۵۲	۲- سطح کلان؛
۵۳	ج) انواع مشارکت سیاسی
۶۰	جمع بندی :
۶۴	فصل دوم : جایگاه مشارکت سیاسی در توسعه
۶۴	الف ) بررسی مفهوم توسعه
۶۴	اشاره
۶۵	توسعه در فرهنگ علوم سیاسی این چنین آمده است:
۶۶	اندیشمندان سیاسی در تعریف مفهوم توسعه چنین می گویند:
۷۰	ب) رهیافتهای توسعه سیاسی
۷۰	اشاره
۷۰	۱- رهیافت نظام - کارکرد
۷۰	اشاره
۷۲	اعمال نظام را می توان در سه سطح کلی بررسی کرد:
۷۷	۲- رهیافت فرایند اجتماعی
۷۹	۳- رهیافت تاریخی - مقایسه ای
۸۲	بخش دوم : بررسی اندیشه سیاسی امام خمینی رحمه الله علیه
۸۲	اشاره
۸۴	فصل اول: ماهیت عمل سیاسی، اخلاق و سیاست، دولت در اندیشه سیاسی امام رحمه الله علیه
۸۴	۱- ماهیت عمل سیاسی
۹۳	۲- اخلاق و سیاست
۹۳	اخلاق :
۹۵	سیاست :
۱۰۲	۳- دولت در اندیشه سیاسی امام خمینی رحمه الله علیه
۱۰۲	اشاره
۱۰۳	الف - دولت خدمتگذار نه فرمان روا

- ب - دولت قانون مدار ..... ۱۰۶
- ج - دولت امانت دار ..... ۱۰۹
- جمعبندی : ..... ۱۱۱
- فصل دوم : حکومت، حاکمیت، مشروعیت، آزادی و دموکراسی از دیدگاه امام رحمه الله عليه ..... ۱۱۴
- اشاره ..... ۱۱۴
- ۱- حکومت ، حاکمیت و مشروعیت در اندیشه امام خمینی رحمه الله عليه ..... ۱۱۵
- الف - ضرورت حکومت از دیدگاه امام رحمه الله عليه ..... ۱۱۵
- اشاره ..... ۱۱۵
- ۱- ماهیت و کیفیت قوانین اسلام ..... ۱۱۵
- ۲ - سیره پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و امیر مؤمنان علیه السلام ..... ۱۱۶
- ۳- ضرورت استمرار اجرای احکام ..... ۱۱۷
- ب- منشأ مشروعیت حکومت و حاکمیت از دیدگاه امام رحمه الله عليه ..... ۱۱۸
- اشاره ..... ۱۱۸
- مفهوم مشروعیت ..... ۱۱۹
- انواع مشروعیت ..... ۱۱۹
- اشاره ..... ۱۱۹
- ۱- مشروعیت الهی : ..... ۱۲۲
- ۲- مقبولیت مردمی ..... ۱۲۵
- الف) آراء مستقیم مردم ..... ۱۲۵
- ب - خبرگان رهبری ..... ۱۲۸
- ۲- آزادی از دیدگاه امام خمینی رحمه الله عليه ..... ۱۳۰
- اشاره ..... ۱۳۰
- الف - امام و آزادی بیان عقیده و افکار ..... ۱۳۴
- ب - امام خمینی و آزادی مطبوعات ..... ۱۳۴
- ج - آزادی عمل یا آزادی سیاسی از دیدگاه امام رحمه الله عليه ..... ۱۳۵
- ۳- دموکراسی از دیدگاه حضرت امام رحمه الله عليه ..... ۱۴۰

۱۴۵	جمعبندی :
۱۴۶	بخش سوّم : تبیین مشارکت سیاسی در اندیشه سیاسی امام خمینی رحمه الله علیه
۱۴۶	اشاره
۱۴۸	فصل اول : جایگاه مردم در مشارکت سیاسی از دیدگاه امام خمینی رحمه الله علیه
۱۴۸	اشاره
۱۵۰	الف - مردم در اندیشه امام رحمه الله علیه
۱۵۰	۱- جایگاه مردم در اندیشه عرفانی امام
۱۵۴	۲- ویژگی های مردمی اندیشه سیاسی امام رحمه الله علیه
۱۵۵	۳- انگیزه الهی و اجتماع ملت دو رکن اصلی نهضت
۱۵۷	۴- رهبری مرجعیت تقلید ضامن توفیق بسیج توده ها
۱۵۹	۵- ضرورت روشننگری عمومی
۱۶۳	۶- استفاده از شعارهای فارگیر در انگیزش مردم
۱۶۶	۷- اهمیت دادن به ضرورت پذیرش عمومی و بلوغ سیاسی مردم
۱۶۹	ب - زمینه های مشارکت مردم در حکومت، سیاست و نظام سیاسی
۱۶۹	اشاره
۱۶۹	۱- تعیین رهبران و حاکمان
۱۷۴	۲- نظارت
۱۷۸	۳- نصیحت و بیان حقایق تلخ (انتقاد):
۱۸۲	۴- بازخواست و استیضاح :
۱۸۴	ج - حقوق متقابل دولت و مردم از دیدگاه امام خمینی رحمه الله علیه
۱۸۴	اشاره
۱۸۵	الف - وظایف دولت در برابر مردم
۱۸۵	۱- احترام به آرای عمومی
۱۸۵	۲- تامین استقلال و آزادی
۱۸۷	۳- احقاق حقوق و برقراری عدالت اجتماعی
۱۸۸	ب - حقوق دولت بر مردم



۱۸۸	..... اشاره
۱۸۸	..... ۱- حمایت و پشتیبانی مردم از دولت
۱۸۹	..... ۲- نظارت و مشورت
۱۹۱	..... ۳- حضور مداوم و لزوم مقاومت مردم
۱۹۴	..... فصل دوم : جایگاه احزاب در مشارکت سیاسی از دیدگاه امام خمینی رحمه الله علیه
۱۹۴	..... اشاره
۱۹۷	..... الف - جوامع اسلامی و پدیده احزاب
۲۰۱	..... ب - فعالیت احزاب در جوامع اسلامی و جوامع دموکراتیک
۲۰۶	..... ج - احزاب سیاسی در اندیشه سیاسی امام رحمه الله علیه
۲۱۲	..... د- روحانیت و فعالیت حزبی آن از دیدگاه حضرت امام رحمه الله علیه
۲۱۸	..... ه- بیگانگان و احزاب سیاسی از دیدگاه حضرت امام رحمه الله علیه
۲۲۱	..... و - مشارکت و آزادی احزاب سیاسی از دیدگاه امام رحمه الله علیه
۲۲۱	..... اشاره
۲۲۳	..... ۱- عدم برخورد مسلحانه با نظام اسلامی
۲۲۵	..... ۲- انتقاد به جای توطئه
۲۲۶	..... ۳- عدم وابستگی به قدرت های خارجی
۲۲۷	..... ۴- عدم ضرر به نظام اسلامی
۲۲۸	..... ۵- حمایت مردمی
۲۲۹	..... ۶- سازگاری با وحدت ملی و اجتماعی
۲۳۱	..... جمع بندی نوشتار
۲۳۶	..... منابع
۲۳۶	..... الف- کتب :
۲۴۰	..... ب- مقالات
۲۴۵	..... درباره مرکز

## مشارکت سیاسی از دیدگاه امام خمینی رحمه الله عليه

### مشخصات کتاب

سرشناسه: حسینی، علی اصغر، - 1344

عنوان و نام پدیدآور: مشارکت سیاسی از دیدگاه امام خمینی رحمه الله عليه / تالیف علی اصغر حسینی

مشخصات نشر: قم: حبيب، بنياد معارف اسلامي، 1381.

مشخصات ظاهري: ص 226

شابک: 149500-6119-964 ریال ؛ 149500-6119-964 ریال

وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی

یادداشت: کتابنامه: ص. 226 - 219؛ همچنین به صورت زیرنویس

موضوع: خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، 1368 - 1279 -- نظریه درباره مشارکت سیاسی

مشارکت سیاسی

اسلام و سیاست

رده بندی کنگره: DSR1574/5 / م 5 م 53 1381

رده بندی دیویی: 955/0842

شماره کتابشناسی ملی: م 81-16391

ویراستار دیجیتالی: محمد حسن قاسمی

ص: 1

اشاره

مشاركت سياسى از ديدگاه امام خمينى رحمة الله عليه

تأليف

سيد على اصغر حسيني

نشر حبيب

ص: 2

شناسنامه کتاب

نام کتاب... مشارکت سیاسی از دیدگاه امام خمینی رحمه الله عليه

مؤلف ... سید علی اصغر حسینی

ناشر ... حبیب

نوبت چاپ ... اول-1381

چاپ ... عترة

تیراژ ... 3000 جلد

قیمت ... 9500 ریال

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است

نشر حبیب ایران - قم - ص . 791 \ 37185

ص: 3

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

ص: 4

تاریخ: 1381/10/11

شماره: 2774

پیوست: ...

بسمه تعالی

جناب آقای سید علی اصغر حسینی

باسلام

عطف به مرقومه حضرت تعالی مبنی بر درخواست صدور مجوز چاپ در مورد:

کتاب: مشارکت سیاسی از دیدگاه امام خمینی رحمه الله علیه

گردآورنده: آقای سید علی اصغر حسینی

ناشر: صاحب اثر

ضمن تقدیر و تشکر از اهتمام جنابعالی نسبت به ترویج و نشر اندیشه ها و آثار رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران به اطلاع می رساند که چاپ و نشر مطالب مربوط به حضرت امام مطابق نمونه ارسالی در کتاب مذکور از نظر این موسسه بلامانع می باشد. این مجوز برای یک نوبت چاپ صادر شده است و تجدید چاپ اثر مذکور نیاز به اخذ جداگانه دارد. بدیهی است، در مورد سایر مطالب کتاب لازم است مراجع ذیربط اظهار نظر نمایند.

مستدعی است پس از چاپ، سه نسخه از آن جهت بهره برداری در آرشیو موسسه ارسال نمایید.

حمید انصاری

قائم مقام موسسه

ص: 5

## اشاره

تقديم به

رهبر بزرگ انقلاب اسلامى

حضرت امام خمينى رحمه الله عليه

و

شهيدان شاهد

سيد حسين حسيني

اسد الله زارع

ص: 1

الهی حمد و سپاس بی پایان ما سزاوار توست و این توئی که حمد و ثنای ازلی را سزاواری. ما را در زیباترین اسلوب ها به صورتی زیبا آفریده ای و نعمت بی دریغ خویش را به ما ارزانی داشتی. این توئی که به انسان ناچیز قدرت عظیمی بخشیده ای و موجودی ناتوان را بر تواناترین موجودات خویش سیطره و سلطنت داده ای. سپاس و ستایش خداوندی را سزاست که در دستهایمان بذر دانستن را رویاند و دیده را به نور دانستن و معرفت روشن گرداند و حمد یگانه معبودی را سزاست که صفحه حیات را با زیور علم و آراست. خداوند را سپاس می گویم که لحظه به لحظه از زندگی یاورم بوده و پرتو بخش وجودش روشنگر راهم بوده و هست.



پیشگفتار...7

بخش اول: مباحث تئوریک مشارکت سیاسی

فصل اول: بررسی مفهوم مشارکت سیاسی...13

1- تعاریف مشارکت سیاسی...14

تعاریف رایج مشارکت سیاسی...15

(2) مفهوم مشارکت در این نوشتار...26

(3) مبانی مشارکت سیاسی و انواع آن...28

الف - مشارکت به صورت متغیر وابسته...29

ب) مشارکت بصورت متغیر مستقل 34

ج) انواع مشارکت سیاسی 36

فصل دوم: جایگاه مشارکت سیاسی در توسعه...47

الف) بررسی مفهوم توسعه 47

ب) رهیافتهای توسعه سیاسی...53

1- رهیافت نظام\_کارکرد...53

2- رهیافت فرایند\_اجتماعی...60

3- رهیافت تاریخی\_مقایسه ای...62

ص: 3

بخش دوم: بررسی اندیشه سیاسی امام خمینی رحمه الله علیه

فصل اول: ماهیت عمل سیاسی، اخلاق و سیاست، دولت در اندیشه

سیاسی امام رحمه الله علیه...67

1- ماهیت عمل سیاسی...67

2- اخلاق و سیاست...76

اخلاق...76

سیاست...78

3- دولت در اندیشه سیاسی امام خمینی...85

الف - دولت خدمت گذار نه فرمان روا...86

ب - دولت قانون مدار...89

ج - دولت امانت دار...92

جمع بندی...94

فصل دوم: حکومت، حاکمیت، مشروعیت، آزادی و دموکراسی

از دیدگاه امام رحمه الله علیه...97

1- حکومت، حاکمیت و مشروعیت در اندیشه امام خمینی...98

الف\_ ضرورت حکومت از دیدگاه امام...98

ب\_ منشأ مشروعیت حکومت و حاکمیت از دیدگاه امام...101

مفهوم مشروعیت...102

انواع مشروعیت...102

1- مشروعیت الهی...105

2- مقبولیت مردمی...108



ب- خبرگان رهبری...111

2- آزادی از دیدگاه امام خمینی...113

الف - امام و آزادی بیان عقیده و افکار...117

ب - امام خمینی و آزادی مطبوعات...117

ج - آزادی عمل یا آزادی سیاسی از دیدگاه امام...118

3- دموکراسی از دیدگاه حضرت امام...123

جمع‌بندی...128

بخش سوم: تبیین مشارکت سیاسی در اندیشه سیاسی امام خمینی رحمة الله علیه

فصل اول: جایگاه مردم در مشارکت سیاسی از دیدگاه امام خمینی رحمة الله علیه...131

الف - مردم در اندیشه امام...133

1) جایگاه مردم در اندیشه عرفانی امام...133

2 - ویژگی های مردمی اندیشه سیاسی امام...137

3- انگیزه الهی و اجتماع ملت دو رکن اصلی نهضت...138

4- رهبری مرجعیت تقلید ضامن توفیق بسیج توده ها...140

5 - ضرورت روشنگری عمومی...142

6- استفاده از شعارهای فارگیر در انگیزش مردم...146

7- اهمیت دادن به ضرورت پذیرش عمومی و بلوغ سیاسی مردم...149

ب - زمینه های مشارکت مردم در حکومت، سیاست و نظام سیاسی...152

1- تعیین رهبران و حاکمان...152

2- نظارت...157

3- نصیحت و بیان حقایق تلخ (انتقاد)...161



ج - حقوق متقابل دولت و مردم از دیدگاه امام خمینی... 167

الف - وظایف دولت در برابر مردم... 168

1- احترام به آرای عمومی... 168

2- تامین استقلال و آزادی... 168

3- احقاق حقوق و برقراری عدالت اجتماعی... 170

ب - حقوق دولت بر مردم... 171

1- حمایت و پشتیبانی مردم از دولت... 171

2- نظارت و مشورت... 172

3- حضور مداوم و لزوم مقاومت مردم... 174

فصل دوم: جایگاه احزاب در مشارکت سیاسی از دیدگاه امام خمینی رحمه الله علیه... 177

الف - جوامع اسلامی و پدیده احزاب... 180

ب - فعالیت احزاب در جوامع اسلامی و جوامع دموکراتیک... 184

ج - احزاب سیاسی در اندیشه سیاسی امام... 189

د - روحانیت و فعالیت حزبی آن از دیدگاه حضرت امام... 195

ه - بیگانگان و احزاب سیاسی از دیدگاه حضرت امام... 201

و - مشارکت و آزادی احزاب سیاسی از دیدگاه امام... 204

1- عدم برخورد مسلحانه با نظام اسلامی... 206

2 - انتقاد به جای توطئه... 208

3- عدم وابستگی به قدرت های خارجی... 209

4- عدم ضرر به نظام اسلامی... 210

5 - حمایت مردمی... 211

6- سازگاری با وحدت ملی و اجتماعی... 212

جمع‌بندی نوشتار... 214

منابع... 219

ص: 6

سخن گفتن از خط فکر سیاسی امام خمینی به صورت جامع دشوار و شاید ناممکن است زیرا عرصه‌هایی که امام وارد آن شدند یا از آن سخن گفتند و یا اموری که امام برای آن مبارزه و جهاد کردند در قلمرو معین و تنگی محصور نبوده است عرصه اندیشه سیاسی امام به گستردگی همه جهان و همه زوایای اسلام است اندیشه سیاسی امام ریشه در فلسفه و عرفان الهی او داشت و تا گسترده‌ترین افق‌ها امتداد می‌یافت و قالب‌های سنتی و رایج را در می‌نوردید.

زنده نگاه داشتن نام و یاد امام خمینی ابعاد گوناگونی را می‌طلبد اما مهمترین آنها بازخوانی اندیشه‌ها و دیدگاه‌های امام باز شناسی اندیشه‌های سیاسی ایشان اهمیت خاصی و جایگاهی ویژه دارد.

اندیشه سیاسی امام به مسائل عام انسانی در سطح جهانی تاکید داشت و همه مستضعفان را در برابر همه مستکبران می‌دید امام از آلام و ظلم‌هایی که بر سر مستضعفان رخ می‌داده متأثر بود و راه نجات انسان‌ها از استضعاف را، نه در احساس حزن، اندوه



و ابراز فریاد، که در حرکت عملی برای از بین بردن منشأ این آلام می دید.

امام به اسلام به عنوان دعوتی پویا و متحرک می نگریست که می بایست در هر زمینه ای خلاقانه فکری انسانها را پر کند و این دعوت همان گونه که باید در بعد فکری فعال باشد در بعد سیاسی هم پویای لازم را داشته باشد.

مفهوم مشارکت سیاسی یکی از مهمترین و اساسی ترین مفاهیم در علوم سیاسی می باشد که تاریخ اندیشه سیاسی آن را نشان می دهد، امروزه متفکران و صاحب نظران توسعه مشارکت را از مهمترین ارکان توسعه به شمار می آورند و در توسعه سیاسی برای آن اهمیتی دو چندان قائل اند. باید گفت مشارکت سیاسی از ضرورت های جدا نشدنی و انکار ناپذیر نظامهای سیاسی این قرن است و اصلی ترین شاخص توسعه یافتگی سیاسی، پاسخ به نیازهای فزاینده مشارکت سیاسی و نهادینه کردن آن در قالب نهادهای مدنی است. نظام جمهوری اسلامی ایران، به عنوان یک نظام سیاسی باید به تقاضاهای رو به افزایش مشارکت سیاسی پاسخ دهد و آنها را قانونمند و نهادینه سازد، و به عنوان یک حکومت دینی باید هنجارها، ارزشها و اصول سیاسی مبتنی بر اسلام را حفظ نماید، که این کار، بدون حل معضلات نظری

ص: 8

مشارکت سیاسی امکان‌پذیری نمی‌باشد.

بدون تردید نحوه و حدود مشارکت مردم در سرنوشت سیاسی اجتماعی خویش، در هر جامعه، تابع هنجارها، ارزشها و چارچوبهای پذیرفته شده در آن جامعه است، چنانکه عملکرد نظامهای سیاسی مشارکت‌گرا و نظریه پردازیه فلاسفه و اندیشمندان نیز در همین چارچوبها بوده است.

جمهوری اسلامی ایران با هدف مشارکت سیاسی در کارها قدم پیش گذاشت و از روز نخست رهبری «امت» در نظام جمهوری اسلامی ایران مطرح شد و حضرت امام رحمة الله علیه با توجه به فرهنگ اسلامی و تجربه حکومتهای گذشته به دخالت توده مردم در سرنوشت خویش تأکید بسیار زیاد داشتند. ایشان در روزاعلام جمهوری اسلامی ایران چنین فرمودند:

«خداوند تعالی بر ما منت نهاد و رژیم استکبار را با دست توانای خود که قدرت مستضعفین است در هم پیچید و ملت عظیم ما را ائمه و پیشوای ملت‌های مستضعف نمود و با برقراری جمهوری اسلامی، وراثت حقه را بدانان ارزانی داشت. من در این روز مبارک روز امامت امت و روز فتح و ظفر ملت، جمهوری اسلامی ایران را اعلام میکنم. (1)»

ص: 9

---

1- صحیفه امام، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ج 6، ص 452.

می دانیم که هر انقلابی یک مجموعه نتایج سریع (مانند درهم ریختن نظام سیاسی و بسیج توده ها) و یک مجموعه نتایج دراز مدت (نهادسازی، دستیابی به برخی هدفها از جمله توسعه) را دارد. در مورد انقلاب اسلامی ایران نیز چنین است. طبیعی است که تغییرات بی درنگ و دراز مدت ناشی از انقلابها بیشتر در زمینه شکل و نحوه مشارکت کمتر یا بیشتر افراد ملت در تصمیم گیریها و اجرای سیاستها صورت می گیرد. مسأله استمرار بسیج اولیه و ایجاد ساختارهای مشارکت زا مهم است. انتقال نظام سلطنت مطلقه به نظام جمهوری اسلامی خود اساسی ترین تغییر سریع در حیطه مشارکت سیاسی بود.

از این رو بررسی نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران که منبعث از اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی رحمة الله علیه می باشد، به این دلیل حائز اهمیت است. که دولت اسلامی چگونه به تقاضاهای رو به افزایش مشارکت سیاسی پاسخ می دهد و آنها را قانونمند و نهادینه می سازد، و چگونه آن را با هنجارها، ارزشها و اصول سیاسی مبتنی بر اسلام حفظ می کند.





مفهوم مشارکت معادل Participation در زبان انگلیسی می باشد. از حیث لغوی به معنای درگیری و تجمع به منظور مسابقه، گفتگو، ملاقات و مانند آن می باشد. در مورد معنای اصطلاحی مشارکت سیاسی بحث فراوان است ولی در مجموع می توان جوهره اصلی آن را درگیری، فعالیت و تأثیرپذیری دانست.

فرهنگ علوم اجتماعی آلن بیرو مفهوم مشارکت را اینگونه بیان می کند:

«مشارکت کردن به معنای سهمی در چیزی یافتن و از آن سود بردن و یا در گروهی شرکت جستن و بنابر این با آن همکاری داشتن است. به همین جهت از دیدگاه جامعه شناسی باید بین مشارکت به عنوان حالت یا وضع امر شرکت کردن) و مشارکت به عنوان عمل و تعهد (عمل مشارکت) تمیز قائل شد».

مشارکت در معنای اول از تعلق به گروهی خاص و شرکت

داشتن در هستی آن خبر می دهد و در معنای دوم داشتن شرکتی فعالانه در گروه را می سازد و به فعالیت اجتماعی انجام شده نظر دارد.

نویسنده کتاب Political Participation مشارکت سیاسی را اینگونه تعریف می کند:

«مشارکت سیاسی عبارت از فعالیت شهروندان خصوصی به منظور تأثیرگذاری با حمایت از دولت و سیاستها»<sup>(1)</sup> این تعریف نه تنها شامل نقشهای فعال مردم در پیگیری و تعقیب نتایج تأثیر سیاسی است بلکه همچنین فعالیتهای حمایتی و رسمی را نیز شامل می شود.

## 1- تعاریف مشارکت سیاسی

### اشاره

در مورد مفهوم مشارکت سیاسی همانند دیگر مفاهیم اجتماعی آراء و عقاید مختلفی وجود دارد، مقاله و نوشتارهای متعددی نیز در خصوص مفهوم، ماهیت، گستره و انواع و

ص: 14

---

1- عبدالعلی قوام، توسعه سیاسی و تحولات اداری، تهران، قومس، 1373، ص 142

عواقب مشارکت وجود دارد. لذا ضمن مرور کلی بر تعاریف مشارکت سیاسی، به تعریف مورد نظر نیز اشاره خواهد شد.

واقعیات جهان و تجربه حکومت‌های گذشته و موجود به بیان مشارکت در ماهیتهای مختلف انجامید. تفاوت میان نظامهای سیاسی، رابطه آنها با مردم و صور مختلف مشارکت به تعریفهای متفاوت انجامید.

برای مثال آیا صحیح است ما سخن از مشارکت همگانی بداریم در حالیکه اراده یا نظر اکثریت که معمولاً در رأی دادن یا نظرخواهی عمومی منعکس می‌گردد به نحوی از انحاء نادیده انگاشته شود.

### **تعاریف رایج مشارکت سیاسی :**

1- مشارکت سیاسی به اعمال و اقداماتی اطلاق می‌گردد که هدف آنها پشتیبانی از حکومت و دستگاههای تصمیم‌گیری و یا طرح تقاضایی از این دستگاهها می‌باشد. تصمیم‌گیرندگان در رژیمهای اقتداری ترتیباتی مانند فراندم، مراجعه به آراء عمومی و تظاهرات عظیم را به راه می‌اندازند تا بدینوسیله توجیه نمایند

ص: 15



که قدرتشان بر پایه پشتیبانی همگانی قرار دارد. در اینجا مشارکت بمعنای مشروعیت خلقی (مردمی) می باشد. لیکن چنین مشارکتی لزوماً مشعر به این معنی نیست که عامه مردم یا گروههای بخصوصی مانند کارمندان، کارگران، دانش آموزان این اختیار را دارا می باشند، که از اعطای اینگونه پشتیبانی از تصمیم گیرندگان خوداری نمایند.

2- مشارکت سیاسی اغلب به کوششها و فعالیتهای موفقیت آمیز که از طرف اقشار مختلف اجتماعی به عمل آمده و هدف آن تأثیرگذاری بر اعمال حکومت و یا انتخابات رهبران سیاسی است، اطلاق می گردد. منتقدین نظامهای حکومتی دموکراتیک وقتی می بینند که کوششهای بعضی گروهها برای تغییر سیاستها (خط مشی ها) و یا رهبران ناموفق می باشد مشارکت را صوری توصیف می کنند.

3- مشارکت عبارت است از اینکه فقط آن اعمال گروههای اجتماعی که از نقطه نظر قانون جنبه مشروع داشته باشد، مشارکت سیاسی محسوب می شود مانند رأی دادن، تظاهرات مسالمت آمیز و عریضه نویسی به دستگاههای حکومتی.... بنابراین هر عمل غیر قانونی مانند آشوب و

تظاهرات خشونت آمیز خارج از حیطه مشارکت می گردد.

4- پیروان مکتب نظریه دموکراتیک، نمایندگی سیاسی را به عنوان یک شکل مناسب از مشارکت سیاسی در جوامع بزرگ پیچیده می داند. چرا که میلیونها نفر از شهروندان نمی توانند مستقیماً و بطور مؤثر در امر حکومت شرکت نمایند. ولی از طریق انتخاب نماینده این کار را انجام می دهند. بعکس برخی متفکرین دیگر طرفدار دموکراسی مستقیم یا دموکراسی مشارکتی بوده و استدلال می کنند که اینگونه دموکراسیها همه واسطه های بین دولت (دستگاههای حکومتی و شهروندان را به کنار گذاشته و یا حذف می نمایند)

طرفداران دموکراسی مستقیم یا مشارکتی استدلال می کنند که نمایندگان خواه ناخواه جزئی از دستگاههای حکومتی (ساختار قدرت الیت) گردیده و بنابراین دیگر نمی توانند منعکس کننده مصالح و منافع افرادی که آنان را انتخاب کرده اند، باشند.

5- گروهی در تعریف مشارکت به مشارکت کنندگان توجه دارند نه به مشارکت.

منظور از مشارکت کنندگان چه کسانی هستند؟ گاهی

ص: 17

اوقات پاسخ می دهیم: آن فعالانی که خود را نامزد مقامات سیاسی مانند وکالت مجلس و هر گونه مقام سیاسی دیگر می نمایند، یا افرادی که حضور فعال در میتینگهای سیاسی عمومی داشتند، به احزاب سیاسی می پیوندند و قسمت اعظم وقت خود را صرف مسائل سیاسی می نمایند. (بنابراین چنین افرادی را در این تعریف، مشارکت کنندگان سیاسی محسوب می داریم) برخی اوقات اشکال پایین تر از مشارکت سیاسی، مانند رأی دادن حتی اگر انگیزه خاصی در میان نباشد) مشارکت سیاسی می باشد و رأی دهنده، مشارکت کننده سیاسی محسوب می شود. برخی از مشارکتهای سیاسی افرادی را در بر می گیرند که هر چند در انتخابات شرکت نکرده و رأی نمی دهند، اما در مورد مسائل سیاسی نظر میدهند و اطلاعات سیاسی را از طریق رسانه های گروهی کسب می کنند. سپس این افراد، مشارکت کننده اطلاق می شوند.

6- طبق این تعریف ما می توانیم در مورد مشارکت سیاسی، بعد پیوسته ای را در نظر بگیریم که بر روی این بعد انواع مختلف مشارکت کنندگان از فعالیتهای نهادینه شده که سازمان یافته و مستمر هستند تا اختلافات ادواری (گهگاهی) مانند

شورشها، ترورهای سیاسی هر یک جایی بر روی بعد از آن خود دارند...

طبق این تعریف عضویت در مجلس شورای اسلامی اشغال پست ریاست جمهوری (که جزو فعالیتهای سازمان یافته مستمر می باشند) مشارکت سیاسی محسوب می گردد.

7- در حالیکه بعضی از تعاریف، مشارکت را تنها فعالیتهای مؤثر بر روی سیاستهای ملی (انتخاب نمایندگان مجلس مقننه، انتخاب رئیس جمهور) مطرح می کنند، برخی دیگر مشارکت در نهادهای محلی (انجمن شهر، شهرستان) را نیز جزو مشارکت سیاسی محسوب می کنند.

8- درباره اینکه چه عمل یا اعمالی را ما می توانیم عمل سیاسی تلقی گردد در حالیکه در کشور دیگر همان عمل سیاسی نباشد. همچنین ممکن است همان عمل یا عمل مشابه در یک جامعه توسط اکثریت مردم عملی غیر سیاسی تلقی گردد در حالیکه در زمان دیگر در همان جامعه آن عمل، عملی سیاسی محسوب شود و ربا اظهار نظر می نماید که ما باید میان سیاسی کردن یا سیاسی شدن که معنایش عنوان نمودن مسئله ای به عنوان مسئله سیاسی و مشارکت یعنی فعالیتهایی که مربوط به حل و

ص: 19

فصل آن مسئله می گردد، تمایز قایل گردیم. و ربا معتقد است که توسعه سیاسی نه فقط براساس افزایش در مشارکت سیاسی بلکه همچنین بر اساس توسعه موارد و قلمرو مسائلی که دارای خصوصیات سیاسی می باشند، مشخص می گردد. (1)

«مشارکت سیاسی فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیر مستقیم سیاستگذاری عمومی است».

این تعریف نشانگر درک وسیع از واقعیات جهان نیست. در عین حال، قابلیت بکارگیری در تحقیق را ندارند. و ربا و کیم در تعریف مشارکت می گویند: مشارکت سیاسی تمام فعالیتهای قانونی شهروندان غیر حکومتی است که کم و بیش قصد دارند به طور مستقیم برانتخابات کارگزاران حکومتی یا اعمال آنها اثر گذارند. مایرون وینر در مقاله معروف خود در باره مشارکت سیاسی می گوید:

«مشارکتی سیاسی هر عمل داوطلبانه موفق یا ناموفق، سازمان یافته یا بدون سازمان، دوره ای یا

ص: 20

---

1- حسن نوربخش، پایان نامه مشارکت سیاسی در نظام سیاسی اسلام، مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکزی، سال 1378.

مستمر، شامل روشهای مشروع و نا مشروع برای تأکید بر انتخاب رهبران و سیاستها و اداره امور عمومی در هر سطحی از حکومت محلی یا ملی است».

در حالی که تعریفهای دیگر از جمله «مشارکت سیاسی فعالیتهایی است که شهروندان به طور رسمی برای نفوذ فرد و کیفیت حکومت انجام می دهند» و «مشارکت فرایندی می باشد در پاسخ به اینکه چگونه و چرا مردم درگیر سیاست می شوند» را نیز مانند دهها تعریف دیگر به کنار می نهیم و به تعریف میل برات تکیه می کنیم:

«مشارکت سیاسی رفتاری است که اثر می گذارد و یا قصد تأثیرگذاری بر نتایج حکومتی را دارد»<sup>(1)</sup>

با توجه به تمام موارد و تعاریفی که تا به حال ذکر کردیم، تعریف فوق را در مورد مشارکت سیاسی، از آن جهت که کلی است می توان انتخاب نمود.

علت توجه به هر یک از این تعاریف، بخاطر اینست که هر یک از آن بیانگر ماهیت مشارکت نیز هست و بحث و بررسی در

ص: 21

---

1- نسرین مصفا، مشارکت سیاسی زنان در ایران، تهران، دفتر مطالعات سیاسی بین المللی، 1375، ص 21.

باره مفهوم مشارکت تعریف را واضح تر بیان می کند. تعاریف

گوناگون باعث شد پیشنهادهایی به مشارکت اضافه شود. اصطلاحات مشارکت خودش (1)، مشارکت بسیجی (2)، مشارکت مسالمت آمیز (3)، مشارکت غیر مسالمت آمیز (4)، مشارکت اصیل (5)، مشارکت ارتدکس و غیر ارتدکس (6)، مشارکت تشکل یافته (7)، مشارکت حمایتی (8)، مشارکت تشریفاتی (9)، شبه مشارکت (10)، مشارکت ابزاری (11) و مشارکت غایی (12) همه حکایت از انواع مشارکت براساس ماهیت و نوع نظام سیاسی دارد. در یک جمع بندی می توان گفت دو نوع نگرش کلی در این زمینه

ص: 22

---

Autonomous Participation -1

Mobilized Participation -2

Peaceful Participation -3

Non-Peacefl Participation -4

Conventional Part... -5

Orthodox And Non Orthodox Participation -6

Regimenthonal Participation -7

Supportive Part -8

Ceremonial Participation -9

Quasi- Participation -10

Instrumental Part... -11

Consummatory Part... -12

وجود دارد:

نگرش اول، مشارکت با تکیه بر خصوصیات مانند داوطلبانه، انتخاب و قانونی که از خصوصیات نظامهای لیبرال دموکراتیک است.

نگرش دوم، مشارکت با تکیه بر خصوصیات مانند کوشش های مردم در هر شکل از نظام از نظام سیاسی جهت تأثیرگذاری در حکومت، این نوع نگرش علیرغم اینکه در خود ماهیت بسیجی، غیر قانونی و خصوصیات دیگر را دارد،

مشارکت را از نظامهای دموکراتیک جدا می سازد.

در نگرش اول، مشارکت در نهادهای غیر از دموکراتیک مورد سوءظن است، و طرفداران این تفکر، تظاهرات سازمان یافته و انتخابات فرمایشی را از مشارکت اصیل دور می دانند، چراکه مشارکت حقیقی را یک جریان از پایین به بالای میدانند که دستورالعمل حکومتی را شکل می دهد و بر سیاستهای آن اثر می گذارد.

در نگرش دوم، ماهیت مشارکت از نظر ارزشی بی طرف میباشد که حیطة وسیع تری از مشارکت نگرش نوع اول را دارد و همه گونه اعمال را می تواند شامل شود. به هر حال، بحث در

ص: 23



مورد ماهیت مشارکت از پیچیدگی خاصی برخوردار است و طرفداران هر یک از این دو نگرش دلایل خاص خود را دارند و یک نظریه کامل مشارکت که مورد قبول تمام افکار مختلف باشد وجود ندارد. مایرون وینر خود بر ماهیت داوطلبانه مشارکت مصرانه تأکید دارد در حالی که برای مشارکت غیر مسالمت آمیز غیر قانونی در چارچوب نظام، ارزش قائل است اما وابستگی توده به نظام حکومتی را رد می کند. لذا مشارکت بسیجی را در حمایت نظام و تشریفاتی تلقی می کند و آن را مشارکت حقیقی نمی داند. از دیدگاه طرفداران مشارکت داوطلبانه، مشارکتهای اعمال شده از طریق راهپیمائی و شرکت در گروههای سازمان یافته و رأی در انتخابات تشریفاتی کاملاً از مشارکت خودجوش (آزاد) جداست. لاپالمبارا نیز نسبت به نمایش توده به شدت جبهه گیری کرده و آن را خارج از مشارکت واقعی می داند.

از طرفی دیگر، متفکرانی وجود دارند که به مشارکت بسیجی مستقیم و یا غیر مستقیم اهمیت می دهند. از جمله آنها هانتینگتون می باشد، نظریات وی درباره مشارکت سیاسی و رابطه آن با نهادینگی و نظم سیاسی از منابع ارزشمند این موضوع است. هانتینگتون به همراه نلسون این سؤال را مطرح می کنند که

آیا حمایت از فعالیتهای که از سوی حکومتها انجام می شود، بسیجی بوده، اما اعمال سازمان یافته از طرف احزاب مختلف در کشورهای دموکراتیک کاملاً مستقل است. آن دو اعتقاد دارند که در هر نظام دموکراتیک نیز میزان مشخصی از فشار و دستکاری وجود دارد و حتی تمام نظامهای سیاسی ترکیبی از مشارکت خودجوش و بسیجی، منتها با درجه متفاوت، را در بر دارند. این ترکیب در نظامهای مختلف یکسان نیست و در زمانهای متفاوت

نیز تغییر می کند. مسلماً در حکومتهای دموکراتیک سطح مشارکت مستقل بیشتر از نوع دیکتاتوری آن است و این نتیجه گیری غلط است، اگر تصور کنیم که در نظامهای اقتدارگرا به هیچ وجه مشارکتی وجود ندارد. جان نلسون در مقاله خود در کتاب درک توسعه سیاسی، از مشارکت تصاویر متفاوتی را ارائه می دهد و سر انجام، طی نتیجه گیری تصویر دوم مشارکت را که ممکن است از نوع مذاکرات مدنی، رأی دادن نظم، شورش و شرکت در مشارکتهای بسیجی باشد، ترجیح می دهد.

چرا که تصویر دوم خشونت را که حاکی از فقدان و شکست نهادهای مشارکتی است را نیز شامل می شود و در جغرافیای وسیعتری از کشورهای لیبرال دموکراتیک قابل اجرا است.

## 2) مفهوم مشارکت در این نوشتار

مجموعه کوششهایی که در نظام سیاسی برای تأثیر بر تصمیمات حکومتی مانند امتناع، فشار بر مسئولان برای عمل یا اجتناب از آن صورت می‌گیرد، ممکن است به تغییر جنبه‌هایی از نظام سیاسی یا تغییرات اساسی ساختاری بیانجامد. همچنین اثر گذاری از طریق جایگزینی و تغییر مقامات یا تغییر و دفاع از سازمان موجود سیاسی و قواعد بازی نیز ممکن است.

اما مطابق تعریف رابرت دال از نظام سیاسی که آنرا هر الگوی ارائه شده از رفتار سیاسی بشر عنوان می‌کند که شامل نوع خاصی از وجود سیاسی، قدرت، حکومت و اقتدار است. طبق این تعریف از زندگی روزمره سیاسی به نظر می‌رسد که سیستم سیاسی علاوه بر شکل صوری و عام حکومت، الگوهای رسمی و غیر رسمی روابط انسانی را شامل می‌شود که در تصمیمات یک دولت یا حکومت تأثیر می‌گذارد.

براساس این تعریف از نظام سیاسی که بسیار فراتر از نهادهای رسمی دولت است، مشارکت سیاسی را می‌توان به مثابه مجموعه‌ای از فعالیتها و اعمال تعریف کرد که شهروندان خصوصی به وسیله آن اعمال در جستجوی نفوذ یا حمایت از

حکومت و سیاست خاصی هستند. این تعریف از مفهوم مشارکت سیاسی، وسیعتر از تعریف کسانی است که مشارکت را فقط در دایره ای رقابت و نفوذ محدود می کنند. تعریف ارائه شده دو سوی رقابت و حمایت را به عنوان دو زیر مجموعه شاخص مشارکت تلقی می کند و کوشش می کند بر آیند آندو را ملاک ارزیابی قرار دهد. (1)

بنابراین مشارکت سیاسی با دو متغیر حمایت و رقابت (تقاضا) محقق می شود. مردم با حمایت‌های قوی و عملی خود اعم از مالیات دادن، رأی دادن، شور نمودن، ... حمایت‌های خود را از نظام سیاسی نشان می دهند همچنین با تقاضاهای خود از نظام سیاسی مبنی بر تغییر قوانین، اصلاح ساختار و... جنبه رقابتی مشارکت را محقق می سازند.

لذا در این پژوهش به اینگونه مشارکت سیاسی که شامل دو جنبه حمایت جویانه و رقابت آمیز است مشارکت فعال و به مشارکتی که فاقد این دو مقوله باشد مشارکت منفعلانه گفته می شود. مشارکت سیاسی فعالانه در جهت شکوفایی خلاقیت‌های

ص: 27

---

1- داود فیرحی، «مفهوم مشارکت سیاسی» مجله علوم سیاسی، سال اول، ش اول، تابستان 1377 ص 44.

فردی بوجود می آید(1) و همچنین شخصیت آگاهانه فرد، عقلانی و مسئولیت پذیری او از جمله شاخصهای مهم آنست که در این کتاب کوشش می کنیم صرفاً عناصر مشارکت فعال (حمایتی و رقابتی) را مورد بررسی قرار داده و نسبت آن را با مبانی سیاسی عناصر مشارکتی در اندیشه امام خمینی و ارزیابی نمائیم. عناصری همچون مشارکت احزاب، و مردم که می توانند بعنوان عناصر مشارکتی فعال در اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی به تبیین گردد.

### 3) مبانی، مشارکت سیاسی و انواع آن

#### اشاره

بررسی مشارکت به صورت یک متغیر وابسته(2)، بحث در خصوص عوامل مؤثر در انجام و افزایش آن را به میان می آورد. از طرفی، توجه به مشارکت به صورت متغیر مستقل(3) بررسی العواقب و نتایج آن را طلب می کند.

ص: 28

---

1- حسین سیف زاده، «تحول از مشارکت منفعلانه به مشارکت فعالانه»: تأملی نظری، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تابستان

1373، ص. 167

2- Dependent Variable

3- Independent Variable

اشاره

طرح مشارکت به صورت متغیر وابسته، یعنی بحث و بررسی در خصوص علل و عوامل مؤثر در اتفاق آن، یکی از عمده ترین مباحث در این زمینه است که حوزه های مختلف را در بر می گیرد و می توان در دو سطح تحلیل آن را تشریح کرد:

الف - سطح خرد

(1)، چه نیروها و انگیزه های فردی در انجام مشارکت دخیل هستند. در این راستا می توان برای خصوصیات روانی و شخصیتی و وضعیت اجتماعی اقتصادی افراد اهمیت خاص قائل شد.

در سطح خرد عمدتاً به علل و انگیزه های فردی مؤثر در انجام مشارکت توجه شده است که وضعیت افراد از طریق مجموعه ای از متغیرها تغییر می کند. مشارکت افراد بستگی به منافع دارد این منافع می تواند خصوصیات و انگیزه های روانی، زمان، منابع مادی، اطلاعات و آگاهی باشد. بعد از اینکه مشارکت

از نظر قانونی تأمین شد؛ عوامل دیگر بر کیفیت آن می افزایند. انگیزه های فردی می تواند تابعی از جهت یابی های کلی شخص به طرف سیاست باشد.

ص: 29

رابرت دال این مجموعه را برای تعیین جهت یابی افراد چنین بیان می کند:

1- شخصیت و خصوصیت ذاتی افراد

2- فرهنگ عمومی و فراتر از آن فرهنگ سیاسی طایفه، دهکده، شهر، کشور، منطقه یا جهان.

3- جهت یابی اولیه، ابتدایی، راههای اجتماعی شدن

4- تجربه های شخصی و وضعیت زندگی

5- وضعیت ویژه هر فرد در مواجهه با یک مورد حساس (اعتقادی و غیره)

رابرت دال انگیزه روانی را نیز جهت مشارکتهای سیاسی مهم می داند چرا که یکی از راههای تأمین نیازهای روانی مشارکت سیاسی است. تفاوت های شخصی و خصوصیات افراد در ایجاد علاقه برای پاسخگویی به انگیزه ها بسیار مهم است. به طور کلی علاقه افراد به سیاست را می توان در حوزه های روانی به این عوامل نیز ارتباط داد:

1- ارزش پاداش درست و مورد انتظار ؛

2- اهمیت متغیرهای موجود؛

3- اطمینان از امکان تغییر از طریق مشارکت ؛

ص: 30

4- اعتقاد به غیر قابل رضایت بودن نتیجه در اثر فقدان عمل؛

5- علاقه به رفع موانع؛

وضعیت اجتماعی و اقتصادی افراد نیز عنصر بسیار مهمی در مشارکت سیاسی آنان است، در حقیقت جریان مشارکت سیاسی در غرب را نتیجه تغییر وضعیت اجتماعی - اقتصادی به وسیله مجموعه ای از متغیرهای اجتماعی (موقعیت اجتماعی، مذهب، فرهنگ و تعلیم و تربیت و اقتصادی اشتغال درآمد) مشخص می شود که آنها را به مشارکت سیاسی دور یا نزدیک می کند. وضعیت اجتماعی و اقتصادی با مشارکت رابطه مستقیم دارد، چرا که مشارکت کننده باید انگیزه، فرصت و ظرفیت آن را داشته باشد.

یکی از مهمترین عناصر در سطح خرد که با وضعیت اجتماعی - اقتصادی ارتباط دارد، آگاهی است. البته، آگاهی ارتباط بیشتری با سطوح بالاتر مشارکت دارد. میزان مناسب آگاهی به کیفیت بهتر مشارکت سیاسی کمک می کند. طبیعی است افراد آگاه سیاسی بهتر قادر هستند ارزشهای اجتماعی را به عقاید سیاسی خود ربط دهند. بنابراین مجموعه انگیزه های فردی به عوامل موجد افزایش مشارکت کمک می کند. اکثر نوشتارها به رابطه

ص: 31



بیشتر و قابل اعتمادتر تعلیم و تربیت با مشارکت سیاسی نیز اشاره دارند.

## ب - سطح کلان

چه نیروها و ساختارهایی در سطح جامعه بر فعالیت افراد اثر می‌گذارد و توزیع خاص نیروها، چگونه شکل و ماهیت مشارکت را مشخص می‌کند. این دو سطح در حقیقت نظریه دسترسی حاصل تفکر دیوید ترومن را به یاد می‌آورد که می‌گوید در هیچ نظام سیاسی مردم دسترسی مساوی به قدرت ندارند، زیرا افراد از نظر دستیابی به منابع با یکدیگر تفاوت دارند. وابستگی به سازمان، اطلاعات، ثروت و رابطه با قدرت سیاسی بر کوشش و موفقیت مشارکت کنندگان در نظام اثر دارد.

در این سطح، نگرش نخبگان سیاسی بر ماهیت مشارکت اهمیت ویژه‌ای دارد. مشارکت سیاسی بسیجی نتیجه کوشش نخبگان سیاسی برای درگیر کردن توده مردم در سیاست است. مشارکت مستقل زمانی اتفاق می‌افتد که راههای مناسب وجود داشته و نخبگان نیز آن را تشویق کنند یا حداقل خود در صدد مبارزه آن با عوامل سرکوب برنمایند. البته، در بلند مدت تغییر در وضعیت اجتماعی اقتصادی و جمعیتی یک جامعه بر ماهیت مشارکت سیاسی اثر می‌گذارد که این تغییر می‌تواند به نوبه خود

ص: 32

در هدف و نگرش نخبگان اثر گذارد. (1) بنابر این، راههای مناسب وجود نهادهای مشارکت‌زا و نگرش نخبگان برای اتفاق و ماهیت مشارکت مهم است. مشارکت سیاسی به عنوان یکی از تجلیات تنوع‌ساختاری از سوی نخبگان صورت گرفته است. توسعه اجتماعی اقتصادی به عنوان نیروی فشار، نخبگان را در وضعیتی قرار می‌دهد تا از انباشت قدرت اجتناب ورزیده یا مبادرت به توزیع مجدد آن کنند. (2) همچنین نهادهای کارکردی سیاست‌گذاری در این امر دخیل هستند. البته، در این راستا باید تمرکز قدرت سیاسی اولیه را در جوامع در نظر داشت. در کشورهای دموکراتیک امروزی، به دلایل مختلف تاریخی، گسترش مشارکت و رقابت سیاسی بر تمرکز منابع قدرت تقدم تاریخی داشت. از وقتی که به دلایل تاریخی مختلف تمرکز منابع قدرت ضرورت یافت، مخالفت چندانی از طرف حکومتها برای مشارکت و رقابت سیاسی ایجاد نشد. برعکس، کشورهایی که به دلایل تاریخی و اجتماعی مجبور شدند نخست به انباشت و

ص: 33

---

1- نسرین مصفا، مشارکت سیاسی زنان در ایران، ص 30.

2- عبد العلی قوام، "ارثیه بلشویسم، بحران مشارکت"، مجله آسیای مرکزی و قفقاز، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت خارجه سال اول، شماره 3، ص 201.

تمرکز منابع قدرت سیاسی بپردازند، موانعی بر سر راه مشارکت مستقل ایجاد کردند. (1) این تفکر، تأکید بر تمرکز منبع اصلی مشارکت در جامعه است.

## ب) مشارکت بصورت متغیر مستقل

### اشاره

طرح مشارکت به صورت متغیر مستقل، یعنی بحث و بررسی در خصوص عواقب و اثرات مشارکت، یکی از علقه های متفکران علوم سیاسی است. به لحاظ آنکه توجهات به مشارکت ناشی از اثر و عواقبی است که به دنبال دارد، این اثر و عواقب را می توان در دو سطح تحلیل خرد و کلان بررسی کرد. در سطح خرد، مشارکت نتایجی برای افراد درگیر به ارمغان می آورد و در سطح کلان، نظام سیاسی و جامعه از انجام آن اثر می پذیرند.

### 1- سطح خرد؛

بدون شک، مشارکت افراد به نتایج مثبت در آنها می انجامد. مشارکت افراد را قادر به درک ارزشها، افزایش حیثیت، درک سیاسی و مسئولیت پذیری می سازد. مشارکت احساس کنترل شهروندان را نسبت به نظام سیاسی تقویت می کند و تعهد آنها را به حکومت و نظام سیاسی افزایش می دهد.

ص: 34

---

1- حسین بشیریه، «مشارکت سیاسی زنان»، (مجموعه مقالات ایراد شده در سمینار مشارکت اجتماعی زنان، تهران: امور اجتماعی استانداری تهران، 1372)، ص 212.

مشارکت شکلی از تعلیم و تربیت مدنی و سیاسی و بهترین ضمانت برای آزادی است و به رابطه متقابل مناسب بین حکومت و شهروندان می انجامد. احساس مشارکت در تعلقات عمومی به حکومت، مسؤلیت نسبت به جامعه و رفع نیازمندیهای آن را تقویت می کند.

## 2- سطح کلان؛

از نظر نتایج مشارکت بر روی نظام سیاسی دو دیدگاه متفاوت ارائه می شود. در حالی که همگی می دانند که به هر حال، در صورت میزان مناسب نهادها در سطح جامعه، مشارکت به نتایج مثبت می انجامد، ولی در شکل و حیطة آن اختلاف کمی وجود دارد. دو دیدگاه می توان به ترتیب زیر تقسیم کرد:

### 1- دیدگاه خشبین لیبرال 2- دیدگاه بدبین محافظه کار

دیدگاه لیبرال مشارکت را همراه با ثبات، دموکراسی، رشد، عدالت، و آزادی همراه می داند. همه این ارزشها را در کنار هم و با سازش یکدیگر تلقی می کند. در حالی که دیدگاه محافظه کار به اثرات ناگوار مشارکت خارج از حیطة نهادهای مشارکتی فکر می کند که به بی ثباتی سیاسی خواهد انجامید. (1)

ص: 35

---

1- نسرین مصفا، مشارکت سیاسی زنان در ایران، ص 35.

اصولا اصل دموکراسی ممکن است به عنوان یک شیوه زندگی به شکل‌های گوناگون مطرح شود. از جمله بعنوان شرکت هر فرد بالغ در شکل بخشیدن به ارزشهایی که زندگی تمام بشر را نظم و قانون می‌بخشند... یا... هیچ فرد یا افرادی بدون رضایت دیگران بر آنها حکومت نمی‌کنند. با تمام افرادی که متأثر از نهادها هستند باید سهمی در ایجاد و اراده این نهادها داشته باشند.

یکی از بهترین کارهای اندیشمندان سیاسی این زمان بررسی روش و اندازه مشارکت شهروندان در امور سیاسی است. آنها با توجه به مشارکت سیاسی در وسیع‌ترین مفهوم (همانند روشهای متفاوتی که به آن وسیله، مردم سعی در اعمال نفوذ به جریان امور سیاسی دارند به دنبال کشف روشها و راههایی بودند که شهروندان از طریق آن رهبران را تحت تأثیر قرار میدهند و نیز منفک بودن آن دسته از شهروندان که آماده استفاده از این راهها هستند.

علاوه بر تلاشی که برای فهم مشارکت سیاسی که به عنوان یک استراتژی عمومی توسط مردم به کارگرفته شده بسیاری از محققین به دنبال کشف تنوع موجود در سطوح مختلف مشارکت

و مفهوم آن در جوامع مختلف هستند و به روشهایی که ممکن است مشارکت به موجب آن در حکومت‌های دموکراتیک متفاوت از حکومت‌های غیردموکراتیک باشد توجه بیشتری شده است.<sup>(1)</sup>

مشارکت سیاسی پدیده‌ای پیچیده‌تر و مبهم‌تر از آن است که در ابتدا تصور می‌شود. طیفی از انواع مختلف مشارکت سیاسی وجود دارد. بیشتر مشارکت را میتوان پوششی برای سلسله‌ای از اعمال سیاسی دانست: اعمالی که در نهایت جهت تأثیرگذاری بر سیاست‌های حکومت طرح ریزی و اجرا میشود. براساس مطالبی که از مشارکت بیان کردیم، هر محقق سلسله‌ای از اعمال را مطرح میکند.

تکنیکی‌ترین و تئوریک‌ترین تلاش علمی در جدا کردن سطوح مختلف مشارکت مردم در یک مطالعه تجربی بوسیله سیدنی و ربا و نورمان نای<sup>(2)</sup> از مشارکت در بین آمریکائیه‌ها یافت میشود. مطالعه آنها براساس مصاحبه با یک نمونه بزرگ از شهروندان آمریکا در 1967 استوار است. در این مطالعه آنها در پی جدا کردن شیوه‌های مختلف مشارکت مردم بطور عملی

ص: 37

---

1- احمد پیشه‌ور، جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، تابستان 1376، ص 329.

Verba And Nie -2

برآمدند. ابتدا از پاسخگوها درباره مشارکت آنها در انواع مختلف فعالیتهای سیاسی سؤال کردند. در این بررسی دوازده نوع از مشارکت مورد سؤال قرار گرفته است. درصدی که در این نوع مشارکت وجود داشته یک درجه بندی از فعالیتهای آنها را نشان میدهد که قابل مقایسه با مفهوم میل برات است لیتر میل برات سعی کرده اشکال مختلف مشارکت شهروندان و تعداد کسانی را که ممکن است مشارکت کنند جدا کند. این اندیشمند سیاسی چهارده نوع متفاوت از مشارکت سیاسی مردم را مشخص کرده، از مقام حزبی یا دفتری گرفته تا آشکارا خود را معرض اطلاعات سیاسی قراردادن. از این گذشته او به گردآوری اشکال مختلف در یک گروه بندی پیچیده پرداخته که بالاترین مشارکت مردم زمانی است که دارای یک مقام باشند و پائین ترین آن زمانی که در معرض اطلاعات سیاسی قرار گیرند. بعدور با ونای یک مدل تنوریک ساده از فعالیتهای سیاسی را ساختند، که این مدل براساس میزان ابتکار (دواطلبی) لازم برای عمل و همچنین وسعت نتایج عمل و میزان درگیری در انجام عمل ساخته شده، بنابراین انتظار داشتند رأی دادن که یک حد پائین از ابتکار را دربر دارد بعنوان یک روش مشارکت مستقل از فعالیت بزرگتر مبارزات انتخاباتی پدیدار شود. در پایان آنها یک عملیات آماری

با عنوان تحلیل انجام دادند که در بیان ساده یعنی یافتن انواع متفاوتی از فعالیت که افراد مایل به انجام آن میباشند و به شش روش متفاوت از مشارکت رسیدند.

این شش فرم بترتیب عبارتند از :

- 1- کاملاً غیر فعال، کسانی که هیچ عملی انجام نمی دهند.
  - 2- رأی دهندگان، کسانی که فقط در رأی دادن شرکت می کنند.
  - 3- شرکت کنندگان محلی، کسانی که تماس با رهبران محلی یا ایالتی در مورد شخص را گزارش کرده اند.
  - 4- رابطین، کسانی که مشغولیت در مشکلات محلی را گزارش می کنند (کار روی مسائل محلی) نه فعالیت سیاسی.
  - 5- مبارزان، کسانی که مشغولین فعالیتهای مبارزاتی را گزارش می کنند مانند کارکردن برای کاندیداها.
  - 6- فعالین، کسانی که کاملاً فعال هستند و در تمام و فعالیتهای سیاسی شرکت دارند.
- نتایج بررسیهای ورباونای الگوهای مشارکت در بین مردم را بطور روشن تر نشان میدهد.
- آنها ابراز می کنند که هواخواهی سیاسی از طریق رأی دادن



یا مبارزه اساساً متفاوت از فعالیت در فرمهای محلی، عمل اجتماعی است. (1)

میل برات، انواع مشارکت سیاسی را از توجه به محرکه های سیاسی مانند خواندن و گوش فرادادن به اخبار سیاسی گرفته تا شرکت در مباحث سیاسی، رأی دادن، مبارزه انتخاباتی، اداره امور سیاسی و مناسبت های حزبی در یک یک طیف قرار میدهد.

او همچنین اعتراضات و تظاهرات را بعنوان اشکال اضافه مشارکت سیاسی مطرح میکند. البته، به این اشکال اصطلاح «فوق العاده» را می افزاید که در صورت فقدان راههای آسان برای دسترسی به تصمیم گیرندگان و احساس عدم پاسخگویی نظام در قالب مسالمت آمیز مردم متوسل به آنها میشوند. این یک اصل کلی است که اگر راههایی از طریق نهادهای مشارکتی برای بیان

خواسته ها وجود نداشته باشد، تجلی مشارکت در شکل خشونت خواهد بود. خشونتی که از طرف مردم اعمال میشود به مثابه نوعی مشارکت در امر سیاست است. رابرت دال با تصویر مشارکت بصورت مسالمت آمیز در کتاب تجزیه و تحلیل جدید

ص: 40

سیاست اعمال زیر را در قلمرو مشارکت میداند:

1- شرکت در انتخابات ریاست جمهوری

2- شرکت در انتخابات محلی

3- فعالیت در یک سازمان درگیر حل مشکلات جامعه

4- کار با افراد دیگر برای حل برخی مسائل جامعه

5- کوشش برای اقناع دیگران در راهی که خود عمل می کنند

6- فعالیت برای نامزد یا حزب در طول انتخابات

7- تماس با دستگاههای حکومتی ( محلی و ملی)

8- شرکت در جلسات سیاسی

9- تشکیل گروه و سازمانی برای حل مشکلات جامعه

10- عضویت یک سازمان سیاسی

11 - پرداخت پول به یک نهاد، حزب یا نامزد انتخاباتی

این فهرست سلسله ای از اعمال را در بر میگیرد که میتوان آنها را در سه گروه جمع بندی کرد.

الف) فعالیتهای انتخاباتی

ب) اثر گذاری از طریق تماس فردی و دولتی

ج) فعالیتهای سازمانی

ص: 41

در تصویر دیگر مشارکت، میتوان جلوه های زیر را بعنوان اعمال خشونت دید:

1- آدمکشی سیاسی

2- جنگهای چریکی

3- کودتا

4- طغیان گروههای نظامی

5- شورش

6- اعتصابات

7- انقلاب

البته لازم به تذکر است که بسیاری از کوششهایی که امکان دارد در نظامی غیرقانونی باشند (مانند اعتصاب و تظاهرات)، در نظامی دیگر قانونی تلقی شوند. همه اشکال خشونت ممکن است حیطه قانونی داشته باشد. بنابراین، با ذکر موارد فوق میتوان گفت که مشارکت سیاسی مفهوم پوششی برای سلسله ای از اعمال است که از یک مورد تا سلسله ای از آنها میتواند انجام

شود. شایان ذکر است که در تجزیه و تحلیل سطح مشارکت باید بین گستره و میزان شدت و قوت آن تفاوت قائل شد.

از نظر گستره، باید به تعداد مردم و گروههای درگیر در

ص: 42

از نظر میزان شدت و قوت آن، نیز باید به زمانی که افراد صرف فعالیتها می نمایند و همینطور فعالیتها نگاه کنیم. هرچند مشارکت تنها در رأی گیری ها معتبر است، ولی نمی تواند تنها معیار مشارکت در سطح جامعه تلقی شود. فعالیت در سازمانهای سیاسی برای تأثیر بر تصمیمات سیاسی مهم است.<sup>(1)</sup>

### جمع بندی :

همانگونه که گذشت، در مورد تعریف و ماهیت مشارکت سیاسی اتفاق نظر وجود نداشت. قطعاً صور جدید مشارکت مانند حق رأی و شرکت در احزاب سیاسی از جهان غرب به تمام دنیا گسترش پیدا کرده است. هرچند این اشکال مهم است ولی در جامعه ای راهبانی برای اثرگذاری و ایجاد ارتباط با حکومت وجود دارد. همه حکومتهای جهان دموکراتیک نیستند و نهادهای آن تکامل را بدلائل مختلف تاریخی، فرهنگی و اجتماعی ندارند. اما نمی توان از هر پدیده اجتماعی به صرف عدم تکامل آن گذشت و رابطه هرچند سطحی افراد را با نظامها فقط چون در مقام مقایسه با نهادهای غربی ارزشی ندارند، نادیده

ص: 43

گرفت. در تکامل تاریخی و با استفاده از همه امکانات شاید بتوان در میزان اثر بخشی آن دخالت کرد.

با توجه به تعریف مشارکت سیاسی براساس مقتضیات مکانی و زمانی، نگاه مردم شناسانه و جامعه شناسانه به آن، میتوان گفت قطعه نظام سیاسی اسلام با دیدگاه خاص فلسفی خود که به انسان و سیاست دارد، مشارکت سیاسی آن با سایر نظامها دارای تمایزات ویژه ای خواهد بود. که مهمترین وجه مشخصه آن، در انگیزه مندی آنست، انگیزه هائی که منبث از قدرت، ثروت و منافع مادی نیست، بلکه منبث از دین و انگیزه های دینی است، لذا با توجه به اشکال مشارکت سیاسی و ساختار نظام سیاسی، سؤال اساسی اینست که نظام سیاسی اسلام چه نوع از اشکال مشارکت را برای خود برمی گزیند؟ بعبارتی نظام سیاسی اسلام با کدامیک از مشارکت سیاسی سازگاری بیشتری دارد؟ و اندیشه سیاسی حضرت امام خمینی رحمة الله علیه که برگرفته از نظام سیاسی اسلام است در این خصوص چیست؟

مشارکتهائی که صرفا در سطح اقتصادی و بمنظور یکپارچگی اجتماعی و جامعه پذیری صورت میگیرد، اگر چه فی نفسه بهره گیری از این نوع مشارکت با تعالیم اسلامی مغایرت

ندارد، ولی کارکرد این نوع مشارکت صرفاً بمنظور عبور از بحرانهای فرهنگی و قومی و رسیدن به همگرایی است.

نوع دیگر مشارکت، به مشارکت توسعه ای معروف است اگرچه این نوع مشارکت همه جانبه و چند بعدی میباشد و درصدد شرکت دادن تمام مردم و گروهها در مراحل گوناگون توسعه است ولی از آنجا که صرفاً ناظر بر مسائل توسعه بوده و ابعاد ارزشی و معنوی جامعه را در بر نمی گیرد و یکی از انگیزه های این نوع مشارکت سهیم شدن در منافع مادی توسعه میباشد، نمی تواند با نظام سیاسی اسلام سازگاری داشته باشد. پاره ای دیگر از مشارکتها مردم را وسیله ای می انگارند برای اجرای دستورهای حکومت بدون آنکه از خود اراده و ابتکار عمل داشته باشند، در این نوع مشارکت توده مردم نقش مؤثری در اتخاذ تصمیمات ندارند و این نوع مشارکت نه تنها با نظام سیاسی اسلام سازگاری ندارد بلکه با تعالیم اسلام نیز مغایرت دارد که مردم نه تنها باید در سرنوشت خویش دخیل باشند بلکه در مشروعیت بخشی و مقبولیت نظام سیاسی نیز مؤثرند، پس مشارکت سیاسی در نظام سیاسی اسلام در چارچوب خواست و اهداف استعمارگران و همینطور صرفاً بمنظور حل بحرانهای قومی و فرهنگی و پیشبرد برنامه های توسعه ای صورت

نمی‌گیرد. در نظام سیاسی اسلام مردم بعنوان ابزاری در جهت دستورهای حکومت تلقی نمی‌شوند، بنابراین نظام سیاسی اسلام، مشارکت سیاسی ویژه‌ای را طلب میکند که با مبانی اسلامی و انسانی سازگاری و توافق بیشتری دارد.<sup>(1)</sup>

چرا که خداوند مردم را با ضوابطی ذیحق شمرده است و براین اساس مردم صاحب حقوق فطریند و این حقوق در طول حقوق الهی و در رتبه متأخر از آنست.

از نظر امام رحمة‌الله علیه مشروعیت احکام الهی و حقوق مردم منافی هم نیستند و باهم قابل جمعند. چراکه مفهوم مشارکت سیاسی از نظر امام رحمة‌الله علیه در نظام سیاسی اسلام عبارتست از: فعالیت عموم مردم بمنظور تأثیرگذاری و نفوذ در تصمیمات سیاسی که به‌مراه انگیزه‌های دینی و مذهبی بوده است.<sup>(2)</sup>

ص: 46

---

1- حسن نوربخش، پایان نامه مشارکت سیاسی در نظام سیاسی اسلام، مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکزی، سال 1378.

2- صحیفه امام، ج 8، ص 5 و ج 18، ص 367 و ج 21، ص 10.

#### اشاره

زمانی که از توسعه صحبت می شود باید میان هدف و لوازم و شرایط نیل به آن فرق قائل بود. هدف ما از توسعه سیاسی، گسترش مشارکت سیاسی در زندگی سیاسی می باشد.

البته در زمینه توسعه، موضع گیریها و نظرات متفاوتی ابراز می شود. برخی توسعه را تنها یک تحول مربوط به دنیای غرب می دانند که ریشه هایش در آنجا شکل گرفته و مواهب آن را نقاط گوناگون جهان، به نسبتهای مختلف استفاده می کنند. این گروه براین باورند که اجرای الگوهای توسعه به شیوه غرب برای جهان سوم، زیان آور است و رهایی جامعه از فقر و مصیبت و مشکلات دیگر، به وسیله توسعه که روشی غربی است، خیالی خام است و قابل دسترسی نیست.

عده ای دیگر توسعه را برای بقای جامعه لازم و ضروری



می دانند و معتقدند که توسعه مثل قلب برای اندام زنده بدن است و اگر قرار باشد جامعه ای پایدار بماند، باید توسعه پیدا کند.

عده ای دیگر نیز در کنار اولویت نخست، یعنی توجه به ارزشها، ایدئولوژیها و شاخصهای عدالت اجتماعی، توسعه را در اولویت بعدی قرار می دهند و معتقدند که توسعه کشور نباید به هر بهایی انجام شود، اما به هر حال توسعه را در خدمت استقلال جامعه ضروری می دانند. (1)

به هر حال مسلم آن است که مفهوم توسعه در دید همگان یکی نیست و هر صاحب نظری تعریفی خاص از آن ارائه می دهد.

### **توسعه در فرهنگ علوم سیاسی این چنین آمده است:**

1- بهبود رشد و گسترش همه شرایط و جنبه های مادی و معنوی زندگی اجتماعی

2- گسترش ظرفیت نظام اجتماعی، برآوردن احتیاجات فرماندهی

ص: 48

---

1- پرویز علوی، ارتباط سیاسی، مؤسسه نشر علوم نوین، چاپ اول، 1375، ص 43.

محسوس یک جامعه، امنیت ملی، آزادی فردی، مشارکت سیاسی، برابری اجتماعی، رشد اقتصادی، صلح و موازنه محیط زیست، مجموعه ای از این احتیاجات است.

3- فرایند بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی افراد جامعه

4- فرایندی که کوششهای مردم و دولت را برای بهبود اوضاع اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی هر محل هماهنگ کند و مردم این محل را در زندگی یک ملت ترکیب نمایند و آنها را تماما برای مشارکت در پیشرفت ملی توانا سازد. (1)

### **اندیشمندان سیاسی در تعریف مفهوم توسعه چنین می گویند:**

1- توسعه الگویی است که سبب شود تا آنچنان دگرگونی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، کمی و کیفی، مادی و معنوی در جامعه بوجود آید که ضمن قطع وابستگی های گوناگون از کشورهای خارج، جریان خروج و فرار سرمایه ها و مغزها را از کشور به جریان انباشت سرمایه و مغزها در داخل

ص: 49

---

1- علی آقا بخشی، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، 1374، ص 65.

تبدیل کند و کشور را در ردیف کشورهای توسعه یافته جهان قرار دهد.

2- توسعه یافتگی یک تحول داخلی است و تابع حل بحران مشروعیت است و حل بحران مشروعیت و مقبولیت نظام از راه تحول فرهنگی به دست می آید.

3- توسعه نشان دهنده اختلاف شیوه زندگی در دوران تاریخی گوناگون است و برای گذر از یک دوران تاریخی دیگر (کشاورزی به صنعتی و فراصنعتی)، باید دگرگونی همه جانبه ای تحت عنوان توسعه در تمام جنبه های زندگی به وجود آید و به عبارتی، مفهوم انقلاب صنعتی، درونی شود.

می توان گفت که به تعداد نظریه پردازان، تعریف از توسعه وجود دارد. به هر حال به نظر می رسد آنان که توسعه را یک امر الزامی برای سلامت و پایداری جامعه می دانند، برای حفظ استقلال و سربلندی و موقعیت جهانی کشور، تلاش در راه توسعه را ضروری می دانند و بر دگرگونیها و تحولات ساختاری

در تمامی بخشهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه تاکید می کنند و ایجاد اصلاحات در تمام بخشهای جامعه را لازم می شمارند.

البته همانگونه که گفته شد هر یک از نظریه پردازان،

ص: 50

برداشت خاصی از توسعه ارائه می دهند و رسیدن به پیشرفتهای گوناگون، صنعتی شدن، رفع فقر، رفع وابستگی، توسعه همه جانبه و جامع در امور زندگی و امثالهم را از اهداف توسعه می دانند و هر برداشت از توسعه، با سایر برداشتها دارای برخی نقاط مشترک و اختلاف است. (1)

آنچه در جمع بندی تعریف مفهوم توسعه می توان گفت و بر آن تاکید داشت این است که توسعه در مفهوم جامع آن است که تمامی جنبه های زندگی را دگرگون می سازد.

این مفهوم از توسعه در خود مرگ نظام کهن و تولد و شکوفایی یک نظام جدید را دارد: توسعه عبارت است از فرایندی که جامعه را از یک دوران تاریخی به یک دوران تاریخی دیگر متحول می کند. (2) به رغم فقدان اجماع در مورد تعریف توسعه، یک نکته بر همگان آشکار بود و آن اهمیت مشارکت و رابطه مستقیم آن با توسعه سیاسی است. در سه وجهی که از توسعه سیاسی می توان دریافت، یعنی متغیرهای توسعه

ص: 51

---

1- محسن شمشیری، «توسعه و روشنفکران»، سلام، سال پنجم، شماره 1262، 18 مهر 1374، ص 6.

2- حسین عظیمی، «مباحث توسعه»، همشهری، 20 خرداد 1373، 17 بهمن 1373، 16 شهریور 1373.

سیاسی، توسعه سیاسی به عنوان هدف و فرایند توسعه سیاسی مشارکت سیاسی جایگاه خود را دارد. (1)

تاکید بر اهمیت مشارکت در مقوله توسعه سیاسی، نه برای اطاله کلام، بلکه فقط برای ایجاد حلقه ای است که از طریق آن قصد ما برای تحلیل داده ها برآورده شود. در همه طبقه بندی هایی که از نظریات توسعه سیاسی به عمل می آورند، مشارکت، چه به صورت متغیر وابسته یا مستقل، وجود دارد. نظریه لیبرال توسعه سیاسی که مشارکت را نتیجه افزایش رشد اقتصادی می داند و با نام متفکرانی مانند لیپست، لرنر، دویچ تأثیر همراه است، مشارکت سیاسی را متغیر وابسته به متغیرهای دیگر، یعنی رشد اقتصادی و آزادی، می داند.

در دیگر نظریات فرضیه بی ثباتی ناشی از افزایش مشارکت که با نام هانتینگتون و کتاب معروف او، نظم سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی مطرح می شود، مشارکت متغیر مستقل است که عواقب بی ثباتی را در شرایطی که وی بیان می کند به بار می آورد.

احصل -

ص: 52

---

1- ساموئل هانتینگتون، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علمی، 1370، ص 37.

اشاره

1- نظام - کارکرد 2 - فرایند - اجتماعی 3- تاریخی - مقایسه ای

1- رهیافت نظام - کارکرد

اشاره

مشارکت در چارچوب این رهیافت در هر سه سطح از اعمال نظام قابل تحلیل است. در سطح اول، در عملکرد بکارگیری در حفظ و تطبیق نظام، در سطح دوم، در عمل تبدیل نهاده به داده و در سطح سوم، به عنوان کالای نظام سیاسی می توان آن را بررسی نمود.

بین نظریه ساختاری - کارکردی ارتباط نزدیکی وجود دارد. در واقع تبیین، رهیافت کارکردی بدون بکارگیری مفاهیم نظام سیاسی امکان پذیر نخواهد بود. پس از جنگ جهانی دوم در علوم سیاسی نیز همانند دیگر علوم اجتماعی تغییر و تحولاتی رخ داد که باعث رشد نظریه نظامها شد. این رهیافت با نام اندیشمندانی مانند تالکوت پارسونز (1)، مارتین لوی (2)، دیوید

ص: 53

---

Talcott Parsons -1

Martin Levy -2

ایستن (1)، گابریل آلموند (2)، دیوید آپتر (3)، فردریگز، همراه است که تاثیر پارسونز و ایستن در طرح نظریه نظامهای سیاسی بیش از دیگران بود، البته پس از آن آلموند در نظریه ساختاری - کارکردی چارچوب نظری را برای تجزیه و تحلیل فراهم آورد که با ارزش بود.

مرکز ثقل این رهیافت نظام سیاسی و کارکردی آن می باشد. البته این چارچوب برای تجزیه و تحلیل نظامهای سیاسی بیان شده که مفاهیم مهمی چون نظام، ساختار، مشروعیت، نهاد، داده، محیط، بازخورد و تعادل را که با توجه به هر یک فراهم کردن الگویی فراگیر برای مقایسه نظامهای سیاسی میسر است، در نظر دارد. نکته ارزشمند در این رهیافت آن است که بطور کلی زمینه های نظریه پردازی در توسعه از آن آغاز شده است. در حالیکه اصولاً - برای درک تغییر و دگرگونی توانایی کمی دارد ولی زمینه نظری مناسبی برای تحلیل کارکرد یک نظام سیاسی فراهم می آورد.

ص: 54

---

david Eastin -1

Gabriel Almond -2

David Apter -3

بطور کلی ، رهیافت نظام - کارکرد را می توان چنین بیان داشت:

هر نظام سیاسی مجموعه ای از کنشهای متقابل است که از طریق آن ارزشها ، خدمات و کالاها برحسب قدرت معتبر برای همه بخشهای جامعه سهم بندی می شود.(1)

نظامهای سیاسی در حقیقت جامع ترین وسیله دستیابی به هدفهای جمعی در جامعه هستند که ابزار قهری مشروع را در اختیار دارند. نظام سیاسی در تقابل با محیط داخلی و بین المللی قرار دارد. نظام سیاسی مانند هر نظام دیگر برای انجام فعالیتهای خود دارای ساختارهایی است که هر یک از این ساختارها عملکرد یا کارکرد خاص خود را در کنار وظایف دیگری که به نوبه خود نظام سیاسی را قادر به تنظیم و اجرای هدفهای خود می کند ، انجام می دهد. رابطه میان ساختارها و کارکردها برای بررسی عملکرد نهایی نظام مهم است .

### **اعمال نظام را می توان در سه سطح کلی بررسی کرد:**

1- در سطح نظام ، حفظ و تطبیق نظام سیاسی .

ص:55

---

1- عبدالعلی قوام ، سیاستهای مقایسه ای ، تهران ، سمت ، 1373 ، ص 59. ص: 55



2- در سطح فرایند، تبدیل نهاده به داده .

3- در سطح سیاست گذاری ، توانایی ها با قابلیت هر نظام اعمالی را برای حفظ و تطبیق خود در محیط در سطح کل نظام انجام می دهد که آن عبارت است از :

1- ارتباطات سیاسی

2- جامعه پذیری سیاسی .

3- بکارگیری سیاسی .

نظام سیاسی در سطح دوم ، عمل تبدیل نهاده به داده را انجام می دهد. تقاضا و پشتیبانی بصورت نهاده به نظام وارد و سپس به شکل داده در قالب تصمیمات و سیاستها بیرون می آید.

این تقاضاها ممکن است بر حسب زیر طبقه بندی شوند:

1- تقاضا برای کالاها و خدمات (مانند دستمزدکار ، فرصتهای تعلیم و تربیت و تسهیلات ورزشی)

2- تقاضا برای تنظیم رفتار (مانند تمهیدات برای امنیت ، روابط کاری ، قواعد مربوط به زندگی مانند خانواده و ازدواج )

3- تقاضا برای مشارکت در نظام سیاسی ، حق رای ، اداره امور و سازمان دادن جوامع سیاسی

4- نهاده های نمادی (مانند تقاضای عوض کردن رهبران ، مسائل تشریفاتی ، تایید ارزشها و هنجارها)

ص: 56

در مجموع، می توان کارکردهای نظام سیاسی را چنین بیان کرد:

□

در مجموع نظامهای سیاسی از طریق ساختارها و کارکردها قابل تحلیل هستند.

07

ص: 57

در سطح سوم از اعمال نظام سیاسی ، تواناییها و قابلیت‌های نظام سیاسی وجود دارد. این سطح بیانگر آن است که داده‌هایی که از طریق عمل تبدیل نهاده به داده بوجود آمده‌اند، چه تواناییهایی در محیط داخلی و بین‌المللی دارند.

این تواناییها چهار نوع را می‌پذیرند:

1- توانایی استخراجی (1)، منظور آن است که نظام تا چه اندازه می‌تواند با وضع قوانین منابع مادی و انسانی را از محیط داخلی و بین‌المللی استخراج کند.

2- توانایی تنظیمی (2)، منظور آن است که نظام سیاسی تصمیمات را بصورت قانون برای تنظیم رفتار و اعمال افراد در شئون مختلف زندگی تنظیم کند.

نظام سیاسی این عمل را بوسیله قواعد تعیین شده، استفاده از زور و با تشویق‌های مادی و معنوی ، انجام می‌دهد. فعالیت‌های تنظیمی مجموعه مسائل اجتماعی ، اقتصادی ، فرهنگی ارزشی را در بر می‌گیرد.

3- توانایی توزیعی ، عبارت است از تقسیم کالاها و

ص: 58

---

Extractive Capability -1

Regulative Capability -2

خدمات و مناصب از سوی نظام سیاسی در میان افراد و گروه‌های جامعه ( توزیع خدمات آموزشی ، بهداشتی و اجتماعی)

4- توانایی نمادی (1)، منظور آن است که نظام سیاسی با توجه به ارزشها و معتقدات ( ملی / مذهبی ) از مردم می خواهد که به انجام یا خودداری از انجام اموری بپردازند نظامهای سیاسی از این توانایی برای تقویت توانایی های خود استفاده می کند. تشویق مردم به قبول قواعد و قانونها در بسیاری موارد با استفاده واستناد به ارزشهای مشروع مورد پذیرش همگان انجام می شود.

اما در نهایت ، نتایج این توانایی ها برای نظام سیاسی چه اهمیتی دارد، یعنی ماحصل همه این کارکردها در سطح جامعه به چه اموری می انجامد. در کل سه دسته نتایج رفاهی امنیت داخلی و امنیت بین المللی وجود دارد

اما در یک تحلیل نهایی ، کالای سیاسی به عنوان ماحصل همه اعمال سیاسی (مانند آزادی ، مشارکت) برای دستیابی به کارکرد نظام مورد توجه قرار می گیرد.

یک نکته مهم در این رهیافت توجهی است که نسبت به محیط داخلی و بین المللی می شود. اثر محیط و نظام بر روی هم

ص: 59

متقابل است. ضمن اینکه بر هر یک از کارکردها نیز اثرگذار است. همچنین فرهنگ سیاسی که جزئی از محیط داخلی می باشد، به مجموعه اعتقادات، ارزشها و وضعیت که بستر اعمال سیاسی است، اطلاق می شود. مشارکت سیاسی را می توان در تمام سطوح اعمال نظام سیاسی در چارچوب این رهیافت بررسی کرد.

## 2- رهیافت فرایند اجتماعی

رهیافت فرایند - اجتماعی در حقیقت به فرایندهای اجتماعی (مانند صنعتی شدن، شهرنشینی، افزایش تعلیم و تربیت و تحرک جغرافیایی) که همگی سهمی از فرایند بسیج اجتماعی است، توجه می کند. این فرایندها که همه از جلوه های نوگرایی هستند، در ابتدا به بسیج اجتماعی و سپس به مشارکت

سیاسی که عنصری اساسی در دستیابی به توسعه است، می انجامد. توسعه سیاسی یک عنصر سیاسی - افزایش مشارکت سیاسی - بسیج اجتماعی - نوگرایی تکیه این رهیافت بر فرایند نظام سیاسی نیست. این رهیافت بیشتر بر اساس داده های تجربی استوار است که به طور نمونه به جمع آوری اطلاعات در باره

داده ها می پردازد و با تغییر فزاینده در میزان آنها از آن در جهت توسعه نتیجه گیری می کند.

این رهیافت از طرف اندیشمندان مورد انتقاد قرار گرفته است. آنها می پرسند با ارتباط بین این متغیرهای کمی که حاصل دگرگونی های اجتماعی - اقتصادی است، چگونه می تواند از طریق شرکت در رای گیری ها به مشارکت سیاسی منجر شود؟

در حالیکه عملاً- رابطه بین افزایش تعلیم و تربیت و اشتغال و مشارکت سیاسی وجود دارد، ولی هیچ پایه نظری از طرف طرفداران این فرایند عنوان نمی شود. تحلیل گران رهیافت فرایند - اجتماعی اغلب در تعریفهای خود از متغیرهای سیاسی و معیار برای سنجش آنها ناتوان بوده اند.

یکی دیگر از انتقادهای، مربوط به رابطه ناچیزی است که آنها بین مسائل سیاسی ناشی از تحولات اجتماعی - اقتصادی حاصل فرهنگ سیاسی، نهادهای سیاسی و رهبری برقرار می کنند که بزرگترین مشکل فرهنگی رهیافت فرایند - اجتماعی است، زیرا این عوامل در تجزیه و تحلیل پدیده های سیاسی اهمیت ویژه ای دارند. از معیارهای این رهیافت برای تشخیص

مشارکت در چارچوبی نظری می توان استفاده کرد.

ص: 61

### 3- رهیافت تاریخی - مقایسه ای

این رهیافت در حقیقت گل چینی از دو رهیافت دیگر است. طرفداران این رهیافت نه از یک الگوی نظری مانند نظام - کارکرد شروع می کنند و نه از ارتباط بین دو متغیر به نتیجه خود می رسند. آنها بر تجربه های تاریخی جوامع تکیه می کنند. در حالیکه نظام برای رهیافت اول، فرایند برای رهیافت دوم مهم است. جامعه برای رهیافت تاریخی / مقایسه ای ارزشمند جلوه می کند. این رهیافت در حالیکه تاریخ یک جامعه را در نظر می گیرد به گذر مراحل تاریخی نیز توجه می کند. محققان در رهیافت اول مفهوم سازی می کنند. در رهیافت دوم، متغیرها را به هم مرتبط می کنند.

مبنای این رهیافت تجربه تاریخی است که با مقادیر نیز زیاد سر و کار ندارد. نهادها، فرهنگ و رهبری علقه آنهاست. آنها نظامهای سیاسی را بر حسب مراحل کلی که تمام جوامع طی می کنند، ارزیابی می نمایند.

بر اساس این رهیافت، بحران مشارکت در وضعیتی بروز می کند که به دلایل مختلف دولت مانع چنین فعالیتهایی شده یا گروههای متنفذ حاضر به همکاری و مشارکت در امور

هر یک از این سه رهیافت، هر چند از مطالعات توسعه سیاسی نتیجه شده اند، اما به مفهوم سازی، ارائه چارچوبهای نظری برای تحلیل‌های سیاسی و درک پدیده‌های سیاسی کمک کرده اند. هر یک از رهیافتهای فوق، از جنبه‌های ضعف و از جنبه دیگر دارای قوت هستند. رهیافت نظام - کارکرد در دگرگونی، رهیافت فرایند - اجتماعی در سیاست و رهیافت تاریخی - مقایسه‌ای در نظریه ضعف است. البته با تلفیق و تکیه بر نکات قوت هر یک می‌توان بر کاستی‌های هر سه غلبه کرد.<sup>(1)</sup>

با توجه به مطالب ذکر شده بهترین رهیافت جهت بیان مشارکت سیاسی از دیدگاه حضرت امام رحمة الله علیه، رهیافت نظام - کارکرد و بطور مشخص ساختاری - کارکردی در تلفیق با عناصر رهیافت فرایند - اجتماعی می‌باشد.

ص: 63





بخش دوم : بررسی اندیشه سیاسی امام خمینی رحمة الله عليه

اشاره

ص: 65



**1- ماهیت عمل سیاسی**

«سیاست اداره آزادانه (رضایت مندانه) انسانهای آزاد است. منظور از عمل سیاسی چنان عمل ارادی است که توسط انسان آزاده و به اصطلاح امروز شهروند انجام می شود اما هر عمل ارادی را سیاست نمی گویند بلکه سیاست ناظر به آن دسته از اعمال ارادی انسانها است که نه از روی طبع، بلکه منبعث از انتخاب عقلانی معطوف به مصلحت مدنی است. ارسطو رفتار انسان را نخست به دو قسم اضطراری و ارادی تقسیم می کند و سپس با تقسیم اعمال ارادی به دو قسم طبیعی و عقلانی، عمل سیاسی را جزئی از رفتارهای عقلانی انسان دانسته، مورد تحلیل قرار می دهد. به نظر ارسطو عمل سیاسی... امری است که انسانهای عاقل درباره آن می اندیشند و با انتخاب ارادی، آن را به کار می گیرند.

امور سیاسی از این حیث که به دست انسانها انجام می گیرد

اما نتایج آنها همواره به یک منوال نیست و قابلیت آن را دارند که غیر از آن گونه که رخ داده اند باشند، موضوع تامل و سنجش عقلانی هستند.

به علاوه، موضوع سیاست و عمل سیاسی هرگز اهداف یک شهر، کشور نیست، بلکه موضوع عمل سیاسی طرقي است که ما را به هدف های از پیش تعیین شده می رسانند هم چنان که پزشک در این باره تامل نمی کند که معالجه بکند یا نه، و یا خطیب نمی نگردد که شنوندگان را قانع کند یا نه، مرد سیاسی نیز هرگز در این باره تامل نمی کند که آیا دولت و نظام سیاسی منظم به وجود آورد یا نیاورد، بلکه با توجه به چنان هدفی "می اندیشد"

که چگونه و با استفاده از کدام شیوه ها و وسایل و از کدام طریق ممکن می تواند به آن برسد، و اگر طرق متعددی وجود دارد، می اندیشد که چگونه بهترین و مناسب ترین آنها را انتخاب کند. بدین سان در سیاست این اهداف سیاست مدار نیست که موضوع تامل است بلکه تنها وسایل و راههای تحقق آن اهداف مورد تامل و ارزیابی است»<sup>(1)</sup>.

ص: 68

---

1- داود فیرحی، «امام خمینی: اجتهاد و سیاست»، امام خمینی و حکومت اسلامی (روحانیت، اجتهاد و دولت)، مؤسسه تنظیم نشر آثار امام خمینی رحمه الله علیه، زمستان 1378، ص 301 و 302.

همانطور که گذشت سیاست ناظر به شیوه های اداره آزادانه انسان های آزاد است. پس عمل سیاسی به گونه ای است که اولاً: در ذات خود آزادی انسانها را مفروض گرفته است. سیاست فرمانروایی بر انسانهای آزاد است و نه بردگان.

ثانیاً: عمل سیاسی محدود به حوزه ابزارها و طرق است و هرگز اهداف و آفاق نهائی را تعیین نمی کند.

ثالثاً: عمل سیاسی مربوط به انتخاب عقلانی و آگاهانه واداری است عمل انسان مجبور و محجور را عمل سیاسی نمی دانند.

رابعاً: ملاک انتخاب عقلانی مصلحت مدنی است و نه مصلحت خصوصی .

خامساً: عمل سیاسی به اعتبار دگرگونی در ابزارها طرق و مصالح، خصلت تغییر پذیر و غیر سرمدی دارد و با توجه به دگرگونی در شرایط زمان و مکان متحول می شود.

موضوع معرفت سیاسی یا اجتهاد در فرهنگ اسلامی، عمل سیاسی است چون حوزه عمل، امور تغییر پذیر است پس می توان گفت که هر دو گونه از دانش فوق حکمت عملی و اجتهاد اسلامی به اعتبار تغییر پذیری ذاتی مبادی شان، بذات

ناپایدار و متحول اند. امام خمینی در حوزه عقلانیت اسلامی پیرامون تغییر پذیری احکام اجتهاد می فرماید:

«زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند، مسئله ای که در قدیم دارای حکمی بوده است به ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و

اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند.»<sup>(1)</sup>

از آنجا که «مجتهد» در اندیشه امام و «حکیم» در فلسفه یونان مرد عمل است و عمل با جزئیات ارتباط دارد، لذا نمی توان پذیرفت که دانش سیاسی تنها با کلیات احکام سیاسی سر و کار دارد چرا که مجتهد اسلامی و حکیم یونانی هم باید با کلیات احکام سیاسی آشنا باشد و هم به جزئیات عملی سیاسی و حتی آشنایی و مهارت در جزئیات از اهمیت بیشتری نیز برخوردار است.

امام خمینی در ضرورت آگاهی مجتهد از جزئیات عمل سیاسی می فرماید:

«مهم شناخت درست حکومت و جامعه است که بر

ص: 70

---

1- صحیفه امام، ج 21، ص 289.

اساس آن نظام اسلامی بتواند به نفع مسلمانان برنامه ریزی کند که وحدت رویه و عمل ضروری است و همین جا است که اجتهاد مصطلح در حوزه ها کافی نمی باشد بلکه یک فرد اگر اعلی در علوم معهود حوزه ها هم باشد ولی نتواند مصلحت جامعه را تشخیص دهد و یا نتواند افراد صالح و مفید را از افراد ناصالح تشخیص دهد و به طور کلی در زمینه اجتماعی و سیاسی فاقد

بیش صحیح و قدرت تصمیم گیری باشد این فرد در مسائل اجتماعی و حکومتی مجتهد نیست و نمی تواند زمام جامعه را به دست گیرد»<sup>(1)</sup>

عبارت فوق، به وضوح رجحان آشنایی مجتهد به «جزئیات» عمل سیاسی در قیاس با معرفت «کلیات» احکام سیاسی را نشان می دهد.

به هر حال، این قسم از حکمت یا اجتهاد، سیاسی است که موارد جزئی و فردی را به روشنی می بیند و درباره آنها تامل می کند و ماهیت آن عمل کردن و شور کردن است، زیرا تصمیم سیاسی بیش تر به این حوزه برمی گردد و آن چیزی است که از طریق یک عمل و اقدام به اجرای تصمیم می انجامد.

ص: 71



امام خمینی در اهمیت این بخش از وجوه مدیریتی و اجرایی در مجتهد می نویسد:

«مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد... آشنایی به روش برخورد با حيله ها و تزويرهاى فرهنگ حاکم به جهان، داشتن بصيرت و دید

اقتصادی ... شناخت سیاست ها و حتی سیاسيون و فرمول های دیکته شده آنان و درک موقعیت و نقاط قوت و ضعف دو قطب سرمایه داری و کمونیزم که در حقیقت استراتژی حکومت بر جهان را ترسیم می کنند، از ویژگیهای یک مجتهد جامع است. یک مجتهد باید زیرکی و هوش و فراست هدایت یک جامعه بزرگ اسلامی و حتی غیر اسلامی را داشته باشد و علاوه بر خلوص و تقوا و زهدی که در خور شأن مجتهد است واقعا مدیر و مدبر باشد»<sup>(1)</sup>

حضرت امام معتقد است: «... حکومت در نظر مجتهد واقعی فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است، حکومت نشان دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و

ص: 72

---

1- صحیفه امام، ج 1، ص 289.

بدین سان، فقه و اجتهاد با جزئیات عمل سیاسی ارتباط دارد. و چون آدمی نخستین بار از طریق تجربه با امور جزئی آشنا می شود، صحت و سقم احکام اجتهاد و فقه سیاسی، بیش از هر چیز با تجربه و ادراک حس جزئی و کلی پیوند می یابد.

فهمیدن و احاطه مجتهد به مسائل زمانه که از طریق تجربه و استمرار آن حاصل می شود، نقش اساسی در اعتبار آرا و تصمیمات مجتهد دارد، زیرا فقه سیاسی قدرت فرماندهی دارد و نقشش این است که معین کند که در حوزه عمل سیاسی چه باید کرد و چه نباید کرد.

حضرت امام خمینی رحمة الله علیه هدف اساسی اجتهاد سیاسی را چنین طرح می کند:

«هدف اساسی این است که ما چگونه می خواهیم اصول محکم فقه را در عمل فرد و جامعه پیاده کنیم و بتوانیم برای معضلات جواب داشته باشیم و همه ترس استکبار از همین مسئله است که فقه و اجتهاد جنبه عینی و عملی پیدا کند»(2)

ص: 73

---

1- صحیفه امام، ج 21، ص 289.

2- همان، ص 289.

روشن است که این «چگونه پیاده کردن» اصول محکم فقه در عمل فرد و جامعه، از مصادیق مهم اجتهاد سیاسی و ناظر به دو مقوله قانونگذاری و هنر کشورداری است که دو بخش اساسی دانش سیاسی را تشکیل می دهند. قانون گذاری و اجرای رضایت مندانه قانون در جامعه نیز پیوند آشکاری با

مفهوم مصلحت دارد شاید به همین علت است که حضرت امام رحمة الله علیه با پیوند ولایت و مصلحت می فرمایند:

«ولایت عبارت از نوعی سلطه است که دایره اش به نسبت مواردش سعه و ضیق دارد. یا امر وضعی است که لازمه اش چنین سلطه ای است. پس ولی انسان صغیر کسی است که مطابق مصلحت او در امورش تصرف میکند حاکم و ولیّ یک کشور نیز بر اساس مصلحت و به اقتضای سیاست آن کشور تصرف و عمل میکند» (1)

حضرت امام رحمة الله علیه در ارتباط با جایگاه مصالح سیاسی نظامی می فرماید:

«در اسلام مصلحت نظام از مسائلی است که مقدم بر هر چیز است و همه باید تابع آن باشیم» (2)

ص: 74

---

1- داود فیرحی، امام خمینی و حکومت اسلامی، اجتهاد و دولت «اجتهاد و سیاست»، ص 305، به نقل از امام خمینی، الرسائل ج 1،

ص 332

2- صحیفه امام، ج 21، ص 335.

و به شورای نگهبان توصیه می فرمایند که:

«قبل از این گیرها، مصلحت نظام را در نظر بگیرند، چرا که یکی از مسائل بسیار مهم در دنیای پر آشوب کنونی نقش زمان و مکان در اجتهاد و نوع تصمیم گیری ها است»<sup>(1)</sup>

امام خمینی رحمة الله علیه با تکیه به اصالت عمل و تقدم عمل بر نظریه در اجتهاد بر نقش تعیین کننده حکومت در برخورد با معضلات داخلی و خارجی جامعه اسلامی تاکید می کند و می فرماید:

حکومت که شعبه ای از ولایت مطلقه رسول الله (صلی الله علیه و اله وسلم) است یکی از احکام اولیه اسلام است و مقدم بر تمام احکام فرعیه حتی نماز و روزه و حج است... حکومت .... می تواند هر امری را چه عبادی و یا غیر عبادی است که جریان آن مخالف مصالح اسلام است، از آن، مادامی که چنین است جلوگیری کند. حکومت می تواند از حج که از فرایض مهم الهی است، در مواقعی که مخالف صلاح کشور اسلامی دانست، موقتاً جلوگیری کند»<sup>(2)</sup>

ص: 75

---

1- همان، ج 2، ص 217.

2- داود فیرحی، امام خمینی و حکومت اسلامی، اجتهاد و دولت «اجتهاد و سیاست»، ص 312.

**اخلاق:**

حضرت امام رحمة الله عليه با بیان دو نشئه یا دو عالم برای انسان توصیه می کند که انسان یک اخلاق فاسده را از مملکت روح خود بیرون نماید و در جهاد با نفس که همان جهاد اکبر است پیروز شود. از نظر امام رحمة الله عليه تا انسان متادب به آداب شریعت حقه نگردد هیچ یک از اخلاق حسنه به طور حقیقی برای او پیدا نمی شود و نهایت این که غایت اخلاق با موفقیت در جهاد اکبر به دست می آید. امام می نویسد: «بدان که انسان عجب به ای است دارای دو نشئه و دو عالم: نشئه ظاهرة ملكية دنیویه که آن بدن اوست و نشئه باطنة غیبیة ملکوتیه که از عالم دیگر است» (1)

در ادامه مطلب امام خمینی رحمة الله عليه به ذکر مقامات نفس پرداخته درباره منزل عزم می نویسد: «و تا انسان متادب به آداب شریعت حقه نشود هیچ یک از اخلاق حسنه از برای او به حقیقت پیدا نشود و ممکن نیست که نور معرفت الهی در قلب او جلوه کند و علم باطن و اسرار شریعت از برای او منکشف شود» (2).

ص: 76

---

1- امام خمینی، چهل حدیث، چاپ سوم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، 1372، ص 5.

2- همان، ص 7.

اگر کسب ملکات حسنه و تادب به آداب الهی یک بعد اخلاق محسوب می شود مبارزه و جهاد با ملکات سیئه و صفات و خصلتهای ناپسند بعد دیگر اخلاق را تشکیل می دهد که از نظر امام رحمة الله علیه نتایج درخشانی بر آن مترتب است:

«چون که مجاهده نفس در این مقام به اتمام رسید و انسان موفق شد که جنود ابلیس را از این مملکت خارج کند و مملکتش را سکنای ملائکه الله و معبد عباد الله الصالحین قرار داد کار سلوک الی الله آسان می شود و راه مستقیم انسانیت روشن و واضح می گردد، و ابواب برکات و جنات به روی او مفتوح می گردد، و ابواب جهنم و درکات آن به روی او بسته می گردد، و خدای تبارک و تعالی به نظر لطف و مرحمت به او نظر می کند، و در سلک اهل ایمان منخرط می شود، و از اهل سعادت و اصحاب یمین می شود، و راهی از باب معارف الهیه که غایت ایجاد خلق جن و انس است، بر او باز می شود و خدای تبارک و تعالی در آن راه پر خطر از او دستگیری می فرماید» (1)

خلاصه سخن این که اخلاق عبارت است از یک سلسله صفات، خصلت ها و ملکات خوب مانند وفای به عهد، مدارا،

ص: 77

بخشش، شجاعت، راست گویی، امانت داری و ... که از آنها به فضایل یاد می شود و انسانها در صددند خویشتن را به آنها بیارائید و یا بدنظیر، خیانت، بی رحمی سنگدلی، ترس، دروغ گویی، خود خواهی، غرور، ریا، تکبر و ... بزداید که از آنها به رذایل یاد می شود.

### **سیاست :**

بررسی آثار امام خمینی رحمة الله علیه ما را به دو نوع تعریف از سیاست رهنمونی می کند و چهره ژانوسی سیاست را بر ما آشکار می سازد نوع اول سیاست را می توان «سیاست شیطانی» یا «منفی» نام گذارد و نوع دوم آن را می توان «سیاست الهی» یا «مثبت» نامید که مقبول امام است. در این زمینه مستندات زیر قابل توجه است:

1- امام خمینی رحمة الله علیه با بیان مکالمه ای که بین ایشان و یکی از مقامات رژیم محمد رضا پهلوی در زندان صورت گرفته بود می گویند:

«در روزنامه مورخ 1342/5/13 که مرا از زندان قیطریه آوردند، نوشتند که مفهومش این بود که روحانیت در سیاست مداخله نخواهند کرد. من الان

ص: 78

حقیقت موضوع را برای شما بیان می‌کنم. آمد یک نفر از اشخاصی که میل ندارم اسمش را بیاورم گفت آقا، سیاست عبارت است از دروغ گفتن، خدعه، فریب، نیرنگ، خلاصه پدرسوختگی است و آن را شما برای ما بگذارید. چون موقع مقتضی نبود نخواستم با او بحثی بکنم گفتم ما از اول وارد این سیاست که شما می‌گویید نبوده ایم. امروز چون موقع مقتضی است می‌گویم اسلام این نیست، والله اسلام تمامش سیاست است، اسلام را بد معرفی کرده اند سیاست مدن از اسلام سرچشمه می‌گیرد» (1)

2- امام رحمة الله علیه در پاسخ به سؤال خبرنگار مجله آمریکایی تایم که می‌پرسد: حضرت آیت الله، سیاست یعنی پیدا کردن راه حل های ممکن، اگر درست فهمیده باشم موضع حضرتعالی این است که هیچ نوع مذاکره ای با رژیم کنونی امکان پذیر نیست، جواب می دهند:

«علت این است که ما هرج و مرج را زیر سر خود شاه می‌دانیم بنابراین شاه نمی‌خواهد که راه حل پیدا کند، شاه می‌خواهد راه فرار از این تنگنا و به دست آوردن قدرت پیدا بکند پس با شاه مذاکرات معنا ندارد» (2).

ص: 79

---

1- صحیفه امام، ج 1، ص 269 - 270.

2- همان، ج 5، ص 256.



از پاسخ امام چنین بر می آید که ایشان تعریف سیاست به پیدا کردن راه حل های ممکن را قبول ندارند.

3- در یکی از جلسات درس در نجف اشرف امام در تعریف سیاست چنین می گویند:

«مگر سیاست چی است؟ روابط ما بین حاکم و ملت، روابط ما بین حاکم با سایر حکومت ها، -عرض میکنم که - جلوگیری از مفاسدی که هست، همه این ها سیاسی است که هست» (1).

این تعریف در واقع نوعی تعریف عملی و مصداقی از سیاست محسوب می شود که البته در وجه مثبت آن طرح گردیده است.

4- امام رحمة الله علیه در تعریف دیگری، سیاست الهی را چنین طرح می کنند:

«سیاست این است که جامعه را هدایت کند و راه ببرد، تمام مصالح جامعه را در نظر بگیرد و تمام ابعاد انسان و جامعه را در نظر بگیرد و این ها را هدایت کند به طرف آن چیزی که صلاحشان هست، صلاح ملت هست، صلاح افراد هست و این مختص به انبیاست. دیگران این سیاست را نمی توانند اداره کنند» (2).

ص: 80

---

1- همان، ج 3، ص 227.

2- همان، ج 13، ص 432.

این تعریف یعنی هدایت جامعه به سوی صلاح در واقع معادل تعریف دین است و تعبیر امام مبنی بر این که «والله اسلام تمامش سیاست است» مؤید آن می باشد.

با توجه به نظر امام رحمة الله علیه درباره اخلاق و سیاست معلوم گردید که امام تا چه میزان بر اهمیت اخلاق تاکید دارند ضمن این که باید اذعان کنیم که بنیان گذار جمهوری اسلامی به مسأله اخلاق و سیر سلوک به نوعی در قالب سیاسی می نگرند. تعبیری هم چون «جنود ابلیس را از این مملکت خارج کند» و یا این عبارت که می گویند «و مملکتش را سکنای ملائکه الله و معبد عباد الله الصالحین قرار داد»، اگر بدون صدر و ذیل آنها بیان شود، تصور بر آن خواهد رفت که منظور امام به کشور ایران است در حالی که منظور در این عبارات مملکت تن و نفس است، آنجا که می نویسند:

«چون که مجاهدة نفس در این مقام به اتمام رسید و انسان موفق شد که جنود ابلیس را از این مملکت خارج کند و مملکتش را سکنای ملائکه الله و معبد عباد الله الصالحین قرار داد، کار سلوک الی الله آسان می شود» (1).

در واقع نوعی هماهنگی بین اخلاق حسنه و سیاست

ص: 81

صحیح یا الهی در نظر امام مشاهده می شود، چرا که ایشان به صراحت می فرمایند:

«اسلام احکام اخلاقی اش هم سیاسی است» (1)

حضرت امام در نسبت بین اخلاق و سیاست اصالت را به اخلاق قائل است چرا که این ادعا در بیاناتشان کاملاً مشهود است:

1- «تزکیه مقدم است بر همه چیز» (2)

2- «اسلام برای تهذیب انسان آمده است، برای انسان سازی آمده است. همه مکتبهای توحیدی برای انسان سازی آمده اند. ما مکلف ایم انسان بسازیم» (3).

3- تفاوت حکومت انبیاء علیهم السلام با حکومت ستمگران در تقدم و اصالت اخلاق بر سیاست نهفته است:

«... و انبیا این که دنبال این بودند که یک حکومت عدلی در دنیا متحقق کنند برای این است که حکومت عدل اگر باشد، حکومتی باشد با انگیزه الهی، با انگیزه اخلاق و ارزشهای معنوی انسانی، یک همچو حکومتی

ص: 82

---

1- صحیفه امام، ج 13، ص 130.

2- همان، ج 19، ص 134.

3- همان، ج 7، ص 531.

اگر تحقق پیدا نکند جامعه را مهار می کند و تا حد زیادی اصلاح می کند و اگر حکومت ها به دست جباران باشد، به دست منحرفان باشد، به دست اشخاصی باشد که ارزشها را در آمال نفسانی خودشان می دانند، ارزشهای انسانی را هم گمان می کنند که همین سلطه جویها و شهوات است، تا این حکومتها برقرار هستند بشریت رو به انحطاط است»<sup>(1)</sup>.

4- در حکومت اسلامی برتری به اخلاق فاضله است نه ویژگی های نژادی و قومی، امام رحمة الله علیه در اعلامیه اش درباره فرماندم جمهوری اسلامی می نویسد:

«مبارک باد شما را چنین حکومتی که در آن اختلاف نژاد و سیاه و سفید و ترک و فارس و لر و کرد و بلوچ مطرح نیست، همه برادر و برابرند فقط و فقط

کرامت در پناه تقوا و برتری و به اخلاق فاضله و اعمال صالحه است»<sup>(2)</sup>

5- توصیه امام به نامزدهای انتخابات مجلس شورای اسلامی این است که اخلاق اسلامی را رعایت کنند و مردم نیز وکلای آراسته به اخلاق خوب را برگزینند:

ص: 83

---

1- همان، ج 16، ص 162.

2- همان، ج 6، ص 453.

«نصیحتی است از پدری پیر به تمامی نامزدهای مجلس شورای اسلامی که سعی کنید تبلیغات انتخاباتی شما در چارچوب تعالیم و اخلاق عالیہ اسلام انجام شود»<sup>(1)</sup>.

«و باید اخلاق همه در انتخابات همه اخلاق اسلامی باشد... و وکیل هایی که آراسته هستند به اخلاق خوب، متعهد هستند به اسلام، وفادار هستند به

کشور خودشان، خدمت گزار هستند به شما و به کشور، آن اشخاص را انتخاب کنند و در مجلس بفرستند»<sup>(2)</sup>،

«شما که وکیل از جانب ملت هستید و عصاره فضایل ملت هستید»<sup>(3)</sup>.

«مجلسی که اساس یک کشور است باید محلی برای بحث و ساختن اخلاق جامعه باشد»<sup>(4)</sup>

البته لازم به یاد آوری است که اصالت اخلاق به معنی بی ارزش بودن سیاست نیست. از نظر امام رحمة الله علیه قدرت و سیاست خود یک کمال است اما لازم است در دست انسان مهذب قرار گیرد: «قدرت خودش یک کمال است، خدای تبارک و تعالی قادر

ص: 84

---

1- همان، ج 21، ص 11.

2- همان، ج 12، ص 168 - 169.

3- همان، ج 12، ص 345.

4- همان، ج 18، ص 43.

است لکن چنانچه قدرت بدست اشخاص فاسد برسد، همین کمال را به فساد میکشانند»<sup>(1)</sup>. حضرت امام رحمة الله عليه تنها در بعد نظری التزام به رعایت اخلاق در سیاست نداشتند بلکه با التزام عملی و سیره خود نیز خط بطلان بر ماکیاولیزم کشیدند.

### 3- دولت در اندیشه سیاسی امام خمینی رحمة الله عليه

#### اشاره

نگرش دینی حضرت امام در مسائل سیاسی و اجتماعی، بر آراء و افکار سیاسی ایشان تأثیر گذاشته و بدان شکل می دهد. دیدگاه حضرت امام به مقوله های سیاسی از نگرش فقهی و دینی ایشان تأثیر می پذیرد. بنابراین، آن چه ایشان درباره مردم، دولت، روابط متقابل آنان، جایگاه و نقش آنان در جامعه بیان می دارند، خصلت یک دولت دینی و جامعه دیندار است که از منابع دینی و سیره سیاسی پیشوایان معصوم استنباط کرده اند. شاخصه هایی که حضرت امام در تبیین سیمای دولت و جامعه اسلامی به کار

می برند، در متون دینی و منابع سیاسی اسلام دیده می شود. مهمترین ویژگیهای تبیین کننده سیمای دولت اسلامی در اندیشه سیاسی امام عبارتند از:

ص: 85

---

1- صحیفه امام، ج 18، ص 206.

الف - دولت خدمت گذار نه فرمان روا؛

ب - دولت قانون مدار؛

ج - دولت امانت دار؛

### **الف - دولت خدمتگذار نه فرمان روا**

در اندیشه سیاسی حضرت امام، مقوله خدمتگذاری از ویژگیهای مهم دولت اسلامی محسوب می شود. چنین برداشتی با فلسفه سیاست و حکومت در اندیشه سیاسی تشیع ارتباط داشته و با آن چه در متون دینی به عنوان هدف سیاست و حکومت مطرح شده است، گره می خورد. با چنین رویکردی به

حکومت و سیاست و تعریفی که حضرت امام از این مقوله ها می کنند، خدمت گذاری به جای فرمانروایی تشخیص می یابد. در این دیدگاه، معیار دینی بودن دولت، موفقیت آن در خدمت گذاری و ارائه خدمات اجتماعی به جامعه اسلامی سنجیده می شود. حضرت امام در این زمینه می فرمایند:

«در حکومت هم یک حکومت اسلامی، یک حکومت عدل که حکومت ها تابع مردم باشند و حکومت ها برای مردم باشند، نه مردم برای حکومت ها. حکومت اسلامی حکومتی است که برای

ص: 86

مردم خدمت گذار است باید خدمت گذار باشد»(1).

از سخنان حضرت امام چنین برداشت می شود که اولاً، حکومت اسلامی باید بر مبنای عدل استوار باشد، ثانیاً، تابع مردم و برای مردم باشد، نه مردم در اختیار حکومت. ثالثاً این که دولت خدمت گذار مردم و جامعه باشد. البته کارکرد خدماتی دولت اسلامی با غیر اسلامی تفاوت جدی دارد، زیرا ارائه خدمات و احساس مسئولیت دولتمردان جامعه اسلامی فقط در ابعاد مادی

نبوده، بلکه همراه باسعادت معنوی و کمال جامعه اسلامی است.

در اندیشه سیاسی حضرت امام، تصدی قدرت ظاهری صرفاً جنبه ابراز داشته و به عنصر خدمت گذاری به عنوان معیار سنجش دولت مردان دینی تاکید می شود:

« باید افراد متوجه این معنا باشند، کسانی که واقعا دلشان برای اسلام می تپد و برای کشورشان، متوجه این باشند، که پست میزان نیست، مقام میزان نیست، مقام ریاست جمهوری این میزان نیست، مقام نخست وزیری یا رئیس دولت بودن یا رئیس مجلس بودن، اینها چیزی نیستند این مقام ها تمام می شود، آنی که هست خدمت است. آدم متعهد در هر جا باشد اگر دید

ص: 87



خدمتش خوب است آنجا بیشتر دلگرم است»(1).

امام معتقد بودند که قدرت سیاسی ابزاری است در دست دولت و حکومت، که رابطه فرمان روا و فرمان بر را در عالی ترین شکل آن در قالب اخوت دینی تعیین می کند، لذا بدین خاطر قدرت سیاسی را هدف سیاست و حکومت نمی دانست: «از جمله تحولاتی که باید بشود و شما آقایان باید کوشش کنید، این است که به این کلمه فرماندار مغرور نشوید که شما فرماندارید. این کلمه فرماندار مال وقتی است که فرمان باشد و فرمانبر باشد و برادری نباشد، و طبقه ای، طاغوتی باشد مردم دیگر فرمانبردار آنها، در صورتی که در اسلام مطرح نیست آنهایی که سرتاسر کشور اسلامی را اداره می کردند... این طور نبود که معاملات شان با رعیت، معامله فرمان فرما و فرمان بر باشد»(2). حضرت امام در همین مورد در جای دیگر می فرمایند:

«عهد دار شدن حکومت فی حد ذاته، شأن و مقامی نیست، بلکه وسیله انجام وظیفه، اجرای احکام و برقراری نظام عادلانه اسلام است ... برای مردان خدا

ص: 88

---

1- همان، ج 19، ص 365.

2- همان، ج 9، ص 116.

اگر این وسیله به کار خیر و تحقق هدفهای عالی نیاید، هیچ ارزش ندارد»<sup>(1)</sup>

## ب - دولت قانون مدار

قانون محوری و التزام به قانون، اعم از قوانین تشریحی و حکومتی، از دیگر شاخصه های مهم دولت اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی رحمة الله علیه است. نگاه دینی به حکومت و سیاست، دولت و کارگزاران نظام را پاسداران و مجریان قوانین اسلامی می کند. التزام به قانون، تکلیف دینی است و وظیفه دولت اسلامی و التزام کارگزاران آن بیشتر است. حضرت امام به این نکته تاکید کرده می فرمایند:

«حکومت اسلام، حکومت قانون است. در این طرز حکومت، حاکمیت منحصر به خدا است و قانون، فرمان و حکم خداست. قانون اسلام یا فرمان خدا بر همه افراد و بر دولت اسلامی، حکومت تام دارد. همه افراد از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم گرفته تا خلفای آن حضرت و سایر افراد تا ابد تابع قانون هستند، همان

ص: 89

---

1- یوسف صانعی، ولایت فقیه یا حکومت اسلامی، ص 54.

قانونی که از طرف خدای تبارک و تعالی نازل شده و در لسان قرآن و نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بیان شده است. اگر رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم خلافت را عهده دار شد به امر خدا بود... نه این که به رای خود حکومتی تشکیل دهد و بخواهد رئیس مسلمین شود»<sup>(1)</sup>.

قانون محوری و التزام به قوانین دینی و حکومتی، در دیدگاه حضرت امام تنها در بعد نظری نیست، بلکه در زمینه عملی و عینی نیز به آن تاکید شده است و اعمال حاکمیت سیاسی و اقتدار دینی حاکم اسلامی تنها در چارچوب قانون و رعایت مقررات دینی، مشروع و قابل اجراست:

«در حکومت اسلامی هیچ کس از فرمان روایان مجال خودکامگی و خود رأیی ندارد، بلکه آن چه که در حوزه حکومت رخ می دهد باید منطبق با قانون الهی باشد، حتی اطاعت از ولایت هم باید طبق قانون الهی باشد. البته ولیّ در موضوعات، بر طبق صلاح مسلمین با مردم خویش عمل می کند و این استبداد به رأی و خودکامگی نیست، بلکه او «باید» در موضوعات، بر

ص: 90

طبق صلاح عمل کند، یعنی «رأی» او به مانند عملش، «تابع مصلحت» است»<sup>(1)</sup>.

بنابراین، در نظریه سیاسی امام، دولت و حاکم اسلامی در چارچوب قانون و صلاح امت اسلامی اعمال حاکمیت می کنند. در واقع، آن جایی که حاکم اسلامی طبق صلاح حدید و رأی خود به مدیریت سیاسی جامعه می پردازد، نوعی قانون محوری در چارچوب مصلحت عامه مسلمین بر نظر و عمل او حکم فرما است. پس در دولت مطلوب حضرت امام، حاکم واقعی قانون است و همگی در پناه قانون و مقررات شرعی از آزادی عمل برخوردارند:

«حاکم در حقیقت، قانون است. همه در امان قانونند، در پناه قانون اسلامند، مردم و مسلمانان در دایره مقررات شرعی آزادند، یعنی بعد از آنکه طبق مقررات شرعی عمل کردند، کسی حق ندارد بگوید این جا بنشین یا آنجا برو»<sup>(2)</sup>.

در دولت قانون مدار حضرت امام به اطاعت شهروندان از

ص: 91

- 
- 1- امام خمینی، کتاب البیع، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج 2، ص 461 به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی، شماره 5503.
  - 2- یوسف صانعی، ولایت فقیه یا حکومت اسلامی، ص 73.

فرمان ها و مقررات حکومت اسلامی به معنای تبعیت از قانون است و فقط قانون بر جامعه حکم فرمایی دارد:

«باری حکومت در اسلام به مفهوم تبعیت از قانون است و فقط قانون بر جامعه حکم فرمایی دارد»<sup>(1)</sup>.

### ج - دولت امانت دار

در اندیشه سیاسی حضرت امام زمام دار جامعه اسلامی و دولت، فرمانروایی مطلق شهروندان محسوب نمی شود بلکه دولت مردان، امانت دار و وکلای آنانند. از این رو، دولت اسلامی موظف است قدرت سیاسی را در راستای اشاعه باورهای دینی و تعالیم مکتبی و تامین منافع و مصالح جامعه به کار گیرد. در این دیدگاه، دولت اسلامی، که حاکمیت دینی اش را از راه مقبولیت

توده های مسلمان اعمال می کند، تنها در صورتی از مشروعیت سیاسی و حمایت مردمی برخوردار خواهد بود که کلیه برنامه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اش را با در نظر گرفتن و احترام به معتقدات دینی و فرهنگی جامعه، در چارچوب قوانین و مقررات دینی اجرا کند. در غیر این صورت، امت اسلامی و

ص: 92

---

1- یوسف صانعی، ولایت فقیه یا حکومت اسلامی، ص 45.

مردم با استفاده از جایگاه نظارتی و مشورتی خویش، وکالت زمام داران را ملغا و آنان را منعزل می کنند. به قول حضرت امام رحمة الله علیه :

«وقتی مردم یک خدمت گزاری را نخواستند، باید کنار برود» (1).

سیمای امانت داری حکومت اسلامی در اندیشه حضرت امام در فرازهای متعددی از بیانات ایشان تاکید شده است. ایشان می فرمایند:  
«چون حکومت اسلام حکومت قانون است، قانون شناسان و از آن بالاتر دین شناسان، یعنی فقها باید متصدی آن باشند. ایشان هستند که بر تمام امور

اجرایی و اداری و برنامه ریزی کشور مراقبت دارند. فقها در اجرای احکام الهی امین هستند» (2)

و در جای دیگر می فرمایند:

«پس معنای امین این است که فقها تمام اموری را که اسلام مقرر داشته، به طور امانت اجرا کنند، نه این که تنها مسئله بگویند» (3).

ص: 93

---

1- صحیفه امام، ج 5، ص 244.

2- یوسف صانعی، ولایت فقیه یا حکومت اسلامی، ص 72.

3- همان، ص 73.

در اندیشه سیاسی حضرت امام رحمة الله عليه ضرورت آگاهی مجتهد از جزئیات عمل سیاسی، که آن شناخت درست حکومت و جامعه است تاکید شده، تا براساس آن، نظام اسلامی بتواند وحدت رویه و عمل ضروری را بنفع مسلمانان برنامه ریز کند.

امام، حکومت را در نظر مجتهد، فلسفه عملی فقه معرفی می کند که نشان دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمامی معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است. بدین سان است که فقه و اجتهاد با جزئیات عمل سیاسی ارتباط دارد.

حضرت امام در باب سیاست معتقد است که سیاست الهی آنست که جامعه را به سوی صلاح هدایت نماید و با این تعریف است که اسلام را تمام یک سیاست می داند. ایشان یک نوع هماهنگی بین اخلاق حسنه و سیاست صحیح و الهی را ضروری می داند و در نسبت بین اخلاق و سیاست اصالت را برای اخلاق قائل است، چرا که تزکیه را مقدم بر همه چیز می داند. البته اصالت اخلاق بر سیاست بمنزله بی ارزش بودن سیاست نیست چون امام با قدرت و سیاست را یک کمال می داند و معتقد است این

کمال باید در دست انسان مهذب قرار گیرد. از نظر امام رحمة الله علیه دولت

و حاکم اسلامی در چارچوب قانون و صلاح امت اسلامی اعمال حاکمیت می کنند، در واقع حاکمان و دولتمردان در حکومت اسلامی، فرمانروای مطلق شهروندان نیستند، بلکه وکلا و نمایندگان مردم اند در امر حکومت، از این رو دولت اسلامی موظف است قدرت سیاسی را در راستای اشاعه باورهای دینی و

تعالیم مکتبی و تأمین منافع و مصالح جامعه به کار گیرد.

ص: 95





حضرت امام خمینی رحمة الله عليه تشکیل حکومت اسلامی را بر اساس ماهیت قوانین اسلام، سنت و سیره پیامبر و امیرالمؤمنان و ضرورت استمرار اجرای احکام، در زمان غیبت امام زمان (عج) ضروری می داند و معتقد است که حکومت اسلامی علاوه بر مشروعیت الهی باید از مقبولیت مردمی نیز برخوردار باشد و این را از حقوق اولیه هر ملتی می داند که شکل و نوع حکومت خود را تعیین کند. چرا که معتقد است میزان رأی ملت است و «ما بنای بر این نداریم که یک تحمیلی به ملتمان بکنیم. و اسلام به ما اجازه

نداده است که دیکتاتوری بکنیم. ما تابع آرای ملت هستیم. ملت ما هر طور رأی داد ما هم از آنها تبعیت می کنیم. ما حق نداریم. خدای تبارک و تعالی به ما حق نداده است، پیغمبر اسلام به ما حق نداده است که ما به ملتمان یک چیزی را تحمیل بکنیم» (1). بر این اساس است که حضرت امام خود را خدمتگذار ملت می داند و می گوید دولت باید خدمتگذار مردم باشد.

ص: 97

**الف - ضرورت حکومت از دیدگاه امام رحمة الله عليه**

**اشاره**

ایشان در تبیین ضرورت تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت به دلایلی، از جمله ماهیت قوانین اسلام، سنت و سیره پیامبر و امیر مؤمنان و ضرورت استمرار اجرای احکام و لزوم مؤسسات اجرایی استناد کرده اند.

**1- ماهیت و کیفیت قوانین اسلام**

ماهیت و کیفیت قوانین اسلام بیانگر آن است که این قوانین برای تکوین یک دولت و برای اداره سیاسی اقتصادی و فرهنگی جامعه تشریح شده است:

اولاً: تنويع قوانین و مقررات که یک نظام کلی اجتماعی را می سازد از مقررات حقوقی معاشرت با همسایه و اولاد عشیره و قوم ... امور خصوصی و زندگی زناشویی تا مقررات مربوط به جنگ و صلح و مرادده با سایر ملل تا قوانین جزئی تجارت و صنعت کشاورزی ... برای همه به این مراحل دستور و قانون

دارد تا انسان تربیت کند معلوم است که اسلام تا چه حد به حکومت و روابط سیاسی و اقتصادی جامعه اهتمام می ورزد.

ثانیا: با دقت در احکام شرع و ماهیت و کیفیت آن در می یابیم که اجرای آن و عمل به آنها مستلزم تشکیل حکومت است و بدون تاسیس یک دستگاه

عظیم و پهناور اجرا و اداره نمی توان به وظیفه اجرای احکام الهی عمل کرد(1).

## 2 - سیره پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و امیر مؤمنان علیه السلام

سنت و رویه پیامبر نیز دلیل بر ضرورت تشکیل حکومت است چرا که:

اولا: خود پیامبر صلی الله علیه و آله تشکیل حکومت داد و تاریخ گواهی میدهد که تشکیل حکومت داده و به اجرای قوانین و برقراری نظامات

اسلام پرداخته و به اداره جامعه برخاسته است معاهده و پیمان می بسته جنگ را فرماندهی می کرد و خلاصه احکام حکومتی را به جریان می انداخته است(2).

ثانیا: برای پس از خود به فرمان تعیین حاکم کرده است وقتی خداوند متعال برای جامعه پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تعیین حاکم می کند به این معنا است که حکومت پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله با وصیت خویش فرمان الهی را ابلاغ

ص: 99

---

1- امام خمینی، ولایت فقیه، تهران، بنیاد بعثت، 1361، ص 29 - 30.

2- همان، ص 26.

می نماید ضرورت تشکیل حکومت را نیز می رساند(1).

### 3- ضرورت استمرار اجرای احکام

از نظر امام رحمة الله عليه ضرورت اجرای احکام نیز مستلزم تشکیل حکومت است و این محدود به زمان پیامبر نبوده و پس از رحلت ایشان نیز ادامه دارد. بنابراین، احکام و قوانین اسلام تعطیل پذیر نیست و منحصر و محدود به زمان و مکان خاص نمی باشد. بدین سان با توجه به ضرورت ابدی اجرای احکام، تشکیل حکومت نیز ضرورت می یابد. «احکام اسلامی اعم از قوانین اقتصادی و سیاسی و حقوقی تا روز قیامت باقی و لازم الاجراست. هیچ یک از احکام الهی نسخ نشده، از بین نرفته است. این بقا و دوام همیشگی احکام، نظامی را ایجاد می کند که اعتبار و سیادت این احکام را تضمین کرده عهده دار اجرای آنها شود، چه اجرای احکام الهی جز از رهگذر بر پایی حکومت اسلامی امکان پذیر نیست، در غیر این صورت جامعه مسلما به سوی هرج و مرج رفته، اختلال و بی نظمی بر همه امور آن مستولی خواهد شد»(2).

ص: 100

1- همان، ص 26.

2- امام خمینی، شئون و اختیارات ولی فقیه، (تهران، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، 1365)، ص 23.

به هر حال چون اجرای احکام پس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و تا ابد ضرورت دارد تشکیل حکومت نیز یک وظیفه دایمی است، زیرا ممکن نیست بگوییم دیگر امروز دفاع از ثغور و حدود تمامیت ارضی وطن اسلامی لازم نیست. ماهیت این قوانین نشان می دهد که برای تکوین یک دولت و برای اداره سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جامعه تشریح شده است (1).

امام خمینی رحمه الله علیه علاوه بر موارد مذکور به «لزوم وحدت اسلامی» و «نجات مردم مظلوم و محروم» به عنوان برخی دیگر از دلایل ضرورت تشکیل حکومت اشاره کرده اند و در ادامه به دلیل «روایی» لزوم حکومت تمسک نموده اند.

## ب- منشأ مشروعیت حکومت و حاکمیت از دیدگاه امام رحمه الله علیه

### اشاره

پس از پذیرش ضرورت تاسیس حکومت، نخستین سئوالی که درباره آن حکومت مطرح می شود این است که منشأ حکومت و حاکمیت و مبنای مشروعیت قدرت آن حکومت چیست؟

ص: 101

مشروعیت در فلسفه سیاست مفهوم اصطلاحی دارد که به معنای قانونی بودن است، اما معنای لغوی آن از ماده شرع به معنای دینی بودن است که نباید آن را آنچه به صورت اصطلاحی در فلسفه سیاست به کار برده می شود خلط کرد.

مشروعیت بمعنای حقانیت است و میان حقانیت با وظیفه مند شدن مردم در اطاعت تلازم وجود دارد، زیرا وقتی حاکم حق دارد فرمان بدهد، معنایش آن است که مردم وظیفه دارند به فرمان او عمل کنند. مشروعیت عامل توجیه کننده اعمال قدرت از سوی حکومت بر فرد و جامعه است. مشروعیت با دو

عنصر دخیل در حکومت قوام می یابد: (1) حق حکومت برای حاکمان (2) پذیرش این حق از سوی مردم

## انواع مشروعیت

### اشاره

ماکس وبر معتقد سه نوع سلطه مشروع وجود دارد:

(1) سلطه قانونی که سرشت اخلاقی دارد. مبنای آن براعتقاد به قانونی بودن مقرراتی است که به شیوه عقلانی وضع گردیده اند، و بر مشروعیت رهبرانی است که مطابق قانون

تعیین شده اند؛

2) سلطه سنتی است که مبنایش اعتقاد بر قداست سنت های موجود و بر مشروعیت کسانی است که به موجب رسوم جاری به قدرت رسیده اند.

3) سلطه کاریزماتیک است که مبنای آن بر اعتقاد افراد بر ارزش های شخصی یک مرد است که از قداست، تهور یا تجربیاتش مایه می گیرد.

سلطه قانونی غیر شخصی ترین نوع سلطه است. سلطه سنتی بر پارسایی و پرهیزکاری رهبری مبتنی است. سلطه کاریزماتیک از مراتب استثنائی است.

سلطه قانونی با ویژگی های زیر شناخته می شود:

هر حقوقی خواه قراردادی باشد یا اعطایی به موجب راه و رسمی عقلانی معطوف به هدف یا ارزش یا هر دو اعتبار دارد...

رهبر قانونی یا مراجع عالی ترین، از جمله رئیس جمهور منتخب مکلف به رعایت مراتب غیر شخصی حقوق و عمل در چارچوب آن هستند. اعضای گروه، که «شهروند» نامیده می شوند، تنها در چارچوب پیش بینی شده توسط قانون مکلف به اطاعت هستند.

ص: 103



در حالت سلطه سنتی، اقتدار از آن مافوقی که از سوی شهروندان انتخاب شده باشد نیست، بلکه از آن مردمی است که به موجب رسمی فرزند ارشد، مسن ترین عضو خانواده برای در اختیار گرفتن قدرت دعوت می شود، لذا او به نام شخص خودش فرمانروائی می کند و اطاعت از شخص او به عمل می آید و جنبه یک عمل تعبدی را پیدا می کند.

سلطه کراماتی یا کاریزماتیک نمونه یا نوع استثنای قدرت سیاسی است، نه از لحاظ کم یابی آن، بلکه از لحاظ این که راه و رسم زندگی عادی سیاسی را به انحراف می کشاند. هر سلطه کاریزمایی ملازم خود سپاری توده مردم به شخص رهبر است که گمان می کند برای انجام دادن رسالت دعوت شده است. بنابراین، مبنایش عاطفی است نه عقلانی. (1)

در بررسی دیدگاه امام خمینی رحمه الله علیه در خصوص منشأ مشروعیت قدرت سیاسی به نظر می رسد ایشان اعتقاد به مشروعیت الهی همراه با مقبولیت مردمی داشتند:

1- مشروعیت دینی (الهی) 2- مقبولیت مردمی

ص: 104

---

1- ر.ک: جامعه شناسی سیاسی ماکس وبر، ترجمه عبدالحسین نیک کهر، ص 220-244

امام در مواضع متعددی به مبنای مشروعیت الهی تصریح کرده اند از جمله در کتاب کشف الاسرار در این باره می نویسد:

«کسی جز خدا حق حکومت بر کسی ندارد و حق قانونگذاری نیز ندارد. و خدا به حکم عقل باید خود برای مردم حکومت تشکیل دهد و قانون وضع کند. اما قانون همان قوانین اسلام است که وضع کرده و پس از این ثابت میکنیم که این قانون برای همه و برای همیشه است»  
(1).

و در کتاب ولایت فقیه در این باره می نویسد:

«حاکمیت اسلامی حکومت قانون است. حاکمیت منحصر به خداست و قانون فرمان و حکم خداست. قانون اسلام یا فرمان خدا بر همه افراد و دولت اسلامی حکومت تام دارد. همه افراد از رسول اکرم گرفته تا خلفای آن حضرت و همه افراد تا ابد باید تابع قانون باشند. اگر رسول اکرم خلافت را عهده دار شد، به امر خدا بود، خدای تبارک و تعالی آن حضرت را خلیفه قرار داده است، بعد از آن هم خدای متعالی از راه وحی رسول اکرم صلی الله علیه و آله را الزام کرد که فوراً وسط بیابان، امر

ص: 105

خلافت را ابلاغ کند تبعیت از رسول اکرم صلی الله علیه و آله به حکم خدا است ... پیروی از متصدیان حکومت یا اولی الامر نیز به حکم الهی است، آن جا که می فرماید: **أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ**. (1).

این بیانات لزوم مشروعیت قانون و مجری حکومت را از جانب خداوند و پروردگار عالم می داند، اگر چه در جمله دیگر به عمومیت حکم اشاره دارد. امام خمینی در سالهای پس از پیروزی انقلاب هم در بیاناتشان به مشروعیت الهی حکومت اشاره کرده اند:

«اگر چنان چه فقیه در کار نباشد ولایت فقیه در کار نباشد، طاغوت است، یا خدا یا طاغوت، یا خداست یا طاغوت. اگر با امر خدا نباشد رئیس جمهور با نصب فقیه نباشد، غیر مشروع است، وقتی غیر مشروع شد طاغوت است، اطاعت او اطاعت طاغوت است، وارد شدن در حوزه او، وارد شدن در حوزه طاغوت است. طاغوت وقتی از بین می رود که به امر خدای تبارک و تعالی یک کسی نصب بشود» (2).

بر اساس بیان فوق، حکومت و تمامی نهادهای آن به واسطه ولی فقیه شرعی می شوند. از این رو، فردی که توسط رأی

ص: 106

---

1- ولایت فقیه یا حکومت اسلامی، ص 44 - 45.

2- صحیفه امام، ج 10، ص 221.

و نظر همه مردم انتخاب شده باشد، در صورت عدم نصب فقیه حکومتش غیر مشروع باشد و اطاعت مردمی که به فرامین او گردن می نهند، اطاعت از طاغوت محسوب می شود. ایشان در تنفیذ حکم نخست وزیری مهندس بازرگان چنین فرمودند:

«این دولتی که تعیین شده است و به ولایت شرعی تعیین شده است و یک حکومت شرعی است، نه فقط حکومت قانونی باشد، یعنی حکومت شرعی لازم الاتباع، همه کس واجب است بر او که از این حکومت اتباع کند،... ما هم ایشان را حکومت شرعیه دادیم و حکومت قانونی هم که هست بنابراین واجب الاتباع است.»<sup>(1)</sup>

هم چنین در تنفیذ حکم ریاست جمهوری شهید رجائی به مبنای مشروعیت ولی فقیه اشاره کرده و می فرماید:

«و چون مشروعیت آن باید با نصب فقیه ولی امر باشد، این جانب رأی ملت شریف را تنفیذ و ایشان را به سمت ریاست جمهوری اسلامی ایران منصوب نمودم»<sup>(2)</sup>.

بدین ترتیب، براساس آن چه ذکر شد، می توان گفت که امام خمینی در تبیین منشأ مشروعیت حکومت به مشروعیت الهی قائل بودند.

ص: 107

---

1- همان، ج 6، ص 69.

2- همان، ج 15، ص 67.

**الف) آراء مستقیم مردم**

حضرت امام رحمة الله عليه در موارد متعددی نیز به لزوم پیروی از آرای مردم و عدم جواز تحمیل بر مردم اشاره می کنند ایشان اگر چه مشروعیت نظام رامنبعث از مشروعیت الهی می داند، ولی مقبولیت مردمی را نیز ضروری می داند:

«حقوق اولیه هر ملتی است که باید سرنوشت و تعیین شکل و نوع حکومت خود را در دست داشته باشد.» (1)

«ما خواهان استقرار یک جمهوری اسلامی هستیم و آن حکومتی است متکی به آرای عمومی، شکل نهایی حکومت با توجه به شرایط و مقتضیات کنونی جامعه ما توسط خود مردم تعیین خواهد شد...» (2).

«حکومت اسلامی ... حکومت ملی است حکومت مستند به قانون الهی و به آرای ملت هست. این طور نیست که با قلدری آمده باشد که بخواهد حفظ کند خودش را، با آرای ملت می آید و ملت او را حفظ می کند و هر روزی هم که بر خلاف آرای ملت عمل

ص: 108

---

1- همان، ج 4، ص 367.

2- همان، ج 4، ص 248.

بکنند... قهرا ساقط است و دولت ایران هم ملت ایران هم او را کنارش می گذارند.»(1)

امام در جای دیگر، حکومت را تابع رأی ملت می دانند:

«میزان رأی ملت است»(2)، «ما بنای بر این نداریم که یک تحمیلی به ملتمان بکنیم. و اسلام به ما اجازه نداده است که دیکتاتوری بکنیم. ما تابع آرای ملت هستیم. ملت ما هر طور رأی داد، ما هم از آنها تبعیت می کنیم. ما حق نداریم، خدای تبارک و تعالی به ما حق نداده است، پیغمبر اسلام به ما حق نداده است که ما به ملتمان یک چیزی را تحمیل بکنیم»(3)

و در جای دیگر می فرمایند:

«اولاً: متکی به آرای ملت باشد، به گونه ای که تمامی آحاد ملت در انتخاب فرد و یا افرادی که باید مسئولیت و زمام امور را در دست بگیرند، شرکت داشته باشند... در این حکومت به طور قطع باید زمامداران امور دائماً با نمایندگان ملت در تصمیم گیری ها مشورت کنند و اگر نمایندگان موافقت نکنند، نمی توانند به تنهایی تصمیم گیرنده باشند»(4).

ص: 109

---

1- همان، ج 5، ص 213 - 214.

2- همان، ج 8، ص 173.

3- همان، ج 11، ص 34.

4- همان، ج 5، ص 436.

امام رحمة الله عليه در آخرین روزهای حیات خود، طی نامه ای به شورای بازنگری قانون اساسی تصریح کردند که:

«اگر مردم به خبرگان رأی دادند تا مجتهد عادل را برای رهبری حکومتشان تعیین کنند، وقتی آنها هم فردی را تعیین کردند تا رهبری را به عهده بگیرد، قهری او مورد قبول مردم است، در این صورت او ولی منتخب مردم می شود و حکمش نافذ است» (1)

از این تعبیرها به خوبی بر می آید که ایشان مشروعیت مردمی را نیز پذیرفته است. ایشان در جای دیگر می فرمایند:

«انتخابات در انحصار هیچ کس نیست، نه در انحصار روحانیین است، نه در انحصار احزاب است، نه در انحصار گروه هاست، انتخابات مال همه مردم است،

مردم سرنوشت خودشان، دست خودشان است و انتخابات برای تأثیر سرنوشت شما ملت است...» (2).

«مردم در انتخابات آزادند و احتیاج به قیم ندارند و هیچ فرد و یا گروه و دسته ای حق تحمیل فرد و یا افرادی را به مردم ندارند. جامعه اسلامی ایران که با درایت و رشد سیاسی خود، جمهوری اسلامی و ارزش های والای آن و حاکمیت قوانین خدا را

ص: 110

---

1- همان، ج 21، ص 371.

2- همان، ج 18، ص 367.

پذیرفته اند و به این بیعت و پیمان بزرگ وفادار مانده اند مسلم قدرت تشخیص و انتخاب کاندیدای اصلح را دارند»(1).

از مجموع بیانات و اندیشه های امام و رویه ای که در دوران رهبری داشتند به دست می آید که ایشان علاوه بر اینکه به مشروعیت الهی و انتصابی بودن معتقد بودند مقبولیت مردمی رانیز ضروری می دانستند. چرا که از نظر ایشان بین مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی هیچ تعارضی وجود ندارد.

## **ب - خبرگان رهبری**

جایگاه خبرگان رهبری در قانون اساسی در واقع بیانگر نقش غیر مستقیم مردم در تعیین رهبری است. خبرگان رهبری نمایندگان مردم هستند. طبق قانون اساسی به آنها اختیار داده شده است تا رهبر یا شورای رهبری را از بین علمای دین برای ملت برگزینند.

امام در پیامی به مناسبت افتتاح مجلس خبرگان فرمودند:

«بر حسب اصل یک صد و هفتم قانون اساسی

ص: 111

---

1- همان، ج 21، ص 10.



جمهوری اسلامی مجلس مبارک خیرگان که به وسیله آرای ملت عظیم الشان ایران، شماری از علمای اعلام و حجج اسلام - ادام الله بقائهم - برای تعیین رهبر یا شورای رهبری انتخاب شده اند مفتوح گردید، مجلسی

که برای ادامه نظام جمهوری اسلامی و شرعیت بخشیدن به آن نقش اساسی دارد»(1).

در این پیام ایشان با استناد به قانون اساسی که با رأی مردم گذاشته شده است، مجلس خیرگان را قانونی قلمداد می کنند و وظیفه آن را عبارت از مشروعیت بخشیدن به نظام جمهوری اسلامی می دانند. این جمله مبین این است که مجلس خیرگان، به دلیل قانونی بودنش می تواند رهبر و حاکم اسلامی را برگزیند و چون قانون اساسی و انتخاب خیرگان رهبری به رأی مستقیم مردم صورت گرفته است، علمکرد آنان مشروعیت مدنی دارد.

همانطور که قبلاً نیز اشاره شد امام رحمة الله علیه در آخرین نامه اش اینگونه می نگارند:

« اگر مردم به خیرگان رأی دادند تا مجتهد عادل را برای رهبری حکومتشان تعیین کنند، وقتی آنها هم فردی را تعیین کردند تا رهبری را به عهده بگیرد، قهری او مورد قبول مردم است در این صورت او

ص: 112

ولی منتخب مردم می شود و حکمش نافذ است» (1).

امام رحمة الله عليه در مورد حق انتقاد مردم از زمامداران می فرماید:

«هر فردی از افراد ملت حق دارد که مستقیماً در برابر سایرین، زمام دار مسلمین را استیضاح کند و به او انتقاد کند و او باید جواب قانع کننده بدهد و در غیر اینصورت، اگر برخلاف وظایف اسلامی خود عمل کرده باشد خود بخود از مقام زمام داری معزول است». (2)

## 2- آزادی از دیدگاه امام خمینی رحمة الله عليه

### اشاره

اگر انقلاب اسلامی را پاسخی به تداوم بحران مشروعیت نشئت گرفته از انقلاب مشروعیت بدانیم، باید جایگاه آزادی را در اندیشه نظریه پرداز و قائد بزرگ آن تبیین کنیم.

دیدگاه حضرت امام رحمة الله عليه در مورد آزادی را می توان در سه سطح ارزیابی کرد:

الف - در سطح نظریه پردازی ایشان در کتاب ولایت فقیه و بیع.

ص: 113

---

1- همان، ج 21، ص 371.

2- همان، ج 5، ص 409.

ب - در سطح نظریات ایشان در مواضع، سخنرانی‌ها و دیدارهای عمومی.

ج - در سطح اندیشه مفسران آرای حضرت امام رحمة الله علیه .

در سطح نظریه پردازی ولایت فقیه آزادی مورد نظر امام ذیل مفهوم مثبت از آزادی قرار می‌گیرد، یعنی آزادی غایت مند، چون سیاست از نظر امام به معنای استصلاحی آن مدنظر است و مراد، حرکت الی الله و ایصال مطلوب است، لذا باید گفت که آزادی از نظر امام با اندیشه مدرن آزادی متمایز است و این تمایز منبعت از التزام به دیانت اسلام است. اما این به معنای نادیده

انگاشتن آزادی‌های سیاسی و اجتماعی نیست، زیرا امام در دروس ولایت فقیه شدیداً به فقدان آزادی بیان، قلم، آزادی‌های سیاسی و اجتماعی معترض است و اگر قانون اساسی را به عنوان میراث جاودانه امام تلقی کنیم، توجه به آزادی‌ها و حقوق ملت از جایگاهی برجسته برخوردار است.

از آن جا که در نظریه پردازی عصر غیبت در اندیشه شیعی چندان توجهی به وضع موجود نبود، تحقق وضع مطلوب را از چشم انداز فلسفه تاریخ تحلیل می‌کردند شاید برای اولین بار علامه نائینی ضرورت توجه به حقوق سیاسی و اجتماعی و نظارت بر قدرت و امحای استبداد را با تاکید بر نقش اجتماعی

ص: 114

و سیاسی مردم مورد تاکید قرار داد بعد از علامه نائینی حضرت امام با طرح نظریه ولایت فقیه ضمن تاکید بر حاکمیت علما در عصر غیبت، نظریه حکومت اسلامی را در عرصه عمل تجلی و تحقق بخشید، و صرف نظر از دو تعبیر متعارف «نصب» و «انتخاب» توجه به ابعاد سیاسی و اجتماعی در حوزه شهروندی یا به عبارت دیگر نسبت حق و تکلیف را مورد تاکید قرار داد اما آزادی در این «نظام جدید اجتماعی ایران نظامی است اسلامی، ولی نظامی است که مردم با انتخاب و اختیار و گزینش خودشان آن را انتخاب کردند»<sup>(1)</sup> دارای ویژگی های ذیل است:

1- حضرت امام اصل آزادی ئی را می پذیرند که متن اجتماعی این آزادی مبتنی بر بنیادهای اسلام است.

2- حضرت امام تمیز بین آزادی با فساد و فحشا، هرج و مرج و توطئه را بارها مورد تاکید قرار دادند.

3- امام خمینی رحمة الله علیه به مصالح ملی و حفظ حکومت توجه ویژه ای داشت و همان طور که متفاوت از سایر فقیهان، گستره و حوزه اختیارات ولی فقیه را فراتر از چارچوب احکام فرعی الهیه

ص: 115

---

1- محمد حسینی بهشتی، مبانی نظری قانون اساسی (تهران، انتشارات کعبه، 1377)، ص 42 - 43.

می دانست، قطعاً محدودیت هایی را که ناظر بر مصالح جامعه، مردم و حفظ ثبات نظام اجتماعی و سیاسی بود، می پذیرفت این نوع محدودیت ها قطع نظر از میزان شدت و ضعف در اکثر جوامع به کار گرفته می شود از جمله جوامع غربی.

در کنار مباحث نظری آزادی باید از شاخص های عینی نیز بهره جست تا با آن بتوانیم تعاریف نظری را وضوح بیشتری ببخشیم. شاخص ها و معیارهای عینی که امروزه برای آزادی مطرح می باشد عبارت انداز:

1- وجود مطبوعات آزاد و آزادی بیان

2- پذیرش وجوب احزاب و یا جناح های مختلف فکری

3- پذیرش وجود انتقاد جامعه

4- عدم اجبار در اقدام های سیاسی نظیر رأی دادن و انتخاب نماینده

5- قبول وجود آزادی شغل انتخاب محل سکونت و نوع زندگی

6- اعتماد به مردم و شایسته دانستن آنان

حال اشاره مختصری به بیانات حضرت امام رحمة الله علیه پیرامون موضوعات فوق در طول دوران حیاتش خواهیم داشت:

ص: 116

## الف - امام و آزادی بیان عقیده و افکار

مفهوم آزادی بدو و قبل از هر چیز شامل همین نوع از آزادی است یعنی هر شنونده ای در جامعه جدید وقتی کلمه آزادی را می شنود قبل از هر مفهوم دیگری آزادی بیان و عقیده به ذهن او متبادر می شود از همین رو آزادی بیان و عقیده از اساس ترین آزادی ها به شمار می رود حضرت امام به آزادی بیان و عقیده و افکار متعقدند و در عین پذیرش و اعتقاد، شرایطی را نیز برای آنها قائل اند که فراتر از محرومیت های بر شمرده قبلی نیست امام بارها تاکید می کند که «مردم عقیده شان آزاد است کسی الزامشان نمیکند که شما باید حتما این عقیده را داشته باشید (1)، اما محرومیت هایی هم چون وابسته به قدرت های خارجی بودن، آزادی توطئه (2)، فساد کاری (3) و مضر به حال ملت بودن را برای آزادی بیان و عقیده بر می شمارد.

## ب - امام خمینی و آزادی مطبوعات

امام خمینی برای مطبوعات و رسانه ها نقشی مهم در تعلیم

ص: 117

---

1- صحیفه امام، ج 10، ص 94.

2- همان، ج 5، ص 139.

3- همان، ج 10، ص 92.

و تربیت و هدایت در نشر جامعه قائل هستند و از آزادی مطبوعات جانب داری می کنند اما آزادی این مطبوعات به طوری که در قانون اساسی هم ذکر شده است (اصل 24) نباید مخل به مبنای اسلام باشد و یا به مقدسات توهین کند و یا توطئه، دروغ تهمت و شایعه بپراکند. اما بنابر تفسیر ارگانیکی که از دولت دارد به نقش هدایتی رسانه ها در جهت رشد و صلاح کشور اشاره می کند.

(به طور کلی در هر کشوری مطبوعات آن کشور و تلویزیون و رادیوی آن کشور باید در مسیر آن ملت و در خدمت ملت باشد مطبوعات باید ببیند که ملت چه می خواهد مسیر ملت چیست. روشنگری در آن طریق داشته باشند و مردم را هدایت کنند. اگر مطبوعاتی پیدا شد که مسیر آنها بر خلاف مسیر ملت است، راهی که آنها می روند غیر از راهی است که ملت می رود... واگر

خدای نخواست در نوشتن و ننوشتن، نوشتن مقالات انحرافی و ننوشتن مقالاتی که در مسیر ملت است این نحو عمل بکنند این به نظر می آید که توطئه در کار باشد این غیر از آزادی مطبوعات است» (1).

### **ج - آزادی عمل یا آزادی سیاسی از دیدگاه امام رحمة الله علیه**

در اندیشه امام خمینی رحمة الله علیه می توان جهت مطلوب آزادی

ص: 118

---

1- همان، ج 7، ص 535.

عمل یا آزادی سیاسی را خداوند متعال و نفی میل گرایی لیبرالیسم غربی دانست:

«این آزادی غربی است که هرکس هرکاری دلش می خواهد بکند ولو این که فحشا باشد ولو این که یک کارهایی باشد ناشایسته این طور آزادی در ایران نمی تواند باشد»<sup>(1)</sup>.

امام رحمة الله علیه با تمام علاقه ای که به آزادی و حتی استقلال این مرزوبوم داشتند و رنج و سختی که در جهت تحقق این دو موهبت الهی بر خود هموار کردند اسلام را هدف و غایت اصلی خود معرفی می فرمایند:

«مسیر ما اسلام است، ما اسلام می خواهیم. ما آزادی که اسلام تو {ی} آن نباشد نمی خواهیم. ما اسلام می خواهیم. آزادی که در پناه اسلام است، استقلال که در پناه اسلام است ما می خواهیم. ما آزادی و استقلال بی اسلام به چه دردمان

می خورد؟»<sup>(2)</sup>.

اگر چه حضرت امام رحمة الله علیه آزادی صرف را ارزش نمایی نداشته ولی در قالب عبارت های مختلف در طول حیات سیاسی

ص: 119

---

1- همان، ج 7، ص 536.

2- همان، ص 459.



خود به تشریح جایگاه و منزلت آزادی در اسلام پرداخته و با عناوینی از قبیل «حق طبیعی»، «موهبت الهی»، «هدیه الهی»، «امانت خدا» و ... از آن یاد کرده اند:

«اسلام بیش از هر دینی و بیش از هر مسلکی به اقلیت های مذهبی آزادی داده است آنان نیز باید از حقوق طبیعی خودشان که خداوند برای همه انسانها قرار داده است بهره مند شوند»<sup>(1)</sup>.

«استقلال و آزادی دو تا چیزی است که همه بشر، از حقوق اولیه بشر است و همه بشر این را مطالب هستند»<sup>(2)</sup>.

«این آزادی که خدا به ماعنایت فرموده است و یک هدیه الهی است»<sup>(3)</sup>. «آزادی یک نعمت بزرگ الهی است، آیا در این موقع که آزاد هستیم، ببینیم که از این آزادی آیا سوء استفاده می کنیم با استفاده مشروع؟ آزادی یک امانت الهی است که خداوند نصیب ما کرده»<sup>(4)</sup>.

«اسلام انسان را آزاد خلق کرده است و انسان را مسلط بر خودش و بر مالش و بر جانش و بر نوامیسش خلق فرموده است، امر فرموده است، مسلط است انسان، آزاد است انسان، هر انسانی در مسکن آزاد است ... در مشی آزاد

ص: 120

---

1- همان، ج 4، ص 363 - 364.

2- همان، ج 5، ص 43.

3- همان، ج 18، ص 120.

4- همان، ج 8، ص 37.

است» (1).

«یکی از بنیادهای اسلام، آزادی است .... فطرتاً یک انسان آزاد شده است» (2).

«و این ملت - هر ملتی - حق دارد خودش تعیین کند سرنوشت خودش را. این از حقوق بشر است که در اعلامیه حقوق بشر هم هست. هرکسی هر ملتی خودش باید تعیین سرنوشت خودش را بکند» (3).

«قانون اسلام مسبب آزادی‌ها و دموکراسی حقیقی است و استقلال کشور را نیز تضمین می‌کند» (4).

«ما ارزش حیات را به آزادی و استقلال می‌دانیم» (5).

«مملکت متمدن، آن است که آزاد باشد، مطبوعاتش آزاد باشد، مردم آزاد باشند در اظهار عقاید و رأی‌شان» (6).

علاوه بر توجه به جهت آزادی و جایگاه و منزلت آن در اسلام، از گفته‌ها و نوشته‌های حضرت امام رحمة الله علیه انواع آزادی، از آزادی‌های مصطلح تا آزادی‌های متعالی قابل استخراج است.

ص: 121

---

1- همان، ج 1، ص 286 - 287.

2- همان، ج 4، ص 242.

3- همان، ج 3، ص 503.

4- همان، ج 5، ص 432.

5- همان، ج 6، ص 219.

6- همان، ج 5، ص 33.

امام علاوه بر تاکید بر آزادی قلم و مطبوعات، آزادی عقیده و بیان، آزادی رأی و انتخابات، آزادی تعیین سرنوشت، آزادی احزاب، آزادی تجمع های سیاسی و مذهبی، آزادی فرهنگی، آزادی اقلیت های مذهبی ... به دو آزادی دیگر یعنی آزادی بزرگ تر که شهادت است و بیانگر انسان شناسی الهی ایشان در

برابر انسان شناسی در برابر انسان شناسی مادی لیبرال ها است و دیگری آزادی از دخالت بیگانگان (آزادی اجتماعی به معنی استقلال) است. حضرت امام رحمة الله علیه در بیانات خود به محدود آزادی در پرتو قانون اسلامی اشاره می کنند:

«در هر مملکتی آزادی در حدود قانون است. در حدود قوانین آن مملکت است. مردم آزاد نیستند که قانون را بشکنند... آزادی در حدود قوانین یک مملکت است. مملکت ایران مملکت اسلامی است و قوانین ایران قوانین اسلام است» (1).

«آزادی در حدود قانون باید باشد. قوانین اسلام را باید ملاحظه کرد، در چارچوب قوانین اسلام، در چارچوب قانون اساسی، بیان آزاد و بحث آزاد» (2).

ص: 122

---

1- همان، ج 7، ص 535.

2- همان، ص 536.

### 3- دموکراسی از دیدگاه حضرت امام رحمة الله عليه

حضرت امام رحمة الله عليه در جاهای مختلف و عمدتاً در پاسخ به خبرنگاران خارجی از دموکراسی یا مضمون آن در قالب های دیگر استفاده کرده اند که با کمی تامل می توان معنای مورد نظر حضرت امام را استنباط کرد:

«با قیام انقلابی ملت، شاه خواهد رفت و حکومت دموکراسی و جمهوری اسلامی برقرار می شود»<sup>(1)</sup>.

«ما خواهان استقرار یک جمهوری اسلامی هستیم و آن حکومتی است متکی به آرای عمومی، شکل نهایی حکومت با توجه به شرایط و مقتضیات کنونی جامعه ما توسط خود مردم تعیین خواهد شد»<sup>(2)</sup>.

«ما می گوئیم که دموکراسی نیست ممالک شما، استبداد با صورت های مختلف، رئیس جمهوریهایتان هم مستبدند به صورت های مختلف، منتها اسم ها خیلی زیاد است، الفاظ خیلی زیاد است، محتوا ندارد»<sup>(3)</sup>.

«رژیمی که به جای رژیم ظالمانه شاه خواهد نشست، رژیم عادلانه ای است که شبیه آن رژیم در

ص: 123

---

1- همان، ج 4، ص 244.

2- همان، ص 248.

3- همان، ص 327.

دموکراسی غرب نیست و پیدا نخواهد شد. ممکن است دموکراسی مطلوب ما با دموکراسی هایی که در غرب هست، مشابه باشد. اما آن دموکراسی ای که ما می خواهیم به وجود آوریم، در غرب وجود ندارد. دموکراسی اسلام کامل تر از دموکراسی غرب است» (1).

«حکومت جمهوری اسلامی مورد نظر ما از رویه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امام علی علیه السلام الهام خواهد گرفت و متکی به آرای عمومی ملت خواهد بود و شکل حکومت با مراجعه به آرای ملت تعیین خواهد گردید (2). «به پاداشتن حکومت جمهوری اسلامی مبتنی بر ضوابط اسلام، متکی به آرای ملت» (3)

«اما جمهوری، به همان معنایی است که همه جا جمهوری است. لکن این جمهوری بر یک قانون اساسی ای متکی است که قانون اسلام است. این که ما

جمهوری اسلامی می گوئیم برای این است که هم شرایط منتخب و هم احکامی که در ایران جاری می شود، این ها بر اسلام متکی است. لکن انتخاب با ملت است و طرز جمهوری هم همان جمهوری است که

ص: 124

---

1- همان، ص 314،

2- همان، ص 334.

3- همان، ص 349.

«برنامه ما این است که رجوع کنیم به آرای عمومی، به آرای مردم... قهرا مردم وقتی آزاد هستند، یک نفر صالح را انتخاب می کنند و آرای عمومی نمی شود خطا بکند. یک وقت یکی می خواهد یک کاری بکند، اشتباه می کند، یک وقت یک مملکت سی میلیونی نمی شود اشتباه بکند... قهرا وقتی که یک ملتی می خواهد یک کسی را برای سرنوشت مملکت خودش تعیین کند، این یک آدم صحیح را تعیین می کند، نه یک آدم فاسدی را و قهرا اشتباه در سی میلیون جمعیت نخواهد شد» (2).

«شکل دولت ها چندان اهمیت حیاتی در حفظ دموکراسی و تامین هر چه بیشتر آرمان های انسانی ملت ندارد، هر چند که بعضی از آنها نسبت به اشکال دیگر ترجیح دارد، ولی آن چه مهم است ضوابطی است که در افرادی که برای قبول مسئولیت ها انتخاب می شوند، باید رعایت شود و نیز ضوابطی که عمل و رعایت آنها باید برای دولت ها غیر قابل اجتناب شناخته شود، که اگر این ضوابط و معیارها که در اسلام بر آنها تاکید شده است دقیقاً رعایت شود به وجود آمدن جامعه ای مترقی و پیشرو را می توان جداً

ص: 125

---

1- همان، ج 4، ص 479.

2- همان، ج 5، ص 322 - 323.

امیدوار بود و همین مسئله مهم است که امروز در دنیا مورد توجه نیست و ما با تکیه بر اسلام می خواهیم به یاری خدای تعالی حقیقتی خیره کننده را به دنیا معرفی کنیم» (1).

«حکومت اسلامی، حکومتی است. بر پایه قوانین اسلامی، در حکومت اسلامی، استقلال کامل حفظ می شود. ما خواستار جمهوری اسلامی هستیم. جمهوری، فرم و شکل حکومت را تشکیل می دهد و اسلامی، یعنی محتوای آن فرم، قوانین الهی است» (2).

«اسلام در رابطه بین دولت و زمامدار و ملت ضوابطی و حدودی معین کرده است و برای هر یک بر دیگری حقوقی تعیین نموده است که در صورت رعایت

آن هرگز چنین رابطه ای یعنی رابطه مسلط و زیر سلطه به وجود نمی آید. اساساً حکومت کردن و زمام داری در اسلام یک تکلیف و وظیفه الهی است که یک فرد در مقام حکومت و زمام داری، گذشته از وظایفی که بر همه مسلمین واجب است، یک سلسله تکالیف سنگین دیگری نیز بر عهده اوست که باید انجام دهد. حکومت و زمام داری در دست فرد یا افراد، وسیله فخر و بزرگی بر دیگران نیست که از این مقام بخواهد به نفع خود حقوق ملتی را پایمال کند. هر فردی از افراد ملت حق

ص: 126

---

1- همان، ج 5، ص 334،

2- همان، ص 398.

دارد که مستقیماً در برابر سایرین، زمام دار مسلمین را استیضاح کند و به او انتقاد کند و او باید جواب قانع کننده بدهد(1).

«قانون اسلام مسبب آزادی‌ها و دموکراسی حقیقی است و استقلال کشور را نیز تضمین می‌کند»(2).

«مجلس مؤسسان اگر اعتبار دارد برای این است که مجلس مبعوث از ملت است. خود ملت حق ندارد رأی بدهد، لکن وکیل ملت حق دارد؟ این چه غلطی است؟ خود من حق ندارم تصرف بکنم در مال، وکیل من حق دارد؟ خود شما حق ندارید رأی بدهید، وکیل شما حق دارد؟ وکلا برای این حق دارند که وکیل شما هستند والا چه حقی دارند. یک نفر چه حقی دارد برای 35 میلیون جمعیت رأی بدهد. پنجاه نفر، ششصد نفر چه حقی دارد برای یک ملت 35 میلیونی رأی بدهد؟ این حق برای این است که شما می‌خواهید رأی بدهید. رأی شماست، میزان رأی ملت است. ملت یک وقت خودش رأی می‌دهد. یک وقت یک عده‌ای را تعیین می‌کند که آنها رأی بدهند، آن در مرتبه دوم صحیح است و الا مرتبه اول، حق، مال خود ملت است»(3).

ص: 127

---

1- همان، ج 5، ص 409

2- همان، ص 432.

3- همان، ج 8، ص 173.



اندیشه سیاسی حضرت امام رحمة الله عليه از اندیشه سیاسی اسلام و تعالیم دینی، به ویژه تعالیم شیعی، تاثیر گرفته و در قالب الگوی آرمانی حکومت اسلامی بسیار کوتاه مدت امام اول شیعیان حضرت علی علیه السلام است.

در این تلقی حکومت و مردم نه به عنوان حاکم و محکوم، بلکه دو نهاد مسئول سرنوشت جامعه اسلامی، وظایف مشترکی دارند. دولت اسلامی به عنوان خدمت گذار، امانت دار و سرپرست امت اسلامی موظف است تا علاوه بر کار در مقوله های سیاسی اجتماعی و اقتصادی، زمینه های رشد معنوی و سعادت اخروی او را نیز فراهم کند.

اصل مسئولیت پذیری کلیه شهروندان مسلمان، روابط و حقوق متقابلی را میان دولت و ملت به وجود آورده و هر دو نهاد را متعهد و ملتزم به رعایت و اجرای آن می کند. انجام این حقوق و پای بندی بدان زمینه های همیاری، همبستگی، تفاهم و همدلی میان دولت و ملت را فراهم کرده و موجب شکوفایی و اعتلای جامعه اسلامی، شکل گیری و تحقق توسعه سیاسی، بروز

نهادهای قانونمند و استحکام نظام سیاسی می شود.

بخش سوم : تبیین مشارکت سیاسی در اندیشه سیاسی امام خمینی رحمة الله عليه

اشاره

ص: 129



منظور از مشارکت سیاسی مردم، که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز به آن تصریح شده، این است که خداوند متعال تعیین سرنوشت جمعی را به خود انسانها تفویض کرده است. یکی از آزادیهای که انسانها به حکم فطرت و عقل و شریعت دارند حق تعیین سرنوشت جمعی است. هر فرد علاوه بر اینکه می تواند سرنوشت خود را با اراده و تدبیر خود تعیین کند یک حق انتخاب، حق مشارکت و آزادی دیگری هم دارد و آن این است که با مشارکت و همسویی دیگران بتواند نقشی در تعیین سرنوشت جمعی داشته باشد، منتهی مشارکت در سرنوشت جمعی یک امر بسیط نیست و برای تعیین سرنوشت جمعی باید یک سلسله نهادها و تاسیسات اجتماعی در جامعه مدنی وجود داشته باشد تا افراد با شرکت در آن نهادها نقش کلی خود را در سرنوشت جمعیشان ایفا کنند، مثلاً برای تعیین سرنوشت جمعی در زمینه عدالت اجتماعی قوه مقننه مورد نیاز است، چه

این قوه در تحقق عدالت اجتماعی نقش اساسی دارد.

پس در تحقق عدالت اجتماعی، منظور از مشارکت آن است که مردم در انتخاب اعضای مجلس، که باید راههای رسیدن به عدالت اجتماعی را به صورت قوانین تصویب کنند، مشارکت داشته باشند.

بر اساس این تعریف، مشارکت سیاسی را به دو نوع تقسیم می توان کرد:

نوع اول: مشارکت به صورت مستقیم است، مثل مواردی که در اصل پنجاه و نهم قانون اساسی به صورت همه پرسی پیش بینی شده است. بنابراین در نوع اول مشارکت، مردم در مسائل بسیار مهم کشور مستقیماً وارد صحنه می شوند و به وسیله همه پرسی سرنوشت خود را تعیین می کنند.

نوع دوم: مشارکت غیر مستقیم است، به این صورت که مردم در تعیین و تشکیل نهادهایی که می توانند در سرنوشت آنان نقش مستقیم ایفا کنند مشارکت دارند. مثل انتخابات ریاست جمهوری، انتخابات نمایندگان مجلس شورای اسلامی، انتخابات مجلس خبرگان و غیره(1).

ص: 132

---

1- جمعی از اساتید و محققین به اهتمام علی اکبر علیخانی، مشارکت سیاسی، نشر سفیر، پائیز 1377، ص 29 - 30.

1- جایگاه مردم در اندیشه عرفانی امام

از ویژگی های مهم دیدگاه عرفانی امام خمینی بعد مردمی آن است. در توضیح این مطلب نخست باید به تلقی خوشبینانه و قدسی ایشان از انسان پرداخته شود، هم چنان که در تعریف عالم و آدم می فرمایند:

همه عالم، اسم الله است ... همه موجوداتی که در عالم هستند، نشانه ذات مقدس حق تعالی هستند. با تجلی حق تعالی، همه عالم وجود پیدا کرده است و آن تجلی حق و نور، اصل حقیقت وجود است، یعنی اسم الله است: الله نور السموات و الارض نور سماوات و ارض، خدا است؛ یعنی جلوه خدا است، یعنی نور، هرچی هست از خدا است، یعنی هر چه یک تحقیق دارد، آن نور است، هر چه ظهوری دارد، نور است... انسان، هم ظاهر است، انسان، نور است... (1).

امام رحمة الله عليه انسان را موجودی ملکوتی می دید و تلاش های این موجود را برای رسیدن به اصل خویش، رفع موانع برای

ص: 133

---

1- امام خمینی، تفسیر سوره حمد، (قم: دفتر انتشارات اسلامی، 1360) ص 98 و 103.

وصول به آن، به مجاهده و مبارزه تعبیر می کرد، لذا جهاد در نظام فکری امام، تلاشی است که انسان ملکوتی، برای رفع موانع درونی و بیرونی و حجاب هایی که او را از صعود به مبدأ نور باز می دارد، انجام می دهد. (1) از این دیدگاه اولین قدم انسان برای رهایی از نفس قیام برای خدا است و حکومت وسیله ای است که انسان را به مرتبه الهی می رساند و هدف مکتب های توحیدی آن است که مردم را از ظلمت های ماده به نور بکشند:

«مکتب های توحیدی نمی خواهند فتح کنند بلاد را، و نمی خواهند با مردم با خشونت رفتار کنند، آنها می خواهند مردم را از ظلمت های ماده به نور بکشند، به طرف خدا بکشند، توجه به خدا بدهند و لهذا تا آن جا که امکان دارد در مکتب های غیر مادی مدارا هست، خوش رفتاری هست، دعوت هست، تا آنجایی که ممکن است با دعوت، مردم را بر می گردانند به عالم نور...» (2)

«انبیاء، فتوحاتشان برای خدا است، برای توجه دادن مردم به خدا است، آنها مردمی که اسیر ماده هستند و اسیر نفس و شیطان هستند، {آنها را} می خواهند تحت

ص: 134

---

1- مجموعه مقالات سومین سمینار بررسی سیره نظری و عملی امام خمینی (س)، تهران، انتشارات جمعیت زنان جمهوری اسلامی ایران، بهار 1372) ص 168.

2- صحیفه امام، ج 9، ص 289.

تأثیر خودشان و مکتب خودشان قرار بدهند و آنها را از حزب شیطان به حزب الله وارد کنند...» (1).

«اسلام از کشورگشایی می خواهد که الله را در همه عالم نمایش بدهد، تربیت الوهیت بکند در همه عالم، تربیت انسانی بکند، انسان را برساند به آنجایی که در وهم تو ناید، آن.» (2).

در مباحث سیر و سلوک و عرفان، بسیاری از سالکان این وادی، بر این عقیده اند که کمال معرفت جز از راه انزوا، حاصل نمی شود. بیگانگی و عزلت، از خصایص چنین افرادی است و از آنها به انسانهای عادی احترام نمی گذارند، و معاشرت با عوام را مضر می دانند، هم چنین شرایط سخت سیر و سلوک موجب مردم گریزی می شود. این در حالی است که عرفان مردمی امام، در نقطه مقابل این طرز تفکر قرار دارد:

« در عرفان امام مردم پذیرای همه مدارج عرفانی بودند. امام معتقد بود که شخصیت عارف هم در این ارتباط بارور میشود...» (3) به عقیده ایشان عرفان واقعی از ارتباط با مردم شکل

ص: 135

---

1- همان، ج 8، ص 268.

2- همان، ص 436.

3- محمد علی انصاری، «امام مردم و پاسداری از ارزشهای انقلاب»، مجموعه مقالات سومین سمینار بررسی سیره نظری و عملی امام خمینی (س)، ص 156.



می‌گیرد: «امام خدمت به مردم را عرفان می‌دانست، امام درک روح مردم را عرفان می‌دانست، امام معتقد بود اگر آدم در خدمت مردم باشد آن عرفان بارورتر خواهد شد»<sup>(1)</sup>. احترام خاص ایشان به کودکان و کسانی که در سطوح پایین علمی، سیاسی و اجتماعی بودند، گویای این مطلب است و حتی شیوه اجتهادی ایشان نیز متأثر از عرفان مردمی مذکور است. و در استنباط احکام منافع مردم را بیشتر لحاظ کرده است. یکی از صاحب نظران و نزدیکان ایشان در این باره می‌گوید: «در همه قواعد اصولی و در همه قواعد فقهی، امام در جوهره ذاتش، در جوهره اجتهادش، مردم را دید، مردم را به عنوان یک اصل ملا-حظه کرده و گفته است که همه جهت گیری‌ها در اجتهادات و استنباطات فکری، باید به نفع آنها باشد و این که امام می‌فرمود: فقه، تئوری اسلام ناب است. فقه، و احکام فقه، تئوری اداره جامعه است، بر همین مبناست که ملا- و مجتهد اگر با این اصل حرکت کرد می‌تواند تمام معضلات مردم را از رهگذر بحث‌های اسلامی، آن هم از کتاب و سنت استخراج کند»<sup>(2)</sup>.

از دستاوردهای مهم سیاسی عرفان مردمی امام، اعتقاد و

ص: 136

1- همان.

2- همان.

خوشبینی به هدایت انسان ها و شعور و استعداد آنها در درک و طی طریق حق است. این چنین دیدگاهی، امام را وادار می کرد که برای مصالح دینی و دنیوی مردم، با جدیتی امیدوارانه و روحیه ای خستگی ناپذیر، از بیداری وجدان های خفته مردم در دوران مبارزه برای اقامه حکومت، متکی باشد، مردمی که اکثر آنها در غرقاب مسائل دنیوی رها شده بودند دستاورد دیگر چنین عرفانی، تکریم سرشار امام به شخصیت و خواست مردم است که بارها مورد تاکید ایشان قرار گرفته است.

## 2 - ویژگی های مردمی اندیشه سیاسی امام رحمة الله علیه

از بررسی عرفان مردمی امام رحمة الله علیه استنباط شد که انسان موجودی ملکوتی و مستعد درک راه و حرکت در مسیر الهی است. اصولاً هدف از مکاتب توحیدی و بعثت انبیاء و تاسیس ملت های الهی، هدایت بشر است.

حال با توجه به سیره امام خمینی باید پرسید که چگونه می توان یک نهضت موفق پیاورد؟ جواب این است که چنین نهضتی باید الهی و مردمی باشد. سؤال دیگر این که چگونه الهی بودن و مردمی بودن نهضت تضمین می شود؟ در پاسخ باید

گفت که وجود یک مرجع اسلام شناس و فقیه آگاه به زمان لازم است تا با ارائه و ابلاغ درست احکام اسلام به مردم باعث بیداری و انگیزش آنها شود البته علاوه بر ضرورت روشنگری عمومی، روشنگری نسل جوان و طبقات تحصیل کرده اهمیت بیشتری دارد.

قدم بعدی با توجه به موازین اسلامی این گونه برداشته می شود که از هر چه باعث فراگیری نهضت اسلامی و اشتیاق مردم به آن می شود استفاده کرد و از عوامل خلاف این فراگیری پرهیز نمود. به عنوان مثال، رعایت مصالح مردم در کلیه امور از عوامل اصلی توفیق و فراگیری بیش تر نهضت است و در نهایت، چنین حرکت مردمی با اتصاف به اسلام و عمل به آن، به رشد تعالی اعجاب انگیزی خواهد رسید. هم چنین مردم با حفاظت از اسلام مصالح و منافع اخروی و دنیوی خویش را تضمین می کنند. در این جا شواهدی از بیانات امام خمینی، برای هر یک از موارد یاد شده می آوریم:

### **3- انگیزه الهی و اجتماع ملت دو رکن اصلی نهضت**

کلیت اندیشه و عمل نهضت امام رحمة الله علیه دارای دو رکن اساسی است، بعد آسمانی این اندیشه، ربوبی است و «اسلامی بودن»

صبغة آن را تشکیل می دهد. اندیشه مزبور از بعد زمینی ، مبتنی بر مردم است. البته بعد الهی این تفکر، بر بعد مردمی احاطه دارد. این دو رکن بی تردید، رمز پیروزی و بقای انقلاب اسلامی به زعامت ایشان است:

«بی تردید، رمز بقای انقلاب اسلامی همان رمز پیروزی است و رمز پیروزی را ملت می داند و نسلهای آینده در تاریخ خواهند خواند که دورکن اصلی آن انگیزه الهی و مقصد عالی حکومت اسلامی و اجتماع ملت در سراسر کشور با وحدت کلمه برای همان انگیزه و مقصد»  
[\(1\)](#).

برای همراه کردن مردم با نهضت، باید قلوب مردم را فتح کرد و دل آنها را به دست آورد و اسلام رگ خواب ملت اسلام است و با تمسک و عمل به این آیین می توان آنها را به سوی خود جلب کرد:

«دل مردم مسلم با اسلام بدست می آید. رگ خوابشان را ما فهمیدیم؛ قلوب مسلمین را باید توسط اسلام جلب کرد - الی الله تظمنن القلوب - تمام قلوب

ص: 139

دست خداست. به خدا متوجه شو تا دل‌های مردم به تو متوجه شود، اهل علم اینکاره است شما هم اینطور باشید.» (1).

با چنین دیدی وظایف سیاسی مردم همانند تکالیف شرعی است و باید آنها بی تفاوت نبوده و با پایبندی به این واجبات، از مصالح اسلام صیانت کنند که مترادف با مصالح و منافع خود آنها است.

#### **4- رهبری مرجعیت تقلید ضامن توفیق بسیج توده ها**

از آنجا که اسلام مهم ترین عامل در بسیج و انگیزش عمومی توده ها است و این آیین، به تعبیر امام، رگ خواب مردم است، پس بهترین شخص برای ایجاد این انگیزش در بین مردم، اسلام شناس ترین آنها است. امام که دارای شرایط رهبری است و حکم خدا را برای مردم بیان می کند و مورد اعتماد کامل

آنها بوده و فرمانش واجب الطاعة است، چنین شخصی می تواند با سهولت بیش تری توده ها را به صحنه کشانده و نهضت را به پیش ببرد. امام نیز با تجارب تاریخی خود می دانست که هر

ص: 140

---

1- صحیفه امام، ج 1، ص 121.

حرکت و نهضتی که بدون رهبری و ولی فقیه وقت به وجود آید، نمی تواند عامه مردم را بیدار و آگاه کند و به شکست و ناکامی می انجامد. از این رو، امام رحمة الله علیه تا آن روز که خود به مقام ولایت و مرجعیت نرسیدند، در صحنه سیاسی به طور رسمی گام نگذاشته و نهضت را آغاز نکردند، هر چند در مشورت با آیت الله العظمی بروجردی و ارائه پیشنهادهای و انتقادهای سازنده لحظه ای درنگ نمی کردند.

ایشان مرجعیت را در بسیج توده ها به اسلام خواهی و مردمی بودن فقهای اسلام می دانند.

امام رحمة الله علیه در آغاز رسمی درس های حوزوی، پس از پایان پیروزمندانه غائله انجمن های ایالتی و ولایتی در این باره فرمودند:

«این اجتماع که برای دیگران خرج دارد برای ما با یک کلمه تهیه می شود، مردم فهمیده اند ما دوست آنها هستیم، مردم به دوستشان علاقه دارند روحانین پدر ملتند، به فرزندانشان علاقه دارند. یک پیر مردی نصف شب می نویسد: جمع شوید دعا کنیم، تهران حرکت می کند. یک پیر مرد هم این جا بنویسد ما می خواهیم یک ختم «أَمَّنْ يُجِيبُ» بگیریم، ببینید چه می شود؟! چون ملت ادراک کرده است که علماء، صلاح آنها را می خواهند،

ص: 141

علما مصلح هستند، مفسد نیستند...»(1).

امام رحمة الله عليه خطاب به طلبه های حوزه ها، ضمن توصیه به معرفی اسلام شرط خدمت آنها به اسلام را در وصول به نظام فقاهاست می داند:

«شما مقتدی الانام باشید «جند الله»، سرباز خدا شوید، تا اسلام را معرفی کنید، حکومت اسلامی را معرفی کنید من نمی گویم ترک تحصیل نمایید. لازم است درس بخوانید، فقیه شوید، جدیت در فقاهاست کنید، نگذارید این حوزه ها از فقاهاست بیفتند، تا فقیه نشوید نمی توانید به اسلام خدمت کنید»(2).

## 5 - ضرورت روشنگری عمومی

امام خمینی رحمة الله عليه اعتقاد عمیقی به ضرورت روشنگری و بیدار سازی مردم داشتند. به عقیده ایشان بدون حامی بخشی به مردم نمی توان از آنها انتظار مبارزه و قیام برای حفظ اسلام و مصالح مختلف را داشت. این روشنگری دو وجه داشت: از

ص: 142

---

1- همان، ص 120.

2- امام خمینی، ولایت فقیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، ص 137.

سوی، می بایستی اسلام و احکام آن جهت تحقق اهداف الهی شناسانده شده و از سوی دیگر، جنایات و جور و ستم رژیم های خودکامه در رفتار ضداسلامی آنها افشا می شد. امام رحمة الله علیه در مبحث حکومت اسلامی، اوضاع اجتماع مسلمانان و غفلت مسلمین را از عوامل بی توجهی به ولایت فقیه و عدم تحقق این آرمان می داند. بیانات ایشان مملو از اصرار بر روشنگری و بیدارسازی مردم است، ضمن آن فروکش شدن فریاد اسلام خواهی در ادوار مختلف را عملکرد رژیم های جائر در مردم می داند. امام، خصوصاً بیشترین تاسف خود را برای ضایع کردن نسل جوان و دور نگهداشتن طبقات تحصیل کرده و دانشگاهی از اسلام ابراز می کنند و بیش از دیگران، بر روشنگری و آشنایی این دو قشر با اسلام تاکید دارند و شک ندارند که این آیین، دلهای ایشان را بیدار کرده و آنان را به احقاق حق خویش و مشارکت آگاهانه در نهضت دعوت می کند، به همین خاطر بود که ارتباطات گسترده دانشجویان و مبارزان ایرانی و برون مرزی با امام در تبعید، مایه نگرانی رژیم ایران شده بود.

به تعبیر یکی از تاریخ نویسان معاصر، امام معتقد بود که مردم، تنها نیرو و لشکر ما هستند و از آنها باید مردمی آگاه، با اراده و پولادین ساخت تا از همه مشکلات پیروزمندانه بیرون



بیایند و این در صورتی است که مرجع، با مردم باشد، با آنها حرف بزند، سخنرانی کند، اعلامیه بدهد و به تدریج آنها را آماده سازد. امام در این خصوص می فرماید «لازم است علمای اعلام و خطبای محترم سایر طبقات را آگاه فرمایند که در موقعش بتوانیم جلوگیری کنیم ... علمای اسلام و وابستگان به دیانت مقدسه، دین خود را ادا نمایند. من مصمم هستم... شما هم ای علمای اسلام مصمم شوید و بدانید پیروزی با شما است.» (1).

امام در واقع از این آیه قرآن «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ» آموخته بود که پیامبر در توده مردم مامور به رسالت می شود و پایگاه مردمی به دست می آورد و توده ها را، پایه هایی استوار نهضت خویش می سازد و پیش می تازد.

روشنگری های امام تنها مختص مردم نبود، بلکه در حوزه های قم و نجف و حتی در سطح مراجع ایشان وجود داشت. قضیه تصویب نامه انجمن های ایالتی و ولایتی مثال خوبی برای اثبات این مدعا است. ایشان ضمن برگزاری

نشست های برای علماء، به افشاگری توطئه های ضد اسلامی

ص: 144

رژیم پرداخته و علی رغم مخالفت بعضی از حاضران این جلسه، تلگرام های علما به مقامات حاکمه را چاپ کرده و در دسترس مردم قرار دادند.<sup>(1)</sup>

نهضت امام رحمة الله عليه به دليل اسلامي بودن، بعد جهاني داشت، لذا به رشد سياسي و بيداري همه ملل اسلامي توجه مي کردند:

« اگر هفتصد ميليون مسلم با اين کشورهاي عريض و طويل رشد سياسي داشتند و با هم متحد و متشکل شده و در صف واحد قرار مي گرفتند، براي دولت هاي بزرگ استعمار ممکن نبود که در ممالک آنها رخنه کنند، تا چه رسد به مشتي يهود که از عمال استعمارند.»<sup>(2)</sup>

ترديدي نيست که اگر مسلمانان بر رشد سياسي، اجتماعي خود بيفزاييند، به راحتی مي توانند بسياري از مشکلات و گرفتاريهاي امت اسلامي را با تبادل افکار و تشريک مساعي در راه پي بردن به نيازهاي سياسي و اجتماعي خود و با تفاهم و يک پارچگي بر طرف کرده، براي اداره امور خود به روشهاي سودمندی دست يابند.<sup>(3)</sup>

ص: 144

---

1- براي تفصيل بيشتري: همان، ج 1، ص 149 - 150.

2- صحيفه امام، ج 2، ص 323.

3- بهرام اخوان کاظمي، «مردم در اندیشه امام و نقش آنها در تحقق ولايت فقيه»، امام خميني و حکومت اسلامي، فلسفه سياسي (2)، ص 292.

امام خمینی رحمه الله علیه از آغاز حرکت خویش به بیداری مردم تاکید کرده و از نبوغ و رشد سیاسی و تحول فکری مردم مبارز ایران تمجید کرده اند:

«همه ملت رهبرند؛ همه بیدار شده اند... (1) من با کمال مباهات از رشد سیاسی و تعهد اسلامی ملت شریف ایران تشکر می کنم. من در ایام آخر عمر با امیدواری کامل و سرافرازی از نبوغ شما به سوی دار رحمت حق کوچ می کنم» (2).

## 6- استفاده از شعارهای فارگیر در انگیزش مردم

از ویژگیهای رهبری امام خمینی طرح شعارهای فارگیر بود. وسعت و دیر پای نفوذ اسلام در تار و پود مردم ایران زمین، این مکان را به ایشان می داد که با شعارهای اسلامی، آرمانهای همه اقشار را مطرح کند. چنین شعارهایی بدون هیچ گونه تمایزی، کلیه ملل اسلام را در بر می گرفت، و اسلام بستری بود که شعارهای فراگیر امام را در کلیه شاخه های خود جاری می کرد و به گوش عموم مسلمانان عالم می رساند.

ص: 146

---

1- صحیفه امام، ج 7، ص 157.

2- همان، ج 12، ص 149.

به تعبیر یکی از صاحب نظران «اصولا طرح شعار با شعارهای ملموس، محسوس، زنده و اشباع کننده، که بتواند در برگیرنده خواسته ها و آرمان های همه ی اقشار، احزاب، سازمانها و گروه های ملی کشور باشد از ضروری ترین و با وجود این، از دشوارترین وظایف اولی یک رهبر کارآموده، دانا و ژرف بینی می باشد که می خواهد نیروها را در صف واحد و زیر یک پرچم، متحد و متشکل ساخته با برخورداری از پشتیبانی متحد و یکپارچه آنان، با دشمن مقابله و مبارزه نماید»<sup>(1)</sup> بدیهی است که ناکامی در طرح چنین شعارهایی منجر به شکست نهضت می شد.

علامه شهید مطهری، امام را تجسم خواسته های ملت ایران می دانند:

«در تاریخ سابقه دارد که ملتی و خواسته های ملی را در یک فرد این چنین تشخص و تجسم پیدا کند و این همیشه در جایی است که فرد از فردیت خودش خارج شده است و تجسم، ایده های عالی جامعه است... روحانیت، این نهضت را رهبری می کند... امروز تمام قشرها و طبقات مختلف ملت ایران در روحانیت تجسم پیدا کرده است و روحانیت در آن شخص بسیار

بسیار بزرگ تاریخی «گریه استاد» که نامش و یادش قلب مرا به

ص: 147

---

1- سید حمید روحانی، نهضت امام خمینی، ج 1، ص 180.

لرزه می آورد، یعنی استاد بزرگوار آیت الله العظمی خمینی، تجسم یافته است»<sup>(1)</sup>.

امام خمینی در دوران مبارزه آشکار خویش تلاش وافری کردند که اسلامی و مردمی بودن نهضت خدشه دار نشود، زیرا چنین خدشه ای به فراگیری حرکت هم آسیب می رساند. به همین منظور ایشان از کشمکش های داخلی روحانیت و اختلاف های تفرقه انگیز به خاطر حفظ مصالح اسلام، به شدت پرهیز نموده و در مقابل نهضت ها سکوت می کردند.

امام برای این که بعد اسلامی و عمومی بودن نهضت آسیب نبیند در دوران مرجعیت و رهبری خویش از ملاقات مصرانه سران حکومتی ایران و عراق خودداری می کند، هم چنین به دنبال پیدایش سازمان مجاهدین خلق در سال 1349 شمسی در همکاری با آنها جهت مبارزه مسلحانه طفره می روند. ضمن آن که با شخصیت نفوذ ناپذیر خود تحت تاثیر اطرافیان و بیت خویش قرار نگرفته و همواره عمومیت رهبری خویش را حفظ می نمایند.

علاوه بر جاذبه های معنوی، مهارت در سخنور، شعر و

ص: 148

---

1- مرتضی مطهری، پیرامون جمهوری اسلامی چاپ هشتم: تهران، انتشارات صدرا، 1371، ص 71-72.

نحوه نگارش از عوامل افزایش نفوذ مردمی بوده است.<sup>(1)</sup> به عقیده پروفیسور حمیدی مولانا: «سخنوری انقلابی امام خمینی رحمة الله علیه فصل جدیدی در تحلیل ارتباطات اجتماعی و تئوری های فرهنگ و اجتماع باز کرده است»<sup>(2)</sup>.

ویژگی شعارها و رفتار امام تنها فراگیری آنها نبود، بلکه ایشان با شجاعت در این شعارها، حقایق را به زبان ساده برای مردم بیان کرده و دیگران را نیز دعوت به این کار می نمودند و تاکید داشتند که مردانه بایستید و برای مردم نطق کنید، حقایق را به زبان ساده برای توده های مردم بیان کنید و آنان را به شور و حرکت در آورید».

## **7- اهمیت دادن به ضرورت پذیرش عمومی و بلوغ سیاسی مردم**

قرآن مجید در تمثیل جالبی رشد مسلمانان صدر اسلام را توصیف می کند. این آیه مسلمانان را به زراعتی تشبیه می کند که همچون دانه از خاک سر بر می آورد، آن گاه همانند یک برگ

ص: 149

---

1- ر.ک: احمد احمدی، «شیوه های ادبی هنری امام»، مجله حضور، خرداد 1371، شماره 4 ص 44.

2- حمید مولانا، «امام، انقلاب و ارتباطات»، حضور شماره 4، خرداد 1371، ص 37 - 38.

نازک از زمین روییده می شود، ولی به همان حالت ثابت باقی نمی ماند و به تدریج بزرگ تر شده و دارای ساقه ای می شود که آن را تقویت کرده و تحکیم می بخشد. در این هنگام است که این زراعت کشاورزان را به تعجب و امیدوار می دارد.

به گفته علامه شهید مطهری این مثل فقط شامل مسلمانان صدر اسلام نیست، بلکه خاصیت اسلام است: «یعنی هر وقت و هر جا، مردمی واقعاً اسلام را بپذیرند و به استوارهای اسلام عمل بکنند، همین خاصیت رشد و تزايد و تکامل استقلال و روی پای خود استیادن و دیگران را به حیرت و تعجب واداشتن را دارند»<sup>(1)</sup>.

از دید امام این رشد به خوبی در انقلاب اسلامی نمایان است، ایشان می فرمایند: من وقتی وضعیت ایران را مطالعه می کنم و گسترش این مسئله واحد که یک دولت اسلامی حق می خواهیم، وقتی که من از گسترش دین، در همه بلاد از تهران تا همه مرزهای ایران در هر طرف در هر قریه مطالعه می کردم، امیدوار شدم که دین یک مسئله الهی است، نه یک

ص: 150

---

1- مرتضی مطهری، اسلام و مقتضیات زمان، چاپ هفتم: تهران، صدرا، 1372، ص 57 - 58.

«بدیهی است هر اندازه ملت و حکومت طبق موازین اسلامی و برای خدا عمل کنند، تدریجا نقایص خود را بیشتر بر طرف می کنند و دائما در تعالی و ترقی بیشتری قرار خواهند گرفت و در مجموع، جامعه به ارزشهای خدایی بیشتر نزدیک می شوند و این مسیر، نهایت ندارد» (2).

بدین ترتیب مردم با اسلام خواهی و عمل به این آیین، به طور تدریجی مراحل تکامل و بلوغ فکری خود را طی می کنند. در مقاطع مختلف انقلاب اسلامی، چنین بلوغ شگفت آوری در مردم دیده می شود، از جمله: دفاع قهرمانه مردم در جنگ تحمیلی و تبعیت از مقام ولایت فقیه در این بحبویه، به خوبی نشان گر بلوغ روز افزون آن ها است.

این جاست که چنین ملتی شایسته هرگونه تعظیمی می شود و امام رحمة الله علیه نیز همه تکریم خویش را نثار آنها کرده و بلوغ فکری مردم را می ستاید، و حتی به جلوتر بودن آنها از خودش اذعان می نمایند» (3).

ص: 151

---

1- صحیفه امام؛ ج 6 ص 228.

2- همان، ج 5، ص 410.

3- ر.ک: مصاحبه مهندس میرحسین موسوی، مجله حضور، شماره 2، آبان 1370، ص 20.



## اشاره

مشارکت مردم در امور سیاسی اجتماعی و تاثیر گذاری آنان بر سیاست و حکومت عبارتند از:

### 1- تعیین رهبران و حاکمان

وقتی مجموعه ای از انسانها در محل گرد آمده، زیستن اجتماعی را گردن می نهند بدیهترین و ضرورترین نیاز آنها وجود رهبر و رئیس جامعه است (1) اگر چه در فرهنگ سیاسی اسلام رهبری یک جامعه مسئولیت بسیار سنگینی است و معمولاً نخبگان و شایستگان این منصب چندان علاقه ای به کسب آن ندارند، ولی وظیفه مردم و امت اسلامی تعیین بهترین و شایسته ترین فرد در هر زمان برای اداره امور کشور است.

مهمترین مساله جامعه تعیین رهبر و پشوای جامعه است. طبیعی است که در یک جامعه اسلامی که حکم خدا و اسلام در آن حاکم است و همه یا اغلب مردم مسلمان اند، باید این تعیین در

ص: 152

---

1- نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب 1371، خطبه 40، ص 39.

چارچوب ضوابط و قوانین الهی و اسلامی باشد.

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام پیرامون حق تعیین رهبر از جانب مردم می فرمایند:

«ای مردم، این حکومت شما را هیچ کسی حقی در آن نیست مگر کسی که خودتان او را امیر کنید. دیشب با قراری از هم جدا شدیم. (هم اکنون) اگر خواهید به کار شما می نشینم وگرنه از هیچ کس ناراحت نیستم»

طبیعی است این حق مردم، در مورد رهبران ایالات و ولایت نیز به قوت خود باقی است. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام هرگاه فرماندار با استانداری برای ایالتی می فرستاد نامه ای برای معرفی وی می نوشت تا در میان مردم بخواند، سپس می فرمود: اگر مردم تورا پذیرفتند مشغول به کار شو و اگر نپذیرفتند یا اختلاف کردند آنها را واگذار و باز گرد(1).

حضرت امام خمینی رحمه الله علیه پیرامون حق مردم در تعیین حکومت و رهبر و حاکمان اسلامی مطالبی را در مناسبت های مختلف بیان فرمودند که در ذیل به برخی از آن می پردازیم:

«از حقوق اولیه هر ملتی است که باید سرنوشت و تعیین شکل و نوع حکومت خود را در دست

ص: 153

«ما بنای بر این نداریم که یک تحمیلی به ملتمان بکنیم. و اسلام به ما اجازه نداده است که دیکتاتوری بکنیم. ما تابع آرای ملت هستیم. ملت ما هر طور رأی داد، ما هم از آنها تبعیت می کنیم. ما حق نداریم، خدای تبارک و تعالی به ما حق نداده است، پیغمبر اسلام به ما حق نداده است که ما به ملتمان یک چیزی را تحمیل بکنیم» (2).

در جای دیگر می فرمایند:

«اولا-: متکی به آرای ملت باشد، به گونه ای که تمامی آحاد ملت در انتخاب فرد و یا افرادی که باید مسئولیت و زمام امور را در دست بگیرند، شرکت داشته باشند... در این حکومت به طور قطع باید زمام داران امور دائما با نمایندگان ملت در تصمیم گیری ها مشورت کنند و اگر نمایندگان موافقت نکنند، نمی توانند به تنهایی تصمیم گیرنده باشند» (3).

امام در آخرین روزهای حیات خود طی نامه ای به شورای بازنگری قانون اساسی بار دیگر حق مردم در تعیین رهبر و

ص: 154

---

1- صحیفه امام، ج 4، ص 367.

2- همان، ج 11، ص 34.

3- همان، ج 5، ص 436.

«اگر مردم به خبرگان رای دادند تا مجتهد عادل را برای رهبری حکومتشان تعیین کنند، وقتی آنها هم فردی را تعیین کردند تا رهبری را به عهده بگیرد، قهری او مورد قبول مردم است، در این صورت، او ولی منتخب مردم می شود و حکمش نافذ است»<sup>(1)</sup>.

امام رحمة الله علیه حق انتخاب را از آن مردم می دادند و حتی تحمیل اراده فرد یا گروه یا دسته ای عقیده خود بر مردم را نفی می کند، چرا که ایشان معتقدند مردم رشد سیاسی را جهت انتخاب اصلح دارند:

«مردم در انتخابات آزادند و احتیاج به قیم ندارند و هیچ فرد و یا گروه و دسته ای حق تحمیل فرد و یا افرادی را به مردم ندارند. جامعه اسلامی ایران که با درایت و رشد سیاسی خود، جمهوری اسلامی و ارزشهای والای آن و حاکمیت قوانین خدا را پذیرفته اند و به این بیعت و پیمان بزرگ وفادار مانده اند، مستم قدرت تشخیص و انتخاب کاندیدای اصلح را دارند»<sup>(2)</sup>.

«انتخابات در انحصار هیچ کس نیست، نه در انحصار روحانین است نه در انحصار احزاب است، نه

ص: 155

---

1- همان، ج 21، ص 371.

2- همان، ج 21، ص 10.

در انحصار گروه هاست، انتخابات مال همه مردم است، مردم سرنوشت خودشان دست خودشان است، و انتخابات برای تأثیر سرنوشت شما ملت است.»<sup>(1)</sup>

«بر حسب اصل یک صد و هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی، مجلس مبارک خبرگان که به وسیله آرای ملت عظیم الشان ایران، شماری از علمای اعلام و حجج اسلام - ادام الله بقائهم - برای تعیین رهبر یا شورای رهبری انتخاب شده اند مفتوح گردید، مجلسی که برای ادامه نظام جمهوری اسلامی و شرعیت بخشیدن به آن نقش اساسی دارد»<sup>(2)</sup>

امام خمینی رحمة الله علیه هیچگاه خود را منصوب از سوی خدا ندانسته اند و هیچ حاکم دیگری را نیز بجز در عصر ائمه معصومین علیهم السلام منصوب الهی نمی دانستند بلکه ایشان بر اساس وظیفه و تکلیفی که دین اسلام بردوش علمای دین نهاده است، تشکیل حکومت داد تا در پرتو آن بتواند عدالت، آزادی، امنیت و استقلال کشور اسلامی را بر پای دارد، و این میسر نمی گردد مگر این که فقیهی عادل و عالم و منتخب با رأی مردم در رأس حکومت قرار گیرد.

ص: 156

---

1- همان، ج 18، ص 367.

2- همان، ج 18، ص 3.

یکی دیگر از نحوه مشارکت مردم در سیاست، نظام سیاسی و حکومت، نظارت مردم بر عملکرد آنها می باشد. که البته مساله در نظارت همیشه یکی از مسائل مهم و پیچیده در زندگی فردی و اجتماعی بشر بوده است. انسان ذاتا دوست دارد آزاد و رها باشد و هیچ ناظری رفتار و کردار او را زیر نظر نداشته

باشد، ولی قرآن کریم به طور مکرر یادآوری فرموده که خداوند تعالی انسان را می بیند و بر اعمال و رفتار او شاهد و ناظر است. بحث نظارت وقتی وارد مباحث سیاسی، اجتماعی و عملکرد حاکمان و رهبران سیاسی و مدیران جامعه می شود اهمیتی دو چندان پیدا می کند. البته مطلوب اسلام این است که در یک حکومت دینی، همه خدا را شاهد و ناظر بر اعمال خود ببینند و خود را در مقابل خداوند پاسخگو بدانند و وظایف خود را به بهترین صورت ممکن انجام دهند، ولی این نمی تواند به عنوان یک راهکار عملی در یک نظام سیاسی اجرا شود، بدین صورت که به مدیران اجرایی و رؤسای جامعه خود بگوییم که ما به شما اطمینان داریم، هرگونه که مایلید عمل کنید، خدا ناظر اعمال شماست و روز قیامت هم در مقابل او پاسخگو خواهید بود. اگر

چه شاهد و ناظر بودن خداوند و حسابرسی روز قیامت قطعی است، ولی هر نظام سیاسی باید دارای روشهای عملی و مؤثر و عینی برای اداره جامعه اش باشد.

هنگامی که حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام به اصرار مردم خلافت را پذیرفت به مسجد آمده بر فراز منبر شد و ضمن خطبه ای فرمود:

«خلافت شما را خوش نداشتم ولی اصرار کردید که خلیفه شما باشم، بدانید که بدون توجه به نظر شما کاری نمی کنم. کلیدهای اموال شما با من است ولی بدون نظر شما حتی یک درهم از آن را بر نمی گیرم» .

امام علیه السلام صریحا مردم را برای نظارت بر عملکرد خود دعوت می کند و به عبارت دیگر به آنها حق نظارت می دهد و حق نظارتشان را به رسمیت می شناسد. اگر حضرت امیر مؤمنان امام علی علیه السلام خود حق نظارت برای مردم قائل نمی شد هیچ یک از آنها خواهان نظارت بر عملکرد او نبود، چنانکه در مورد خلفای سابق این کار را نکردند ولی امام صریحا این حق را برای مردم قائل شد:

«بدانید حق شماست بر من که چیزی را از شما نپوشانم جز راز جنگ که از پوشاندن آن ناگذرانم و

کاری را جز-در حکم-شرع بی رای زدن با شما انجام ندهم».

بنابراین وقتی حق مردم است که امور سیاسی و سیاستگذاری کشور بر آنها پوشیده نباشد، این حق عملاً نوعی نظارت را می طلبد و ایجاب می کند.

یکی از مهمترین اهداف نظارت بر سیاستگذاری و عملکرد رهبران و مدیران جامعه این است که سستی، کم کاری، تخلف، سوء استفاده و ... در نظام سیاسی به حداقل ممکن برسد و کارآیی، قانون محوری و حق مداری در جهت عزت و اعتلای کشور و منافع ملی به حداکثر ممکن برسد. حال اگر حکومتی دارای پشتوانه و پایگاه قوی مردمی باشد بهترین ناظر همان مردم اند، به شرط آنکه نخبگان سیاسی از نظارت و انتقاد مردم تلقی منفی نداشته باشند، حتی اگر علیه خود آنها باشد(1).

حضرت امام خمینی رحمه الله علیه نیز معتقدند مردم وظیفه دارند تا بر جهت گیرها و سیاستگذاران دولتی در داخل و خارج نظارت کرده و نظرهای مشورتی خویش را برای بهبود جامعه و استحکام پایه های نظام اسلامی، ارائه دهند. امام رحمه الله علیه در فرازهای

ص: 159

---

1- مشارکت سیاسی، جمعی از اساتید و محققین، ص 137 - 138.



متعددی از بیانات خویش ضمن بازگویی آثار و برکات نظارت مردم بر رفتار زمام داران و جهت گیری های سیاسی دولت، بر رابطه نظارتی و مشورتی دولت و ملت تاکید کرده می فرمایند:

«اگر ملت می خواهد که این پیروزی تا آخر برسد و به منتهای پیروزی که آمال همه است برسد، باید مواظب آنهایی که دولت را تشکیل می دهند، آن که رئیس جمهور است، آن که مجلس هست، مجلسی هست، همه این ها را توجه بکنند که مبادا یک وقتی از طبقه متوسط به طبقه بالا و به اصطلاح خودشان مرفه، به آن طبقه برسد»<sup>(1)</sup>.

نظارت مردم بر دولت اسلامی و دیگر حاکمان آن چنان اهمیتی دارد که حضرت امام آن را تکلیف الهی و مسئولیت دینی عنوان نموده می فرمایند:

«این مسئله مهم است و آقایان توجه کنند و همه همه ملت موظف اند که نظارت کنند، بر این امور، نظارت کنند اگر من یک پایم را کنار گذاشتم، کج

گذاشتم، ملت موظف است که بگویند پایت را کج گذاشتی، خودت را حفظ کن ... همه ملت موظف اند به این که نظارت داشته باشند در همه کارهایی که الان

ص: 160

مربوط به اسلام است. اگر دیدند که یک کمیته، خدای نخواستہ، بر خلاف مقررات اسلام دارد عمل می کند، بازاری باید اعتراض کند، - عرض بکنم که - کشاورز باید اعتراض کند، معممین و علما باید اعتراض کنند، اعتراض کنند تا این کج را راست کننده(1)

### 3- نصیحت و بیان حقایق تلخ (انتقاد):

نخبگان سیاسی و رهبران جامعه افرادی همانند سایر افراد جامعه هستند؛ قدرت درک، فهم، تفکر و اطلاع آنها محدود است و نه تنها از خطا و اشتباه مصون نیستند بلکه ممکن است به سبب موقعیت و شرایط خاصی که در آن قرار دارند بیشتر از سایرین در معرض خطا یا تصمیم گیری غلط باشند. اداره یک جامعه و یک مجموعه، به خصوص در نظامهای پیچیده قرن بیستم، امر بسیار دشواری است و اگر با بهره برداری از تجارب دیگران و با استعانت از دانشمندان، خردمندان و آگاهان جامعه نباشد امری غیر ممکن است اطرافیان هر مدیر بیشترین تاثیر را بر وی می گذارند و نقشی مهم در هدایت فکری و تصمیم گیری او ایفا می کنند. به همین دلیل حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام به مالک

ص: 161

---

1- صحیفه امام، ج 8، ص 5.

اشتر سفارش می فرمایند که :

«با دانشمندان، فراوان گفتگو کن و با حکیمان فراوان سخن در میان نه، در آنچه کار شهرهایت را استوار دارد و نظمی را که مردم پیش از تو بر آن بوده اند بر قرار».

در طول تاریخ چند هزار ساله ایران، کاریتترین ضربه ای که بر پیکر این اجتماع و نظامهای سیاسی آن وارد شده از ناحیه اطرافیان حاکمان و پادشاهان بوده است.

چرا که همینها بودند که همیشه پادشاه را مطمئن می کردند که در سایه حکومت ایزدی او کشور در امن و امان است و رعیت در رفاه و آسایش به دعا و ثناگویی مشغول اند.

روزی حضرت امیرمؤمنان علی علیه السلام در صفین سخنرانی می فرمود: مردی برخاست و آن حضرت را ستود امام علیه السلام از عمل او ناراحت شده فرمودند:

«در دیده مردم پارسا، زشت ترین خوی والیان این است که خواهند مردم آنان را دوستدار بزرگمنشی شمارند و کارهایشان را به حساب کبر و خودخواهی بگذارند، و خوش ندارم که در خاطر شما بگذرد که من دوستدار ستودنم و خواهان ستایش شنودن، سپاس خدا را که بر چنین صفت نزادم و اگر ستایش

ص: 162

دوست بودم آن را وام می نهادم»(1).

وجود انتقاد نشانه آزادی بیان است، بدون آزادی در جامعه، در واقع آزادی بیان تحقق نخواهد یافت امام خمینی نیز با اعتقاد به همین امر نه تنها انتقاد را می پذیرفتند بلکه همگان را به آن دعوت کرده، آن را هدیه ای الهی می دانند و می فرمایند:

« نباید ماها گمان کنیم که هر چه می گوئیم و میکنیم کسی را حق اشکال نیست، اشکال بلکه تخطئه یک هدیه الهی است برای رشد انسانها(2).

حضرت امام رحمة الله علیه در بخشهایی از سخنانشان در تاریخ 67/8/10 می فرمایند:

«انتقاد سازنده معنایش مخالفت نبوده و تشکل جدید مفهومی اختلاف نیست. انتقاد به جا و سازنده باعث رشد جامعه می شود. انتقاد اگر به حق باشد، موجب هدایت دو جریان می شود.

هیچ کس نباید خود را مطلق و مبرا از انتقاد ببیند. البته انتقاد غیر از برخورد خطی و جریانی است.... در هر حال یکی از کارهایی که یقیناً رضایت خداوند متعال در آن است، تالیف قلوب و تلاش جهت

ص: 163

---

1- مشارکت سیاسی، جمعی از اساتید و محققین، ص 139 - 140.

2- صحیفه امام، ج 20، ص 451.

زدودن کدورت ها و نزدیک ساختن مواضع خدمت به یکدیگر است» (1)

امام در جای دیگر می فرمایند:

«در جمهوری اسلامی همه باید با انتقادهای و طرح اشکالها راه را برای سعادت جامعه باز کنند» (2)

«امروز هیچ دلیل شرعی و عقلی وجود ندارد که اختلاف سلیقه ها و برداشت ها و حتی ضعف مدیریت ها دلیل به هم خوردن الفت و وحدت طلاب و علمای متعهد گردد» (3)

حضرت امام با اعتقاد کامل به ضرورت نیاز انتقاد در نظام حکومت اسلامی در بیان شیوا خود چگونه و نحوه آن را نیز بیان می فرمایند:

«دعوت به خیر بکند با زبان ملایم، با قلم ملایم، با نصیحت، با دوستی او را به راه راست ببرد، آن طور که انبیاء می کردند، انبیاء بنایشان بر این بود که

دست به شمشیر نبرند اثر برای آنها که علاجی ندارند جز شمشیر و فاسد میکنند جامعه را» (4).

ص: 164

---

1- همان، ج 21، ص 179.

2- همان، ص 249.

3- همان، ص 282.

4- همان، ج 14، ص 20.

یکی دیگر از حقوق سیاسی مردم و به تعبیر دیگر یکی دیگر از مبانی مشارکت سیاسی سؤال و استیضاح مردم از نخبگان سیاسی جامعه است. اگر انتخاب رؤساء و مدیران جامعه از سوی مردم و سپردن سرنوشت و تدبیر امورشان به دست آنان برای اداره بهتر جامعه باشد ولی نخبگان موظف به پاسخگویی در مقابل مردم نباشد هیچ تضمینی برای اداره بهتر جامعه وجود ندارد و چه بسا رؤسا و مدیرانی بر خلاف مصالح جامعه و منافع ملی کشور گام بردارند. اگر دغدغه پاسخ به سئوالات امتحانی آخر سال تحصیلی وجود نداشت معلوم نبود دانشجویان و دانش آموزان چگونه درس می خواندند و اگر مردم خود را به سبب اعمال و رفتارشان در مقابل خداوند، حاکم، قاضی، پلیس و حتی وجدانشان پاسخگو نمی دیدند آیا روال زندگی و عملکرد افراد به همین گونه بود که اکنون است؟ بدون شک آرمان اسلام این است که مردم به آن حد از ورع و تقوی برسند که، به سبب ترس از خدا و روز جزاء نه تنها خلافی مرتکب نشوند بلکه از تساهل و سستی و کم کاری نیز بپرهیزند.

گاهی در ذهن مردم نسبت به عملکرد رهبران و مدیران سوء ظن ایجاد می شود اگر مردم حق پرسش داشته باشند و رهبران نیز خود را موظف به پاسخگویی بدانند به آسانی ظن و گمان سوء آنها بر طرف می شود و علاقه و محبت مردم نسبت به حکومت و رهبران خود کماکان باقی می ماند(1).

حضرت امام رحمة الله عليه ضمن تاکید بر این که مردم حق دارند انتقاد کنند حتی تشویق هم می نمودند تا مردم از ولی فقیه و حاکمان و مسئولان نظام سؤال کنند تا از این طریق حاکمان بر عملکرد خود بیشتر دقت کنند و احتمال خطا را کم کنند و مسئولان نظام را مکلف می دانست تا به مردم پاسخ دهند ایشان در این مورد می فرمایند:

«هر فردی از افراد ملت حق دارد که مستقیماً در برابر سایرین، زمام دار مسلمین را استیضاح کند و به او انتقاد کند و او باید جواب قانع کننده بدهد و در غیر این صورت، اگر بر خلاف وظایف اسلامی خود عمل کرده باشد، خود به خود از مقام زمام داری معزول است»(2).

ص: 166

---

1- مشارکت سیاسی، جمعی از اساتید و محققین، ص 149.

2- صحیفه امام، ج 5، ص 409.

اشاره

بدون شک، سیاست و حکومت از منظر منابع دینی ما و دیدگاه سیاسی امام رحمه الله علیه، آخرین هدف و یا برتری انسان به دیگران نیست، چرا که تامین سعادت انسان، رشد و صلاح انسان در بعد مادی و معنوی هدف نهایی حکومت در اندیشه سیاسی امام رحمه الله علیه می باشد.

در حکومت های غیر دینی، هدف اصلی مشارکت سیاسی افراد ارضای غریزه قدرت طلبی است، و در این راستا احزاب، گروه ها و تشکل های سیاسی شدید ترین رقابت ها و انواع نیرنگ ها را جهت دست یابی قدرت سیاسی، به کار می برند، ولی افراد در حکومت اسلامی با این دید مشارکت پیدا می کنند که وظیفه و تکلیف الهی خود را انجام می دهند، لذا بدین خاطر جهت رسیدن به قدرت و پیروزی به رقیبان خود حق ندارند از هر وسیله ای استفاده کنند.

در اندیشه سیاسی امام رحمه الله علیه دولت اسلامی و ملت نسبت به یکدیگر حقوق متقابلی دارند که در پابندی و اجرای آن، پایه های اصلی نظام و دولت اسلامی محکم شده و کشور توسعه می یابد. پیامون حقوق متقابل دولت و مردم سخنان حضرت امام را می توان در چند محور کلی خلاصه کرد:



**1- احترام به آرای عمومی**

حضرت امام رحمة الله عليه در بیانیه ها و مناسبت ها و سخنرانی های مختلف در این مورد تاکید فرمودند:

«ما تابع آرای ملت هستیم ملت ما هر طور رأی داد ما هم از آنها تبعیت می کنیم. ما حق نداریم، خدای تبارک و تعالی به ما حق نداده است، پیغمبر اسلام به ما حق نداده است که ما به ملت مان یک چیزی را تحمیل بکنیم»<sup>(1)</sup>.

«حکومت جمهوری اسلامی مورد نظر ما، از رویه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امام علی علیه السلام خواهد گرفت و متکی به آرای عمومی ملت خواهد بود و شکل حکومت با مراجعه به آرای ملت تعیین خواهد گردید»<sup>(2)</sup>.

**2- تامین استقلال و آزادی**

در اندیشه سیاسی امام رحمة الله عليه ، تامین آزادی های سیاسی و

ص: 168

---

1- همان، ج 11، ص 34.

2- همان، ج 4، ص 334.

اجتماعی مردم و استقلال جامعه، از اصلی ترین حقوق ملت بر دولت اسلامی است که زمامداران و حاکمان اسلامی باید آن را در تمامی برنامه های خویش، آن را به کار گیرند. امام خمینی رحمه الله علیه در این مورد می فرمایند:

«این مردمی هستند که حق می گویند، حق خودشان را طلب می کنند، آزادی، حق مردم است، استقلال یک مملکت، حق اهل مملکت است که طلب استقلال بکنند در مملکت.»<sup>(1)</sup>.

آزادی مردم در انتخاب نمودن حاکمان و دولت مردان اسلامی، جنبه دیگر، حق استقلال و آزادی مردم است که حاکمان باید به آن توجه نمایند:

«ملت را دعوت کنند به رای، منتها ملت و شما و هرکس آزاد است همیشه و به هر کس که می خواهد رای می دهد... نمی شود که کسی الزام کند کسی را که تو باید به فلان رای بدهی.»<sup>(2)</sup>.

در فراز دیگر می فرمایند:

«ما هیچ گاه آزادی آنها را سلب نکرده و به آنها لطمه وارد نیاورده ایم. هرکس آزاد است که اظهار

ص: 169

---

1- همان، ج 5، ص 201.

2- همان، ج 17، ص 120.

عقیده کند و برای توطئه کردن آزاد نیست» (1).

### 3- احقاق حقوق و برقراری عدالت اجتماعی

در اندیشه امام خمینی رحمة الله علیه دولت اسلامی و حکومت اسلامی مطلوب آن است که حقوق مستمندان و مستضعفان را تامین کرده و عدالت اجتماعی را در جامعه برقرار کند:

«عهده دار شدن حکومت، فی حد ذاته، شان و مقامی نیست، بلکه وسیله انجام وظیفه، اجرای احکام و برقراری نظام عادلانه اسلام است» (2).

«ائمه [علیهما السلام] و فقهای عادل موظفند که از نظام و تشکیلات حکومتی برای اجرای احکام الهی و برقراری نظام عادلانه اسلام و خدمت به مردم استفاده کنند. صرف حکومت برای آنان جز رنج و زحمت چیزی ندارد... حضرت [امیرمؤمنان علی علیه السلام] درباره این که چرا حاکم و فرمانده عهده دار کار حکومت شده تصریح می کند که برای هدف های عالی، برای این که حق را برقرار کند و باطل را از میان ببرد» (3).

ص: 170

---

1- همان، ج 3، ص 371.

2- ولایت فقیه یا حکومت اسلامی، ص 54.

3- ولایت فقیه یا حکومت اسلامی، 55.

اشاره

در نظریات حکومت امام خمینی حمایت مردم از دولت اسلامی از حقوق مهم دولت بوده که آثار و برکات گران بار و مهمی برای نظام اسلامی دارد. از سوی دیگر بجای نیاوردن این حق پی آمدهای تلخ و ناگواری را برای جامعه و مردم به وجود می آورد. و همینطور مردم نباید در جامعه اسلامی به رفتارهای سیاسی و جهت گیری های اجتماعی حاکمان خود بی تفاوت باشند.

1- حمایت و پشتیبانی مردم از دولت

حضرت امام رحمة الله علیه ضمن تشریح این حق به برکات الزام به آن و آثار زیان بار عدم اهتمام به آن اشاره کرده اند:

«فرق ما بین انقلاب اسلامی و انقلاب غیر اسلامی همین است که انقلاب، وقتی اسلامی شد، توده های مردم همراه با آن هستند و وقتی توده های مردم با یک شیء همراه شوند، زود پیش می رود، و کم فساد است، فسادش کم است» (1).

ص: 171

«ارتش ما و قوای مسلح ما و پاسدارهای ما و همه این‌ها، پشتوانه‌شان، همه ملت است. الان شما می‌بینید که به سرتاسر مملکت ما در حال جنگند... یک همچو مملکتی که ارتشش با ملتش یک است، رؤسایش با دیگران برادرند، اینها همه خدمت‌گذار هستند نسبت به ملت‌شان، ملت‌شان از آن‌ها پشتیبانی می‌کند، یک همچو ملتی از چی می‌ترسد؟ شما مطمئن

باشید» (1)

اگر حضرت امام رحمة الله علیه در بیانات خویش، بر اتکا به مردم، امید دادن به آنها جلب حمایت آنان (2) تاکید می‌کنند، از این رو است که حمایت مردم را موجب استحکام نظام و وظیفه آنان در برابر دولت می‌دانند.

## 2- نظارت و مشورت

از حقوق دیگر مهم دولت بر مردم در اندیشه سیاسی اسلام و حضرت امام رحمة الله علیه، مسئولیت نظارتی و مشورتی است. مردم موظفند بر سیاست‌گذاری‌ها و اعمال دولت و کارگزاران

ص: 172

---

1- همان، ج 13، ص 309 - 310.

2- همان، ج 19، ص 54 - 55.

نظام اسلامی از طریق امر به معروف و استشاره و نصیحت حاکم (1)، نظارت کرده و با نظرهای مشورتی و خیرخواهانه خود موجب استحکام دولت اسلامی و اصلاح زمامداران خویش شوند مردم باید در تمامی شئون اجتماعی، سیاسی و حکومت، این حق را اجرا کنند. حضرت امام در این مورد می فرمایند:

«با کمال دقت ملاحظه کنید کسانی که به عنوان اسلام، به عنوان مسلمین، به عنوان چه، معممین کذا، اینها یک قدم خلاف بردارند که، خدای نخواستہ، چهره اسلام را بر خلاف آن طوری که هست قبیح نشان بدهند... آقایان توجه کنند همه و همه ملت موظف اند که نظارت کنند بر این امور... همه ملت موظف اند به این که نظارت داشته باشند در همه کارهایی که الان

مربوط به اسلام است» (2).

حضرت امام در بیان دیگر نظارت نه تنها حق مردم بلکه یک تکلیف و مسئولیت دینی اعلام می داند:

«باید همه قشرها برای خودشان تکلیف فرض کنند. بگویند ما موظفیم، همان طوری که هر آدمی خودش موظف می داند که بچه خودش و اطفال خودش را اداره

ص: 173

---

1- فصلنامه علوم سیاسی، مؤسسه باقرالعلوم، قم شماره 12، ص 108.

2- صحیفه امام ج 8، ص 5.

کند... این احساس باید در ما پیدا بشود که این مملکت، عائله ما هستند و خانه ما است... همه کشور مال همه ملت است» (1).

در حقوق متقابل دولت و مردم از دیدگاه امام چند عنصر، مهم تر از همه و درخور توجه است که عبارتند از: پشتیبانی مردم از دولت، اعمال نظارت و دادن نظریات مشورتی خیرخواهانه از طریق امر به معروف و نهی از منکر و نصیحت زمام دار و کارگزاران اسلامی.

### 3- حضور مداوم و لزوم مقاومت مردم

یکی دیگر از حقوق اصلی دولت بر مردم که در منابع دینی و اندیشه سیاسی حضرت امام نیز آمده، لزوم مقاومت مردم در برابر مشکلاتی است که از درون و بیرون مرزهای کشور اسلامی متوجه نظام می شود. امام رحمة الله علیه در این زمینه می فرماید:

«مهم این است که انقلاب اسلامی ما انقلابی است که به دست مردم صورت گرفته، مردم انقلاب کرده اند و مردم باید آن را به آخر برسانند. مردم قیام کرده اند، شاه را بیرون کرده و رژیم او را سرنگون نموده و

ص: 174

---

1- همان، ج 7، ص 522.

نظام اسلامی را که به نفع مستضعفین است جایگزین آن کرده اند، پس، مردم باید پای کاری که کرده اند بایستند. هر چه عمل بزرگ باشد، دشمنش بیشتر و بزرگ تر است»(1).

حضرت امام رحمة الله علیه تنها راه مقابله با دشمنان و بناء نهادن نظامی اسلامی استوار را، حضور مداوم مردم می داند در جای دیگر حضرت امام رحمة الله علیه ضمن سفارش به دولت مردان و مجلسیان، احترام و اعتنا به آرای مردم را وظیفه دولت، و جمهوری اسلامی را راه آور حضور و فداکاری ملت می داند:

«به مجلس و دولت و دست اندرکاران توصیه می نمایم که قدر این ملت را بدانید و در خدمت گذاری به آنان، خصوصا مستضعفان و محرومان و ستمدیدگان که نور چشمان ما و اولیای نعم همه هستند و جمهوری اسلامی ره آورد آنان و با فداکاری های آنان تحقق پیدا کرد و بقای آن نیز مرهون خدمات آنان است، فروگذار نکنید»(2).

خلاصه اینکه مردم در اندیشه امام رحمة الله علیه و سیره نظری و عملی ایشان به طور جدی دارای نقش محوری در سیاست، نظام

ص: 175

---

1- همان، ج 19، ص 54.

2- صحیفه امام، ج 21، ص 412.



سیاسی و حکومت اسلامی بودند. خوش بینی به مردم و اهمیت به خواست عمومی و بلوغ فکری و سیاسی ملت و تکریم ایشان، در همه آثار معظم له به چشم می خورد. در فقاہت و سیاست و عرفان امام، مردم نقش عمده ای دارند و پس از رکن الهی، اندیشه و نهضت وی را تشکیل می دهند، البته بعد الهی این تفکر، بر بعد مردمی، احاطه دارد. این دو رکن بی تردید، رمز پیروزی و بقای انقلاب اسلامی بوده است.

ص: 176

اشاره

احزاب سیاسی، در جهان امروز یکی از ابزارهای مشارکت سیاسی مردم و مهار قدرت در جوامع دموکراتیک محسوب می شود. کشورهای که نظام سیاسی آنان بر انتخابات پارلمان و امثال آن مبتنی است، وجود احزاب سیاسی لازم و عدم آن در صحنه سیاسی خلاءای محسوب می گردد.

چرا که در فضای سیاسی غرب مردم در انتخابات های مختلف بعلت عدم شناخت تمامی نامزدها و یا افرادی که سابقه روشنی در فعالیت های سیاسی اجتماعی ندارد، با مشکل انتخاب نامزد مورد نظر خود مواجه می باشند، بدین خاطر احزاب سیاسی را در غرب برای رفع مشکل اینچنین لازم دارند.

احزاب سیاسی دارای فوایدی هستند که عبارت می باشد از سازماندهی نیروهای پراکنده، حمایت از حقوق فرد و جامعه در برابر تجاوز احتمالی دولت مردان به حریم آزادی های سیاسی، ارتقای سطح آگاهی های مردم در جامعه، نظم بخشیدن

به فعالیت‌ها و کاهش منازعات و تنش‌های خشونت‌آمیز، در کشورهای پیش‌رفته که از طرف «تشخیص امور سیاسی و... تحلیل درست آنها برای مردم» دشوار بوده، و از طرف دیگر «پچیدگی امور سبب بروز اشتباهاتی برای دولت» می‌گردد و نیز «مردمی شدن امور سیاسی و رقابت بر سر زمام داری» از سوی دیگر، ضرورت بخش تشکیل احزاب و تشکل‌ها دانسته شده، «آزادی احزاب و حق عضویت در آنها حق اجتناب‌ناپذیر مردم قلمداد می‌شود»<sup>(1)</sup>.

با وقوع انقلاب اسلامی در ایران و استقرار نظام مبتنی بر ولایت فقیه، برخی از مفاهیم دچار دگرگونی و مفاهیم جدیدی مطرح گردید. در آن میان، حزب سیاسی از لحاظ تئوریک و فعالیت احزاب در جنبه علمی مورد کاوش قرار گرفت. احزاب سیاسی با محتوا و بنیادهای نظری پیشین در تعارض جدی با دیدگاه‌های ایدئولوژیهای انقلاب قرار گرفتند که اوج آن در مناظره‌های فکری و منازعات مسلحانه مشاهده می‌شود. وجود نظام تک‌حزبی در سلطنت محمد رضا پهلوی و ممنوعیت فعالیت سایر احزاب، حکومتی بودن احزاب اصلی و فضای

ص: 178

---

1- سید محمد هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، 1374، ج 1، ص 230.

سیاسی آغاز استقرار جمهوری موجب گردیدند که روی آوری به فعالیت حزبی و گروهی با استقبال فراوان همراه شود و گروه‌های متعددی پدید آیند. عدم تفاهم و وفاق این گروه‌ها، تشتت و پراکندگی را به همراه داشت. این موضوع باعث شد تا حضرت امام رحمة الله علیه در مورد احزاب و فعالیت آنها موضعی صریح و روشن اتخاذ کنند در اواخر دهه پنجاه و اوایل دهه شصت یکی از موضوعاتی که ذهن امام را به خود مشغول کرده بود، مسئله احزاب سیاسی بود. در همین زمان بود که ایشان فعالیت احزاب را منوط به زیان نرساندن به جامعه اعلام کردند، به بیان دیگر، ملاک ارزیابی احزاب به نظر ایشان توجه به عملکرد آنان بود نه مبانی فکری. بعد دیگر دیدگاه امام رحمة الله علیه که در دهه چهل مطرح شده، بر شفافیت موضوع افزوده است.<sup>(1)</sup>

در این فصل موضوع تحزب و چگونگی مشارکت آنان در نظام سیاسی از نظر امام رحمة الله علیه بررسی خواهد شد. البته ذکر این نکته لازم است که بطور کلی نمی‌توان حضرت امام را مخالف تحزب و تشکل به شمار آورد. ایشان در عین حال که به پدیده «احزاب سیاسی» که از دستاوردهای جوامع غربی است و به جوامع

ص: 179

---

1- صحیفه امام، ج 5، ص 139 - 275 - 482 و ج 17، ص 193.

مسلمین نیز سرایت پیدا کرده، چندان خوشبین نبودند مخالف فعالیت های حزبی و تشکیلاتی نیز نبودند.

## الف - جوامع اسلامی و پدیده احزاب

در جوامع اسلامی برخورد با پدیده حزب، یکسان نبوده و از سوی متفکران مسلمان موضع گیری های متفاوتی را برانگیخته است. برخی به لحاظ ترجیح نقاط مثبت حزب بر آفات آن، با تمسک به ادله ای از کتاب و سنت بر آن صحنه نهاده اند. ادله لزوم امر به معروف و نهی از منکر و نیز تایید فعالیت گروهی از جوانان مکه برای جلوگیری از مفسد اجتماعی از سوی پیامبر از دلایل جواز، بلکه لزوم فعالیت احزاب شمرده اند(1).

چنان که عده ای در نقطه مقابل، با تمسک به آیاتی چون «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَلَا تَفَرَّقُوا» تشکیل احزاب را که عامل تفرقه و جدایی در جامعه اند، نفی و تاسیس و فعالیت آنها را مردود دانسته اند.

امام خمینی رحمه الله علیه که به لحاظ بیش جامعه و همه جانبه خود

ص: 180

---

1- سید محمد هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج 1، ص 231.

نسبت به اسلام و معارف و قوانین آن، قریب به یک قرن در جریان مسائل سیاسی قرار داشت و حوادث و جریان‌های سیاسی جهان، به ویژه جهان اسلام را با حساسیت دنبال می‌کرد، نسبت به «پدیده احزاب» دیدگاهی قابل توجه و دقت دارد. تامل و مطالعه در نکاتی که ایشان در خصوص احزاب در غرب و ظهور آن در کشورهای اسلامی متذکر شده و بر آنها انگشت اشارت گذاشته اند، برای جوامع اسلامی بالاخص جامعه اسلامی ما، و همه علاقمندان و محققان و فعالان در عرصه سیاسی حائز اهمیت است و به سادگی از کنار آنها گذشتن، نشانه «ساده اندیشی» و «عدم بلوغ ساسی» است، چرا که مواضع ایشان در قبال مسئله احزاب، مواضع شخصیتی است که عمری را در پیگیری مسائل سیاسی سپری کرده و بیش از یک دهه با حضور فعال خود در صحنه جهانی و هدایت انقلاب اسلامی، سیاست‌های جهانی و قدرت‌های بین‌المللی را تحت الشعاع قرار داده و به شهادت دوست و دشمن تصمیماتش در عرصه‌های گوناگون صائب بوده و همگان را به اعجاب واداشته است.

از شهید بهشتی قدس سره الشریف نقل شده که می‌فرمودند: هرگاه حضرت امام در مسئله‌ای نظری داشتند و مسئولان نظر دیگری داشتند و بر آن پافشاری می‌کردند و امام را متقاعد می‌نمودند که

از نظر خویش صرف نظر کنند، پس از مدتی می فهمیدیم که حق با امام بوده است.

آیت الله موسوی اردبیلی در این مورد می فرماید:

«باید ما تلاش کنیم آن جاهایی را که می دانیم امام یک نظر خاصی در آن جا داده و ما الان مثلاً فکر می کنیم یا بر ما ثابت شده که آن روز هم اگر صلاح بود، امروز صلاح نیست، بهتر است این را با احتیاط عمل کنیم، چون نظر امام نظری نیست که آدم همین طوری بگوید: او یک آدمی بود آن طوری می گفت، حالا یک کسی طور دیگری بگوید. حضرت امام را نباید این طوری تلقی کرد»<sup>(1)</sup>.

از اظهار نظرهایی از این قبیل توسط افراد و شخصیت هایی که سالها با حضرت امام آشنا بوده اند و از نزدیک تصمیمات ایشان را در مسائل گوناگون مشاهده کرده و ثمرات آن را دیده اند، نمی توان به سادگی گذشت، هر چند در پاره ای از موارد پذیرش آن بر ما ثقیل باشد. آرا و نظریات حضرت امام در خصوص مسئله احزاب نیز از این قاعده مستثنا نیست. دیدگاه حضرت امام درباره احزاب را باید از این زاویه نگرست که او شخصیتی بود که در صدد ایجاد تحول عظیم در صحنه بین المللی

ص: 182

برآمد تا آنچه در جهان معاصر از سوی قدرت های بزرگ با اهرم های مختلف، به صورت قوانینی مقبول و اموری مسلم درآمده مورد بازبینی قرار گیرد. دچار خود کم بینی شدن و پذیرفتن همه مفاهیمی که در جوامع دموکراتیک غربی لازمه لاینفک جامعه شمرده شده، و بی تامل و درنگ و بی نقص تلقی کردن و در صدد تحقق همان نسخه در جامعه اسلامی برآمدن، از حکمت و دور اندیشی به دور است و با استقلال فکری و فرهنگی ما منافات دارد. امروزه پاره ای از مفاهیم فلسفه سیاسی که در دهه های گذشته اموری مسلم فرض می شد، حتی مورد بازبینی دانشمندان آن دیار قرار گرفته است. قابل انکار نیست که این همه تلاش در صحنه بین المللی و مظاهر متعدد پیش رفت بشری در عرصه های گوناگون و از آن جمله عرصه های حقوقی و سیاسی، سبب تحقق عدالت در جهان نگردیده و همواره قدرتمندان، زورمداران و سرمایه داران از همه امکانات بهره مند بوده اند و مستضعفان و مظلومان عالم تحت ظلم و چپاول و بیدادگری به سر برده اند.

اگر انقلابی که امام رحمة الله علیه بر پا کرد، در جهان کنونی طرحی نو در انداخته و نظام سیاسی مترقی و نو، هم به لحاظ قالب و هم به لحاظ محتوا به جهانیان و مسلمانان عرضه کرده و اتفاقاً رمز



دشمنی مستکبران عالم را از این زاویه باید مورد توجه قرار داد و همان طور که از دستاوردهای تمدن بشری در عرصه های مختلف بهره گرفته و نقاط مثبت آن را برگزیده و پاره ای از آنها را در سنجش با مبانی و ارزشهای اسلامی تعدیل، تصحیح و یا نفی کرد. پدیده احزاب سیاسی نیز به عنوان یکی از ابزارهای مشارکت سیاسی مردم، امری است که نیازمند دقت و بررسی است.

حضرت امام خمینی در این باره دیدگاه ها و نظریاتی دارند که مروری به مجموعه آنها، که هم به ریشه یابی تاسیس احزاب در کشورهای اسلامی پرداخته، هم به تفاوت وضعیت احزاب در غرب و در ایران عنایت ورزیده، و هم عوارض منفی تشکیل احزاب را مورد بررسی قرار داده و هم در برابر پیش نهاد تاسیس حزب در دوران مبارزه ایستادگی کرده، در شرایط فعلی جامعه ما می تواند راه گشا و سودمند باشد. «پدیده تحزب» متناسب با اصول و معیارهای جامعه اسلامی و حکومت دینی، محتاج بازنگری است تا از جهت اهداف، عرصه فعالیت، ارتباط با احزاب دیگر و مردم و حکومت روشن شود.

### **ب - فعالیت احزاب در جوامع اسلامی و جوامع دموکراتیک**

«تحزب و تشکل» و فعالیت های سیاسی - اجتماعی در

قالب حزب و تشکیلات، مسئله جدیدی نیست که نتوان سابقه و نمونه هایی در تاریخ اسلام برای آن یافت، بلکه از جهات مختلف می تواند مثبت و مفید باشد. از این رو به نظر می رسد که در اصل چنین فعالیتی تردید وجود ندارد و بعید است در مکتبی که اهتمام فراوانی برای فعالیت های جمعی قائل است، مورد نهی قرار گرفته باشد. آن چه اهمیت دارد، اهداف، انگیزه ها و نوع

فعالیتها یک شکل است. از این رو حضرت امام رحمة الله علیه می فرمودند:

«این طور نیست که حزب بد باشد یا هر حزبی خوب باشد، میزان ایده حزب است» (1).

آن چه مورد بحث است فعالیت سیاسی در قالب «حزب سیاسی» به معنای متعارف آن در جوامع پیش رفته است. درباره این که نگرش مکتب اسلام به این پدیده نو چگونه است، نگرش های متفاوتی از سوی افراد و شخصیت ها وجود دارد.

در این مطلب که حضرت امام نیز متعرض مباحث نظری «تحزب» نشده اند، توقف نخواهیم کرد، اما تامل در این باره ضروری است که آیا «حزب» با مجموع آن چه که در جوامع

ص: 185

دموکراتیک رایج است - که مهم ترین نکته آن، «فعالیت سیاسی برای کسب قدرت می باشد» و احیانا برای رسیدن به قدرت ارتکاب هر عملی تجویز می گردد. می تواند در مکتب ما امری مقبول و مطلوب باشد، یا نیازمند بازنگری در بعضی از ابعاد است. و آیا فعالیت احزاب با شاخصه هایی که در جوامع غربی دارد، می تواند در یک نظام ارزشی و مبتنی بر مبانی دینی و اخلاقی مجاز شمرده شود و مصالح مردم مؤمن را تامین کند و رشد و تعالی فکری و معنوی ایشان را به دنبال داشته باشد؟ آیا فعالیت احزاب سیاسی در جامعه اسلامی نباید با توجه به این نکته باشد که چنان چه کسی برای پست و مقامی تلاش کند و آن را در اختیار گیرد، در حالی که افراد لایق تر از او در جامعه وجود دارند، نوعی خیانت به جامعه است. توجه به این نکات و امثال آن در فعالیت یک حزب مطلوب در جامعه اسلامی ضروری است.

شهید بهشتی در تبیین تشکل سالم می فرماید:

«... تشکل حق، تشکلی است که انحصار طلب نیست، تشکل سالم، تشکلی است که یک نظام ارزشی را روشن و صریح مطرح می کند. می گوید: ما پاس در این نظام ارزشی هستیم، پاس دار این ارزشها هستیم، هر کس این ارزشها را دارد مورد حمایت است، خواه داخل تشکیلات (به عنوان حزب)

باشد، خواه نباشد، هر کس این ارزشها را ندارد، این مورد انتقاد ما است، خواه عنصر تشکیلات باشد، خواه نباشد»(1).

تشکل سالم در نظام اسلامی، برای رضای خدا فعالیت می کند برای اعتلای کلمه اسلام و عزت مسلمانان تلاش می کند، به ارزش ها و موازین اخلاقی پایبند است، هر چند به ضرر تشکیلات باشد. اعضای حزب را - در صورت نپذیرفتن تصمیمات حزب - مجبور به پذیرش نمی کند، حریت و آزادی آنان را سلب نمی کند. برای تامین منافع حزبی، اصول و مبانی اعتقادی، ارزشی و ملی را زیر پا نمی نهد، برای جلب آرای بیشتر به عوام فریبی متوسل نمی شود، تبعیض میان اعضای حزب و دیگران در دست یابی به مشاغل و امکانات قائل نیست و مسئولیت ها را بر معیار لیاقت و شایستگی استوار می سازد نه عضو حزب بودن، با این همه به نظر می رسد که برای فعالیت سالم حزبی در جامعه اسلامی طرحی نو لازم است تا در عین برخورداری از نقاط مثبت حزب، نقاط منفی آن را نداشته باشد.

به هر حال از این مسائل ارزشی و معیارهای اسلامی در فعالیت احزاب سالم که بگذریم، جامعه اسلامی به لحاظ

ص: 187

---

1- حزب جمهوری اسلامی، جزوه شماره 1.

برخورداری از منطقی قوی، یا فعالیت احزاب در چارچوب قانون هر چند احزاب مطلوب از نظر اسلامی نباشد. مخالفتی ندارد.

در اصل 26 قانون اساسی جمهوری اسلامی آمده است:

«احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت».

حضرت امام رحمة الله علیه نیز فعالیت احزاب متعدد، با فرض «تفاهم بر اصول» و «وحدت مقصد» را مجاز می‌دانستند. در عین حال، مردم را به فعالیت سیاسی در قالب حزب تشویق نمی‌کردند، بلکه به لحاظ عملکرد احزاب در جوامع اسلامی و کشور ایران پس از مشروطه و نیز پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به فعالیت حزبی خوشبین نبودند، به طوری که هنگام نصب یکی از اعضای نهضت آزادی به نخست‌وزیری دولت موقت، آن را مشروط به فراغت از فعالیت حزبی کردند و در حکم نخست‌وزیری وی مرقوم فرمودند:

ص: 188

«جناب عالی را بدون در نظر گرفتن روابط حزبی و بستگی به گروهی خاص، مامور تشکیل دولت موقت می نمایم.» (1).

این حساسیت در مورد فعالیت حزبی روحانیت به مراتب شدیدتر بود، به طوری که در مقاطع مختلف نهضت با تاسیس حزب از سوی روحانیان مبارز و حاضر در صحنه مخالفت کردند. منشأ این حساسیت گذشته از آفاتی که بر فعالیت حزبی مترتب می شد، به جایگاه خواص این قشر در جامعه مربوط

می شود.

### ج - احزاب سیاسی در اندیشه سیاسی امام رحمة الله علیه

حضرت امام رحمة الله علیه به رژیم سلطنتی شاه حمله می کند، بر رژیمی که آزادی های فردی، انتخابات واقعی، مطبوعات و فعالیت احزاب را از میان برده است (2). پس از پیروزی انقلاب ایجاد آشوب و خشونت های مسلحانه، ترور و پراکندگی های اجتماعی ناشی از فعالیت احزاب بر ادامه فعالیت و آزادی آن اثر

ص: 189

---

1- صحیفه امام، ج 6، ص 54.

2- همان، ج 3، ص 73 - 74.

می گذارد. در همین مرحله است که امام تشکیل «حزب جهانی مستضعفین» را پیشنهاد می کند.

امام رحمة الله علیه در سال 1343 به ساختار دولتی داشتن و وابستگی احزاب به حکومت می تازد: هر حکومتی که بر سر کار می آید، حزبی تشکیل می دهد، «یکی «حزب مردم» درست می کند ... یک حزب ایران نوین ... هی حزب درست میکنند»<sup>(1)</sup>. امام رحمة الله علیه در سال 53 در مورد حزب رستاخیز می فرماید:

«ایران تنها کشوری است که حزبی به امر ملوکانه تاسیس کرده و ملت مجبور است وارد آن شود و هر کس از این امر تخلف کند سرنوشت او با حبس و شکنجه و تبعید و یا از حقوق اجتماعی محروم شدن است»<sup>(2)</sup>.

ایشان در سال 57 پیرامون رژیم شاه فرمودند:

«حزب واحد ایجاد نموده است. از این بدتر، پیوستن به این حزب را اجباری کرده است و از متخلفان انتقام میگیرد»<sup>(3)</sup>.

امام بین حزب دولتی و دولت حزبی تمایز قائل است و

ص: 190

---

1- همان، ج 1، ص 384.

2- همان، ج 3، ص 72.

3- همان، ج 3، ص 368.

دولت حزبی را شکل پذیرفته و حزب دولتی را شکل مردود نظام حزبی می دانند:

«قبل از این که دولت شما پیش بیاید، یک حزبی درست کنید و بعد هم حزب در مجلس، به طور [ی] که باید بشود، به طوری که قوانین اساسی و قانون اساسی و سایر قوانین اقتضا می کند، نماینده درست کنند، و بعد هم آقای وزیر، نخست وزیر متکی به نمایندگانی که از حزب پیدا شد و از جمعیت و از خواسته مردم و اینها پیدا شد، بعد می شود یک دولت متکی به حزب»<sup>(1)</sup>.

حضرت امام رحمة الله علیه در مورد تشکیل احزاب توسط بیگانگان و اهدافشان از این کار می فرماید:

« آنها وقتی که احزاب درست میکنند واقعا باهم دشمن می شوند، حزب کذا با حزب کذا اینها با هم دشمن هستند و تمام عمر خودشان را صرف می کنند در دشمنی کردن باهم. وقتی بنا شد که آن اشخاص که مؤثر هستند، آن اشخاص که امید این هست که مملکت به واسطه آنها اصلاح بشود، این ها تمام قوایشان را صرف کنند در این که خودشان به جان هم بیفتند، دعوا کنند خودشان باهم، تمام نوشته هایشان بر ضد هم، هر کدام دیگری را رد کند... بعضی آن ها دانسته این کارها

ص: 191

---

1- همان، ج 1، ص 385.



را می کردند، و از عمّال ابتدایی خارجی ها بودند و [یا] بعضی آنها هم ملتفت قضیه نبودند که دارند آنها را میکشند به یک راهی که مخالف با مصلحت کشور خودشان است»<sup>(1)</sup>.

ایشان در مورد وابستگی احزاب می فرمایند:

«این احزاب ندانسته به دست دیگران پیدا شده است.»<sup>(2)</sup>.

در نظر امام، دلیل حزب سازی دیگران، نگرانی از اجتماع و وحدت است:

زیرا تا زمانی که در یک جامعه همگرایی وجود داشته باشد، زمینه بهره برداری سوء خارجیان از میان می رود. این امر، مخالف منافع غربیان بود. و پرتو حزب سازی می توانست از هم سوئی، جلوگیری و اختلاف افکنی کند. در کشورهای غربی، احزاب دشمن واقعی یک دیگر نیستند و بر اساس منافع و مصالح ملی، بیش تر باهم همکاری دارند. به همین دلیل حزب در آن جا نه تنها مضر به جامعه نمی باشد، بلکه با توجه به نوع فعالیت و تاکید هر یک بر جنبه های خاص زندگی می تواند مفید باشد.

ص: 192

---

1- همان، ج 5، ص 275 - 276.

2- همان، ج 5، ص 275.

اما در کشورهای جهان سوم دو مشکل عمده وجود دارد:

اول اینکه سازندگان و کارگزاران احزاب حول منافع مهم و مشترک مجتمع نیستند و این امر توانایی احزاب را مصروف در هم شکستن و تضييع یک دیگر می سازد و با فرض مفید بودن برخی از آنها برای جامعه، زمینه خدمت آنان بر اثر مخالفت سایر احزاب سلب می شود.

ثانیا نبود توافق بر منافع و مصالح مشترک، توده ها و هواداران احزاب را در همکاری با آنها با سردرگمی و یا بی تفاوتی رویه رو می سازد و عدم جذب و بسیج توده ها از کارایی احزاب می کاهد. چرا که «حزب برخوردار از پشتیبانی توده ها از آن حزبی که از پشتیبانی برخوردار نیست، نیرومندتر است. هم چنین نظام حزبی برخوردار از اشتراک توده ای، از آن نظام حزبی نیرومندتر است که گسترش دامنه اشتراک سیاسی اش به جدایی تدریجی حزب از پشتیبانانش می انجامد و سازمانی را که زمانی بر مبنای گسترده ای استوار بود، به اجتماع مستی سیاستمداری ریشه تبدیل می سازد»<sup>(1)</sup>.

ص: 193

---

1- ساموئل هانتینگتون، سامان سیاسی در جوامع دستخوش تحول، ترجمه محسن ثلاثی، (بی جا، علم، 1375) ص 582.

حضرت امام از مداخله نظامی بیگانگان و یا محاصره اقتصادی و حمایت های مختلف از برخی گروه ها توسط آنان نگرانی زیاد نداشت، اما نگرانی عمده ایشان از اختلافات داخلی بود.

«از این دشمن، دشمنی که آمده در داخل ما و ما را می خواهد از داخل فاسد کند، این ترس دارد که ما به جان هم بیفتیم»<sup>(1)</sup>.

و در جای دیگر می فرماید:

«مع الاسف ماها ملتفت نیستیم، عمق مسائل را ما نمی توانیم درک کنیم که در ظرف یک سال کمتر، دوستان تا گروه در یک مملکت پیدا شدن و دوستان تا حزب اظهار وجود کردن، این یعنی چه؟ ... هر چه گروه ها هم زیادتر می شوند اختلافات زیادتر می شود»<sup>(2)</sup>.

با توجه به چنین وضعیتی امام یادآور می شوند که:

«نباید اختلافات را دامن زد، نباید آن بگوید من حزب کذا، آن بگوید من حزب کذا، نباید این قدر حزب ها پیدا بشود، دوستان تا حزب پیدا بشود، این

ص: 194

---

1- صحیفه امام، ج 11، ص 505.

2- همان، ج 12، ص 24 - 25.

قدر جمعیت‌ها پیدا بشود، باید همه‌شان باهم مجتمع - شوند - برای نجات یک کشوری که همه در آن می‌خواهند زندگی بکنند»<sup>(1)</sup>.

#### د- روحانیت و فعالیت حزبی آن از دیدگاه حضرت امام رحمة الله علیه

بارها شاگردان امام در ضرورت تاسیس حزب و فعالیت در چارچوب حزب و فواید آن با ایشان سخن گفتند، خواستار تشکیل حزب شدند، اما هر بار با مخالفت صریح و قاطع ایشان روبه‌رو گشتند. ایشان برای روحانیت جایگاهی فراتر از احزاب و گروه‌ها قائل بود و به نظر می‌رسد که تاسیس حزب را نوعی تنزل دادن روحانیت از مقام و موقعیتش میدانستند. ذکر نمونه‌هایی از موضع‌گیری امام در برابر پیشنهاد تشکیل حزب، ما را در شناختن ظرافت‌های دیدگاه ایشان یاری می‌کند.

شاید اولین بار پیش نهاد تاسیس حزب توسط روحانیت را در سال 1341 و پس از آزادی حضرت امام از زندانی در پادگان عشرت آباد یکی از علما مطرح کرد.<sup>(2)</sup> وی خواستار

ص: 195

---

1- همان، ج 11، ص 401.

2- سید محمد حسین طهرانی، وظیفه مرد مسلمان در احیای حکومت اسلام، تنظیم از محسن سعیدیان، تهران، 1372، ص 93.

تاسیس دو حزب علنی و سری بود تا نهضت در پرتو آن پی گیری شود. چکیده ای از گفت و گوی وی را با حضرت امام چنین گزارش می کنند:

امام: «حزب به هیچ درد نمی خورد، نه حزب سری و نه حزب علنی، همین طور مردم را حرکت می دهیم».

عرض کردم: آقا؛ فردا مجلس تشکیل می شود وقتی وکلا در مجلس بنشینند و قانون بگذرانند، شما چه قسم جلوی مجلس را می گیرید؟»

امام: «مردم را می فرستیم بروند در مجلس را بشکنند و داخل شوند».

حضرت امام پس از شنیدن شمه ای از فواید حزب، بار دیگر می فرمایند: «ابدا به هیچ من الوجوه حزب صلاح نیست، به هیچ من الوجوه اسم حزب را نباید آورد».

وی علت مخالفت امام را اینگونه تحلیل می کند: «البته فرمایش ایشان از یک جهت تمام است، از جهت کسی که مرجع تمام مسلمین است، آن وقت حزبی به نام خودش تشکیل دهد این صحیح نیست»<sup>(1)</sup>.

ص: 196

---

1- سید جواد ورعی، «تأملی در گسترش احزاب سیاسی»، امام خمینی و حکومت اسلامی، (نهادهای سیاسی و اصول مدنی)، ص

«یکی دیگر از استادان حوزه و شاگردان ایشان در اوج مبارزات و پس از روی کار آمدن (شریف امامی) که تشکیل احزاب را آزاد اعلام کرد، به نمایندگی از روحانیت متعهد و مبارز، در نجف اشرف به دیدار امام شتافت و ضمن بیان مطلبی نظر ایشان را درباره تشکیل حزب جو یا شد، امام در پاسخ فرمودند:

«ما نباید حزب تشکیل بدهیم، آیا بهایی ها هم حزب تشکیل بدهند، ما هم حزب تشکیل بدهیم؟ ما باید هم چون گذشته با فقه و فقاهت و اجتهاد سروکار داشته باشیم و در این محور حرکت کنیم تا بتوانیم مردم را بسیج کنیم»<sup>(1)</sup>.

یکی دیگر از علمای مبارز، همین ماجرا را در خاطرات خویش چنین بازگو کرده اند:

در همان روزهای آزادی من از زندان، بحث تشکیل حزب شده بود و تلاشی هم برای فراهم کردن مقدماتش کرده بودیم، اما با مخالفت امام رو به رو شده بود، امام از اول نسبت به حزب بدبینی خاصی داشتند و آن را موجب تفرقه می دانستند. امام که در عراق بودند، آقای طاهری خرم آبادی سفری به آن جا برای نظر خواهی از ایشان داشتند، که پاسخ امام منفی بود»<sup>(2)</sup>.

ص: 197

---

1- سید جواد ورعی، همان، ص 299.

2- محسن هاشمی، هاشمی رفسنجانی دوران مبارزه، تهران، 1378، ج 1، ص 337.

به نظر می‌رسد که این حس در وجود حضرت امام رحمة الله عليه تا پس از پیروزی انقلاب نیز وجود داشت و نسبت به ورود روحانیت - بالاخص در سطوح عالی - به حزب سیاسی حساسیت داشتند و با آن مخالفت می‌ورزیدند.

ایشان اساساً شأن و موقعیت و رسالت روحانیت را در جامعه فراتر از فعالیت حزبی می‌دانستند، به طوری که در نزاع میان احزاب و گروه‌ها بتواند نقش وحدت‌بخش خود را ایفا کند و ملجئی برای مردم باشد.

حال به شواهدی در این باره اشاره خواهیم کرد: آیه الله هاشمی رفسنجانی در خاطرات خویش از دوران مبارزه و اوایل پیروزی انقلاب درباره تاسیس حزب جمهوری اسلامی که حضرت امام قبل از تاسیس آن مخالفت کرده بودند مطلب را این گونه نقل و موضع امام و نوع عکس‌العمل ایشان را بیان می‌کنند: «اولین چیزی که در آن شرایط (پس از پیروزی انقلاب) به ذهن ما رسید، خلاء تشکیلات بود، همه دوستان احساس کرده بودند که اگر ما تشکیلات درستی داشته باشیم، دچار این آشفتگی نمی‌شدیم... من رفتم خدمت امام و مطرح کردم که به این نتیجه رسیده ایم که نقص اساسی ما نداشتن حزب است. امام

گفتند: «بروید تشکیل بدهد».(1)

آیت الله طاهری خرم آبادی نیز پس از نقل ماجرای ملاقاتشان با حضرت امام، چنین فرمودند: «حضرت امام حتی پس از پیروزی انقلاب مخالف تأسیس حزب از سوی روحانیت بود، اگر در مقطعی از بعضی از آقایان در حزب جمهوری اسلامی حمایت کردند، در واقع حمایت از آن اشخاص بود و نه حمایت از حزب، امام به فعالیت حزبی چندان اعتقادی نداشت».

این نکته را یکی از بزرگان نیز که مستقیماً از حضرت امام نقل می کرد، فرمودند: «به امام عرض کردیم که شما به حزب کمک و از آن حمایت کردید. ایشان فرمودند: «من شما را می شناختم و به شما کمک کردم، نه حزب»(2).

به هر حال حضرت امام اولاً: به خاطر سابقه سوء احزاب در ایران و نقش اجانب در آن، ثانیاً: به خاطر مفاسدی که معمولاً بر تشکیل احزاب مترتب می شود که مهم ترین آن تفرقه و اختلاف و دشمنی است و ثالثاً: اعتقاد به جایگاهی فراتر از حزب

ص: 199

---

1- همان، ج 1، ص 336 و 337.

2- سید جواد ورعی، «تأملی در گسترش احزاب سیاسی»، امام خمینی و حکومت اسلامی، نهادهای سیاسی و اصول مدنی، ص 300.



برای روحانیت، نسبت به تشکیل حزب توسط روحانیت خوشبین نبودند. این حساسیت در مورد ورود روحانیت به احزاب ناسالم و منحرف شدیدتر بوده و عکس العمل ایشانرا به دنبال داشت، حجة الاسلام محمد تقی فلسفی که در ارتباط مستقیم با تلاش حضرت امام برای جدا کردن آقای شریعتمداری از حزب خلق مسلمان بود که ارتباط بعضی از سران آن با بیگانگان پس از تسخیر لانه جاسوسی آمریکا بر ملا شد. در این باره می گوید: امام فرمودند: «ما می دانیم که اجانب به خصوص آمریکا با این انقلاب خیلی دشمن هستند و با وسائل گوناگون به آن ضربه می زنند. حالا اول کار است که آمده اند و حزب درست کرده اند، این حزب خلق مسلمان علی التحقیق ریشه خارجی دارد... مشکل این است که آقای شریعتمداری به نام یک آیه الله وابستگی خودش را به این حزب اعلام کرده و آن را وابسته به خود معرفی کرده است. یعنی بین این حزب و بین آقای شریعتمداری ارتباط، هماهنگی و همرنگی برقرار است. این کار خیلی خطرناک است ممکن است، تمام زحمت ها به

هدر برود».(1)

ص: 200

---

1- صحیفه امام، ج 11، ص 170 - 171.

شاید حساسیت شدید امام به فعالیت روحانیت در قالب حزب، تا حد زیادی به وضعیت متعارف فعالیت احزاب سیاسی نیز مرتبط باشد. چرا که امام خمینی با نگرشی الهی و ژرف خویش ماهیت مستکبران عالم را به خوبی می شناخت و با شیوه های گوناگون استعماری با هدف تسلط بر عالم و چپاول ذخایر آنان آشنایی کامل داشت.

#### ه- بیگانگان و احزاب سیاسی از دیدگاه حضرت امام رحمة الله علیه

حضرت امام رحمة الله علیه با بینش سیاسی و نگرش الهی خود ماهیت واقعی مستکبران و روش هیا گوناگون استعماری آنان را می شناخت، و تاکید می کرد که اهداف اصلی بیگانگان از حمایت تشکلهای و احزاب سیاسی تسلط بر کشور و نظام حکومتی آن برای چپاول ذخایر آن کشور می باشد.

امام به پدیده هایی هم چون «ناسیونالسیم و ملی گرایی»، «فرقه های نوظهور مذهبی» و احزاب سیاسی در کشورهای اسلامی به دیده تامل (1) نگریده و از خود حساسیت نشان داده،

ص: 201

به ریشه یابی پرداخته و دستاوردهای آن ها را مورد توجه قرار داده است. ایشان در این باره می فرمایند:

«اصل این احزابی که در ایران از صدر مشروطیت پیدا شده است، آن که انسان می فهمد این است که این احزاب ندانسته به دست دیگران پیدا شده است و خدمت به دیگران بعضی از آنها کرده اند، من این طور احتمال می دهم که در سایر ممالک - که آن وقت مهم انگلستان بوده است - آن ها یک احزابی درست کردند برای به دام انداختن ممالک عقب افتاده و ممالکی که از آنها استفاده می خواستند بکنند»(1).

در بیانات دیگری در این باره می فرمایند:

«اسلام و مذهب مقدس جعفری سدی است در مقابل اجانب و عمال دست نشانده آنها - چه راستی و چه چپی - و روحانیت که حافظ آن است، سدی است که با وجود آن، اجانب نمی توانند به نحوی که دلخواه آنها است، با کشورهای اسلامی و خصوصاً با کشور ایران رفتار کنند، لهذا قرن هاست که با نیرنگ های مختلف برای شکستن این سد نقشه می کشند، گاهی از راه مسلط کردن عمال خبیث خود بر کشورهای اسلامی، و گاهی از راه ایجاد مذاهب باطله و ترویج

ص: 202

ایشان علت تاسیس احزاب در جوامعی مثل ایران، را گذشته از مکتب اسلام و تشیع، ترس استکبار از «اجتماع توده ای» شمرده اند چرا که در جامعه ای توده‌های، مردم متحد و مجتمع اند و به سان سدی در برابر نفوذ آنان در صف واحدند، نفوذ به این صف، جز باگسستن آن از راه های مختلف ممکن نیست. ایشان دست پلید انگلستان را در این زمینه می دیدند و سخنان فریبنده آنان را یادآور می شدند:

«اساسا باب احزاب، از اول که پیدا شده است و اینها باهم جنگ و نزاع کردند، به نظر می رسد که با دست دیگران بوده، برای این که این ها با هم مجتمع نشوند و آنها از اجتماع یک توده ای می ترسند، از این جهت به واسطه این که، این ها مجتمع باهم نشوند و مربوط باهم نباشند، این امر را کردند و خودشان هم یک چیزی صورتی آنجا درست کردند که اینها ببینند که مثلا کذا، خوب ما هم خوب است داشته باشیم، اما آن ها یک جور دیگر فکر می کنند، این هایی که از آن ها اخذ می کنند، یک جور دیگری فکر می کنند. این ها

ص: 203

وقتی که باهم دو حزب تشکیل دادند، دو جبهه مخالف و دو جبهه دشمن تشکیل می دهند، این دشمن اوست، او هم دشمن او است و آنها استفاده اش را می کنند، آن ها بازی می دهند این ها را...»(1).

تشکیل گسترده احزاب پس از دو واقعه مهم مشروطیت و انقلاب اسلامی در ایران که برای پایان بخشیدن به سلطه استعمارگران در این کشور رخ داد، و عملکرد آنان در صحنه اجتماعی و سیاسی، انحراف نهضت مشروطه و منزوی کردن رهبران مذهب و مردم متدین و سیطره مجدد پنجاه ساله بیگانگان بر این ملت و نیز عملکرد احزاب و گروه ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی، واقعی بودن تحلیل حضرت امام را از تاسیس احزاب در این کشور نشان می دهد هر چند ایشان آن را به صورت احتمال مطرح کردند.

## و - مشارکت و آزادی احزاب سیاسی از دیدگاه امام رحمة الله علیه

### اشاره

امام رحمة الله علیه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بر خلاف انقلابهای دیگر که مخالفان را سرکوب و جو خفقان در کشور ایجاد می کنند و تا زمان تثبیت اوضاع، هر صدای مخالفی را در

ص: 204

---

1- همان، ج 5، ص 276.

نطفه خفه می کنند، با الهام از فرهنگ متعالی اسلام و سیره رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم پس از فتح مکه، علی رغم سابقه بد احزاب در ایران، هیچ گونه محدودیتی برای فعالیت سیاسی - اجتماعی اعمال نکردند و همه احزاب - حتی احزاب کمونیستی واحزابی را که در سرسپردگی آنها به بیگانگان تردیدی وجود نداشت - در اظهار عقیده و فعالیت سیاسی آزاد گذاشتند و با جمله معروف «آزادی احزاب آری، توطئه ند» مرز فعالیت ها را مشخص کردند، اما عملکرد زشت احزاب و گروه ها تا آن جا پیش رفت که در مرکز پایتخت و دانشگاه تهران اتاق جنگ برای تجزیه بعضی از استان های کشور هم چون کردستان تشکیل دادند و به هدایت تجزیه طلبان مشغول شدند، و بار دیگر بر دیدگاه حضرت امام نسبت به ماهیت احزاب و نقش بیگانگان در اینوادی، مهر تایید زدند. جاسوسی برای بیگانگان، خیانت به مردم، ترور، قتل و غارت، دزدی، تهمت، نقض قوانین، توطئه، کودتا در کارنامه مجموعه احزاب و گروه های سیاسی منحرف در این مقطع به چشم می خورد.

امام خمینی با هوشیاری کم نظری خود، در پاره ای از موارد و درباره بعضی از احزاب اظهار نظر صریحی دارند، حزب توده را حزب چپ نمای انگلیسی و آمریکایی می دانستند(1)، درباره

ص:205

---

1- همان، ج 9، ص 23 - 184.

حزب خلق مسلمان معتقد بودند «که علی التحقیق ریشه خارجی دارد» و تمام سعی خود را برای جدا کردن آقای شریعتمداری از این حزب نمودند، اما سودی نبخشید(1). سران سازمان منافقین را افراد فاسدی می دانستند که برای منافع اجانب، دختران و پسران جوان را فریب می دهند(2). عملکرد نکبت بار این سازمان، عمق بینش حضرت امام در دوران مبارزه را مبتنی بر عدم حمایت از آنان نشان می دهد.

از دیدگاه حضرت امام، احزاب فعال که می توانند در نظام اسلامی مشارکت داشته باشند و از آزادی نیز برخوردار باشند باید دارای ویژگی های زیر باشند:

### **1- عدم برخورد مسلحانه با نظام اسلامی**

امام مسئله آزادی فعالیت احزاب را به عقیده و مرامشان مرتبط نمی داند، بلکه به حرکت مسلحانه و عملی آن ها در برابر جمهوری اسلامی تاکید می کند. ایشان اسلام را دین رحمت و عطوفت و عدل می داند و کسانی را که از قوانین اسلامی اطاعت

ص: 206

---

1- همان، ج 11، ص 170 - 173 .

2- همان، ج 16، ص 128

کنند - بدون آن که به مرام و ایدئولوژی آنان توجه جدی کند - می پذیرد ولی در برابر آنانی که برای نابودی ملت کمر بسته اند، ایستادگی می کند. با این حال حتی اگر کمترین احتمال هم سویی از سوی احزاب مخالف داده شود، با آن ها مفاهمه می گردد. «می بینید که بعضی احزابی که انحرافی هستند ما آن ها را جزو مسلمین هم حساب نمی کنیم، مع ذلک چون بنای قیام مسلحانه ندارند و فقط صحبت های سیاسی دارند، هم آزادند و هم نشریه دارند به طور آزاد. پس بدانید که ما این طور نیست که با احزاب دیگری با گروه ها دیگری دشمنی داشته باشیم، ما البته میل داریم که همه گروهها و همه احزاب به اسلام برگردند و راه مستقیم اسلام را در پیش بگیرند و همه مسلم بشوند، بر فرض این که نشدند، ما دامی که آنها با ما جنگی ندارند و با کشور اسلامی جنگی ندارند و مقابل اسلام قیام مسلحانه نکرده اند، به طور آزاد دارند عمل می کنند و به طور آزاد حرف های خودشان را دارند می زنند.

« من اگر در هزار احتمال یک احتمال می دادم که شما دست بردارید از آن کارهایی که می خواهید انجام بدهید، حاضر بودم که با شما تفاهم کنم و من پیش شما بیایم، لازم هم نبود شما پیش من بیاید»<sup>(1)</sup>.

ص: 207



امام در جای دیگر می فرمایند:

«ما یک حزب را، یا چند حزب را که صحیح عمل می کنند، می گذاریم عمل بکنند، و باقی همه را ممنوع اعلام می کنیم... هر چه می خواهند روزنامه های خارج بنویسند، هر چه می خواهند توابع صهیونیسم و امثال اینها هر چه دلشان می خواهد فریاد بزنند»<sup>(1)</sup>

## 2- انتقاد به جای توطئه

امام با اشاره به آزادی فعالیت احزاب و گروه ها، بین آزادی بیان و توطئه تمایز قائل می شود و اولی را طبیعی و مجاز می شمارد و دومی را مردود:

«آزادی غیر از توطئه است، آزادی، آزادی بیان است، هر چه می خواهند، بگویند، توطئه نکنند»<sup>(2)</sup>.

چنان چه از عبارت فوق پیداست آزادی فعالیت احزاب محدود به فعالیت های مسالمت آمیز، بیان اهداف، مرام و برنامه های حزب و یا انتقاد از عملکرد دولت است، به شرطی که

ص: 208

---

1- همان، ج 9، ص 300.

2- همان، ج 7، ص 133.

این اقدامات به منظور تضعیف نظام نباشند:

«هر چه می خواهند بگویند و هر چه می خواهند انتقاد کنند، انتقاد غیر توطئه است. لحن توطئه با لحن انتقاد فرق دارد. انتقاد از اموری است که سازنده است. مباحثه علمی همان طوری که علوم اسلامی بی مباحثه نمی رسد به مقصد، مباحثه می خواهد، اشکال می خواهد، رد و بدل می خواهد، این را هیچ کس جلویش را نمی گیرد، لکن یک وقت لحن، لحن انتقاد نیست، لحن، لحن تضعیف جمهوری اسلامی است و لو این که دیکته کردند به او دادند، نفهمد که این طوری است... ما با این لحن مخالفیم، این لحن آزاد نیست، توطئه آزاد نیست، انتقاد آزاد است. بنویسند، بگویند، انتقاد کنند اما توطئه کردن و دنبال این باشند که تضعیف کنند جمهوری اسلامی را تضعیف کنند ارگان های این جمهوری را آن است که دست در کار است و ما ورای او دست هایی است که گرداننده هستند (1)».

### 3- عدم وابستگی به قدرت های خارجی

«استقلال» از شعارهای اصلی انقلاب اسلامی به شمار

ص: 209

---

1- همان، ج 17، ص 461 - 462.

می رود. بنیان گذار انقلاب اسلامی حساسیت ویژه ای در برابر قدرت های استکباری از خود نشان داده اند. پیامدهای سوء حضور استثمارگرانه قدرت های خارجی بر خلاف مصالح جامعه اسلامی است و در اندیشه سیاسی امام جایگاهی خاص دارد. امام حق آزادی بیان و عقیده را در جمهوری اسلامی برای هر فردی می پذیرد، اما با صراحت اعلام می دارد که به احزاب وابسته به خارجیان چنین حقی داده نمی شود. امام رحمة الله علیه در تاریخ 26 آبان 1357 مصاحبه با خبرنگار خاورمیانه و مجله «الاقتصاد العربی» با صراحت می گوید:

« هیچ فرد و یا گروه وابسته به قدرت های خارجی، را اجازه خیانت نمی دهیم»<sup>(1)</sup>.

#### **4- عدم ضرار به نظام اسلامی**

قاعده استصلاح و عدم ضرار در اندیشه سیاسی امام خمینی جایگاهی والا دارد. ایشان آزادی فعالیت احزاب را مشروط به عدم زیان رسانی آنان می داند:

ص: 210

---

1- همان، ج 5، ص 139.

«فعالیت های احزاب اگر چنان چه مضر نباشد، آزاد است»(1).

احزاب می توانند با رعایت مصالح ملت آزاد باشند، اما در صورتی که مصالح ملت در معرض خطر قرار گیرد، از فعالیت احزاب جلوگیری می شود(2).

## 5- حمایت مردمی

پیوند احزاب با مردم و برخورداری از پشتیبانی آنها، از شاخص های مهم مشخص کننده توفیق و قدرت احزاب سیاسی به شمار می رود. «هانتینگتون» «لاپالومبرا» و «وانیر» حمایت مردمی را یکی از ارکان احزاب سیاسی بیان کردند.

هانتینگتون می گوید: قدرت مندی احزاب در برخورداری از پشتیبانی مردم است وی اعتقاد دارد احزابی که نتوانند حمایت و مشارکت توده را جلب کنند به اجتماع مستی سیاست مداران بی ریشه تبدیل می شوند.

امام نیز در مصاحبه با رادیو و تلویزیون آلمان، در تاریخ

ص: 211

---

1- همان، ج 4، ص 432.

2- همان، ج 5، ص 540.

پنجم دی ماه 1357 مبنای آزادی فعالیت احزاب سیاسی را به پذیرش جامعه پیوند می زند. بدون تردید، جامعه ای که بر ایدئولوژی اسلامی استوار باشد، احزاب غیر اسلامی را نمی پذیرد و یا میزانی پذیرش در حد بسیار پایینی قرار دارد.

امام رحمة الله علیه مصداق چنین احزابی را حزب توده می داند. و در پاسخ به پرسش خبرنگاری درباره فعالیت آن حزب یادآور می شوند که

«ما به حزبی که مطرود جامعه اسلامی است اجازه ورود به حکومت اسلامی را نخواهیم داد» (1).

ایشان چند روز بعد در مصاحبه با «اکنونیست» می افزاید:

«امروز هیچ دسته ای در ایران به اندازه حزب توده منفور نیست، سوابق بسیار بدی در ایران دارد» (2).

## 6- سازگاری با وحدت ملی و اجتماعی

هم بستگی و وحدت ملی می تواند مهمترین هدف و

ص: 212

---

1- همان، ج 5، ص 346.

2- همان، ص 385.

اولویت یک نظام سیاسی را تشکیل دهد. با این دید، هر امری که با این هدف در تعارض قرار گیرد، از سوی نظام های سیاسی اجازه رشد و تکثیر نمی یابد. از منظر امام رحمة الله علیه به فعالیت احزاب در پیوند با وحدت کلمه جامعه مفهوم پیدا می کند. ناسازگاری با وحدت ملی ممکن است به صورت تجزیه ارضی یا پراکندگی اجتماعی بروز کند که در هر دو صورت با واکنش شدید رو به رو می شود. چنان چه وجود احزاب یا فعالیت آن ها ناسازگاری باهم بستگی ملی و اجتماعی باشد باید از فعالیت و اجرای برنامه های آن ها جلوگیری شود. (1)

این بینش امام بر این فرض استوار است که دست های اجانب نمی گذارند که گروه ها و احزاب باهم هماهنگ شوند. گروه ها باهم اختلاف دارند و «این یک نگرانی است برای من که ... این اجتماع به هم بخورد و تفرقه حاصل بشود» (2). امام رحمة الله علیه چاره را در همکاری و ارتباط متقابل احزاب می داند و خواستار آن می شوند.

خلاصه اینکه در اندیشه سیاسی امام، که در نظام سیاسی اسلام متبلور است، اصل تحزب و مشارکت سیاسی آن در نظام سیاسی بعنوان یک «حق» پذیرفته شده است، زیرا آزادی بیان

ص: 213

---

1- همان، ج 7، ص 267.

2- همان، ج 8، ص 478.

و فعالیت سیاسی و در کل، آزادی یکی از عناصر اساسی اسلام است. به علاوه، نظام سیاسی اسلام بر انتخابات و آرای مردم استوار است. اما این معنای آن نیست که هر حزبی با هر نیت و ابزاری مجاز به فعالیت باشد. ملاک مجاز بودن فعالیت احزاب، رعایت مصالح ملت و جامعه است نه ایدئولوژی و باورهای احزاب. (1)

### جمع‌بندی نوشتار

در اندیشه سیاسی حضرت امام رحمة الله علیه ضرورت آگاهی مجتهد از جزئیات عمل سیاسی، که آن شناخت درست حکومت و جامعه است تأکید شده، تا بر اساس آن، نظام اسلامی بتواند وحدت رویه و عمل ضروری را بنفع مسلمانان برنامه ریزی کند. امام رحمة الله علیه معتقد است اسلام تمامش سیاست است و از این رو سیاست الهی را آن می‌داند که جامعه را به سوی صلاح هدایت نماید. ایشان اصالت اخلاق بر سیاست را بمنزله بی ارزش بودن سیاست نمی‌داند چون قدرت و سیاست را یک کمال می‌داند و

ص: 214

---

1- علی احمدی، «احزاب سیاسی در اندیشه امام»، امام خمینی و حکومت اسلامی، نهادهای سیاسی و اصول مدنی، ص 22.

معتقد است که باید در دست انسان مهذب قرار گیرد.

حضرت امام رحمة الله عليه تشكيل حکومت اسلامی در عصر غیبت امام زمان عجل الله تعالی ظهوره الشریف را براساس ماهیت قوانین اسلام، سنت و سیره پیامبر و امیر مؤمنان علیهما آلاف التحية والثناء و ضرورت استمرار اجرای احکام، لازم و ضروری می شناسد اما معتقد است تعیین شکل و نوع حکومت از حقوق اولیه مردم است، ایشان مشروعیت نظام اسلامی را منبعث از مشروعیت الهی می داند و بر نقش مردم و مقبولیت مردمی نیز تاکید دارند و بیان داشتند میزان رأی ملت است و مردم آزادانه هر کسی را که می خواهند انتخاب کنند که البته این آزادی مردم در همه نوع آن باید بر اساس موازین اسلام و قانون اساسی باشد.

و در اندیشه سیاسی امام رحمة الله عليه حکومت و مردم نه به عنوان حاکم و محکوم، بلکه دو نهاد مسئول سرنوشت جامعه اسلامی، وظایف مشترکی دارند. دولت اسلامی به عنوان خدمتگذار، امانت دار و سرپرست امت اسلامی موظف است تا علاوه بر کار در مقوله های سیاسی اجتماعی اقتصادی، زمینه های رشد معنوی و سعادت اخروی او را نیز فراهم کند.

مردم در اندیشه امام رحمة الله عليه و سیره نظری و عملی ایشان به



طور جدی دارای نقش محوری در سیاست، نظام سیاسی و حکومت اسلامی است و در واقع حضرت امام رحمة الله علیه علاوه بر اعتقاد به مشارکت فعالانه مردم، مردم را اصلی ترین و مهمترین مؤلفه مشارکت سیاسی در نظام سیاسی اسلام می داند و خواهان دخالت مستقیم و یا غیر مستقیم مردم در تمام امور سیاسی و حکومتی و حتی تعیین رهبری می باشد و بر نقش نظارتی آنان نیز تاکید دارند.

و در اندیشه سیاسی حضرت امام رحمة الله علیه که متبلور از نظام سیاسی اسلام است، اصل تحزب و مشارکت سیاسی احزاب در نظام سیاسی بعنوان یک «حق» پذیرفته شده است، زیرا آزادی بیان و فعالیت سیاسی و در کل، آزادی یکی از عناصر اساسی اسلام است. اما آزادی فعالیت احزاب را به این شرط که رعایت مصالح ملی و جامعه اسلامی را نمایند، بلا مانع می داند.

حضرت امام رحمة الله علیه به لحاظ تجربه ناموفق فعالیت احزاب سیاسی در ایران و سرسپردگی بسیاری از آنان به بیگانگان، به فعالیت سیاسی در قالب حزب خوشبین نبوده و مردم را بدان تشویق نمی کردند.

امام رحمة الله علیه از تفرقه، اختلاف و دشمنی بین احزاب و جریان های سیاسی نگران بودند در عین حال که لازمه تشکل

های گوناگون را بروز اختلاف نمی شمردند، مع ذلک فعالان سیاسی را به رعایت وحدت و مصالح جامعه اسلامی دعوت می کردند ایشان برای روحانیت جایگاهی والا در جامعه قائل بودند، از این رو فعالیت سیاسی آنان را در قالب حزب سیاسی متعارف نمی پسندیدند و با آن مخالفت می نمودند.

ص: 217



- 1- قوام، عبدالعلی، توسعه سیاسی و تحولات اداری، تهران، قومس، 1373.
- 2- مصفا، نسرین، مشارکت سیاسی زنان در ایران، تهران، دفتر مطالعات سیاسی بین المللی، 1375.
- 3- پیشه ور، احمد، جامعه شناسی سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، تابستان 1376.
- 4- علوی، پرویز، ارتباط سیاسی، مؤسسه نشر علوم نوین، چاپ اول، 1370.
- 5- بخشی، علی آقا، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران، 1374.
- 6- هانتینگتون، ساموئل، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علمی، 1370.
- 7- قوام، عبدالعلی قوام، سیاستهای مقایسه ای، تهران، سمت، 1373.
- 8- امام خمینی، صحیفه امام، (مجموعه بیانات، پیامها و مصاحبه ها) مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- 9- امام خمینی، چهل حدیث، چاپ سوم، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، 1372.
- 10 - آیین انقلاب اسلامی: گزیده ای از اندیشه و آراء امام خمینی (س)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، 1374.
- 11 - صانعی، یوسف، ولایت فقیه یا حکومت اسلامی از دیدگاه قرآن، حدیث و

قانون اساسی، تهران، بنیاد قرآن، 1364 .

12- امام خمینی، کتاب البیع، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ص 461 به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی، شماره 5503.

13- امام خمینی رحمه الله علیه، ولایت فقیه، تهران، بنیاد بعثت، 1361.

14 - امام خمینی رحمه الله علیه، شئون و اختیارات ولی فقیه، (تهران، انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، 1395).

15 - امام خمینی رحمه الله علیه، کشف الاسرار

16- بهشتی، محمد حسین، مبانی نظری قانون اساسی (تهران، انتشارات کعبه، 1377).

17 - جمعی از اساتید و محققین به اهتمام علیخانی، علی اکبر، مشارکت

سیاسی، نشر سفیر، پائیز 1377.

18 - امام خمینی، تفسیر سوره حمد، (قم: دفتر انتشارات اسلامی، 1360).

19 - امام خمینی، وصیتنامه سیاسی الهی، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، خرداد 1368.

20 - سخنرانی امام در 11 آذر 1341 به مناسبت آغاز رسمی درس حوزه پس از پایان غائله انجمن های ایالتی و ولایتی، ر.ک: سید حمید روحانی، نهضت امام خمینی.

21 - امام خمینی، ولایت فقیه، قم، انتشارات آزادی.

22 - امام خمینی، شئون و اختیارات ولی فقیه، «ترجمه مباحث ولایت فقیه از کتاب البیع» ج 1، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

23 - مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، در جستجوی راه از کلام امام، دفتر ششم، رهبری انقلاب اسلامی (تهران، امیر کبیر، 1366).

26 - مرتضی مطهری، پیرامون جمهوری اسلامی چاپ هشتم: تهران،

ص: 220

- 25 - مطهری، مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان، چاپ هفتم: تهران، صدرا، 1372.
- 26 - طلایع انقلاب اسلامی: مصاحبه های امام خمینی در نجف، پاریس و قم تهران، مرکز نشر دانشگاهی، 1362
- 27 - نهج البلاغه، ترجمه شهیدی، سید جعفر، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب 1371، خطبه 40.
- 28- نگرش موضوعی به وصیت نامه حضرت امام .
- 29 - هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، 1374.
- 30 - طهرانی، سید محمد حسین، وظیفه مرد مسلمان در احیای حکومت اسلام، تنظیم از محسن سعیدیان، تهران، 1372.
- 31- هاشمی، محسن هاشمی رفسنجانی دوران مبارزه، تهران، 1378.
- 32 - فلسفی، محمد تقی، خاطرات مبارزات، تهران، 1369.
- 33 - قوام، عبدالعلی، توسعه سیاسی و تحول اداری، تهران، قومس، 1373.
- 36- کدیور، محسن، نظریه های دولت در فقه شیعه، تهران، نشر نی، 1376.
- 30 - بشیریه، حسین، انقلاب و بسیج سیاسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، 1372
- 36 - گن زیر، ایرنه، کارگردانی دگرگونی سیاسی در جهان سوم، ترجمه احمد تدین، تهران، نشر سفیر، 1369.
- 37 - بابائی، غلامرضا و آقائی بهمن، فرهنگ علوم سیاسی، تهران نشر ویس، 1366.
- 38 - اسپینگز، توماس، فهم نظریه های سیاسی، ترجمه فرهنگ رجائی، تهران

- 39- ایوبی، حجت الله، «مشارکت انتخاباتی (علل و انگیزه های)»، مشارکت سیاسی، تهران: نشر سفیر، پاییز 1377.
- 40- بازرگان، عبدالعلی، شوری و بیعت حاکمیت خدا در حکومت مردم، تهران: شرکت سهامی انتشار، 1361
- 41- جوادی آملی، ولایت فقیه، رهبری در اسلامی، تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء، 1372
- 42- زکریایی، محمدعلی، فلسفه و جامعه شناسی سیاسی، تهران: الهام، 1374، ج 2.
- 43- شیرازی، سیدمحمد، سیاست از دیدگاه اسلام، ترجمه محمدباقر خانی و یادگاری، تهران: کانون نشر اندیشه های اسلامی، 1361
- 44- عمید زنجانی، عباسعلی، «ابعاد فقهی مشارکت سیاسی (با تاقانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، مشارکت سیاسی، تهران: سفیر، 1377.
- 45- عمید زنجانی، عباسعلی، مبانی اندیشه سیاسی اسلام، تهران: مؤسسه فرهنگی اندیشه.
- 46- عنایت، حمید، اندیشه سیاسی در اسلامی معاصر، ترجمه بهاء الدین خرماهی، انتشارات خوارزمی، چ سوم، تابستان 1372
- 47- کدیور، محسن، «نسبت تکلیف و توسعه براساس شاخص مشارکت سیاسی»، مشارکت سیاسی، تهران: نشر سفیر، پاییز 1377.
- 48- مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، فلسفه سیاست، قم: آموزشی و پژوهشی امام خمینی، 1377.
- 49- موسوی بجنوردی، سیدمحمد، «نقش مشارکت سیاسی در مشروعیت

حکومت اسلامی»، مشارکت سیاسی، تهران: سفیر، 1377.

50 - سیف زاده، سیدحسین، نظریه های مختلف درباره راههای گوناگون نوسازی و دگرگونی سیاسی، تهران: قومس 1373، چ دوم

51 - قوام، عبدالعلی، معمای تئوری سازی در باب توسعه سیاسی، تهران:

52 - باتامور، جامعه شناسی سیاسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر مؤسسه کیهان.

53 - مولانا، حمید، گذر از نوگرایی، ترجمه یوسف شکرخواه، تهران: وزارت ارشاد، نشر مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها.

54 - ماکس وبر، جامعه شناسی سیاسی، ترجمه عبدالحسین نیک کهر، تهران، ص 220-244

## ب- مقالات

1- نوربخش، حسن، پایان نامه مشارکت سیاسی در نظام سیاسی اسلام، مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکزی، سال 1378.

2 - فیرحی، داود، " مفهوم مشارکت سیاسی " مجله علوم سیاسی، سال اول، ش اول، تابستان 1377.

3- سیف زاده، حسین، " تحول از مشارکت منفعلانه به مشارکت فعالانه: تأملی نظری، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تابستان 1373.

4 - قوام، عبدالعلی، " ارثیه بلشویسم، بحران مشارکت"، مجله آسیای مرکزی و قفقاز، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین الملل وزارت خارجه، سال اول، شماره 3.

5 - بشیریه، حسین، " مشارکت سیاسی زنان"، ( مجموعه مقالات ایراد شده در سمینار مشارکت اجتماعی زنان، تهران: امور اجتماعی استانداری

ص: 223



تهران، 1372)،.

6- شمشیری، محسن، "توسعه و روشنفکران"، سلام، سال پنجم، شماره

1262، 18 مهر 1374.

7- عظیمی، حسین، "مباحث توسعه"، همشهری، 20 خرداد 1373، 17 بهمن 1373، 16 شهریور 1373.

8- فیرحی، داود، «امام خمینی اجتهاد و سیاست»، امام خمینی و حکومت اسلامی (روحانیت، اجتهاد و دولت)، مؤسسه تنظیم نشر آثار امام خمینی رحمه الله علیه، زمستان 1378

9- قنبری، آیت، «اخلاق و سیاست در اندیشه امام خمینی»، امام خمینی و

حکومت اسلامی (فلسفه سیاسی 2).

10 - امام خمینی، کتاب البیع، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ص 461 به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی، شماره 5503.

11- استفاده از مقالات نجفی، ابوالفضل «دولت در دیدگاه امام» و اسکندری، علی مشروعیت حکومت از دیدگاه امام خمینی»، امام خمینی و حکومت اسلامی، اخوان کاظمی، بهرام، «مردم در اندیشه امام و نقش آنها در تحقق ولایت فقیه، (فلسفه سیاسی 1 و 2).

12 - مجموعه مقالات سومین سمینار بررسی سیره نظری و عملی امام خمینی (س)، تهران، انتشارات جمعیت زنان جمهوری اسلامی ایران، بهار 1372).

13 - انصاری، محمد علی، «امام مردم و پاسداری از ارزشهای انقلاب»، مجموعه مقالات سومین سمینار بررسی سیره نظری و عملی امام خمینی (س).

14 - احمدی، احمد، «شیوه های ادبی هنری امام»، مجله حضور، خرداد 1371،

ص: 224

15- مولانا، حمید، «امام، انقلاب و ارتباطات»، حضور شماره 4، خرداد 1371.

16 - نجفی، ابوالفضل، «دولت در دیدگاه امام»، امام خمینی و حکومت اسلامی، (فلسفه سیاسی 2).

17- مصاحبه موسوی، میرحسین، مجله حضور، شماره 2، آبان 1370.

18 - فصلنامه علوم سیاسی، مؤسسه باقرالعلوم، قم شماره 12،.

19 - نگرش موضوعی به وصیت نامه حضرت امام

20 - روزنامه جمهوری اسلامی، 1373/3/17.

21- حزب جمهوری اسلامی، جزوه شماره 1.

22 - ورعی، سید جواد، «تأملی در گسترش احزاب سیاسی»، امام خمینی و حکومت اسلامی، (نهادهای سیاسی و اصول مدنی).

23 - احمدی، علی، «احزاب سیاسی در اندیشه امام»، امام خمینی و حکومت اسلامی، (نهادهای سیاسی و اصول مدنی).

24 - ابوالحسنی، سیدرحیم، تحدید رفتار دولت در فرهنگ سیاسی اسلام، پایانامه دکترا، دانشگاه تربیت مدرس، 1374.

25 - اطاعت، جواد، «مشروعیت، مقبولیت و مشارکت سیاسی در نظام مبتنی بر ولایت نیایی»، جمهوری و انقلاب اسلامی (مجموعه مقالات)، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی - گروه انتشارات، 1377.

26- پناهی، محمدحسین، «بررسی چگونگی مشارکت سیاسی مردم در نظام اسلامی»، جمهوری و انقلاب اسلامی (مجموعه مقالات)، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی - گروه انتشارات، 1377.

27 - سیف زاده، سیدحسین، تمثیل ارتباطی - فرهنگی جمهوریت و حقانیت»، مجموعه مقالات جمهوری و انقلاب اسلامی، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب

28 - حقیقت، سیدصادق، «نگاهی به فلسفه سیاسی در اسلام» حکومت اسلامی ش دوم، زمستان 1375.

29 - دیلمی، احمد، مشارکتهای سیاسی، جزوه آموزشی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها.

30- سیف زاده، سیدحسین، «تحول از مشارکت منعلالانه به مشارکت فعالانه: تاملی نظری»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، تابستان 1373.

31- فیرحی، داود، «تکثرگرایی و مشارکت سیاسی در جامعه مدنی و دولت اسلامی»، دانشگاه اسلامی، سال دوم ش ه - تابستان 1377.

32 - اسکارگ، کالوین، «پلورالیسم سیاسی»، مجله کتاب نقد، ترجمه ابراهیم سلطانی، تهران:

33 - فولادوند، عزت الله، «پلورالیسم سیاسی»، مجله کیان، ش 28.

36 - پایان نامه، بررسی علل عدم توانایی سیستم سیاسی ایران در جذب مشارکت سیاسی از کودتا تا انقلاب اسلامی، دانشگاه شهید بهشتی دانشکده علوم سیاسی.



بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتابخانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارک امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : ( موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه )

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

